

انجمن مدیران صنایع

کار آفرین

ماهنامه

شماره ۱۵۹ - اردیبهشت ۱۴۰۳ - ۴۴ صفحه

شرکت رنگسازی سیکلمه (پارت فام)

اولین شرکت دانش بنیان تولید کننده رنگ های الکترو دیپوزیشن ED در ایران

تولید کننده رنگ های مستر ساختاری، حفاظتی، تزئینی، پودری، حرارتی، آبجاس، نتر، بسته بندی و نشانه نوی



Tel: 051-3550

051-35410458-63

www.siklameh.com



صنعت در سال ۱۴۰۳



در گفت و گو با حسین سلاح پورزی
مطرح شد

صنعت در تله ارز

گره های صنعت از جمالزاده تا امروز

گزارش کارشناسی انجمن مدیران صنایع

بررسی و تحلیل سرمایه گذاری
در اقتصاد ایران

+ مروری بر عملکرد سرمایه گذاری در ایران از منظر متغیرهای پولی

در صفحات جهان می خوانید:

◀ ارزیابی آرزوهای اقتصادی پوتین

◀ چرخش محافظه کارانه الکساندر دوگین

◀ روابط روسیه و چین در آسیای مرکزی؛ تعامل یا تقابل

دمانده DAMANDEH®



تولید کننده انواع الکتروموتور و
فن های خانگی ، صنعتی و تاسیساتی

www.damandeh.com

sale@damandeh.com

شماره تماس : ۰۲۱-۳۵۲۷۰



تھلپیں

حال خوب زندگی

صنایع الکتریکی ناسیونال ایران (سہامی خاص)

National Electric Industrial Co.,(IRAN)Ltd.





tulips

Ideas for Happiness

www.nelco-electric.com

مولتی کافه کافیسٹ

کاپوچینو کلاسیک، کافی و دوست داشتنی



[multicafe.info](https://www.multicafe.info)
www.multicafe.co

TECHNICAL INSPECTION
POUYA PARTOW

شرکت بازرسی فنی

پویا پرتو



فعالیت ها و زمینه های خدمات

بازرسی کالا

بازرسی بین المللی کالاهای صادراتی ، وارداتی،
تولید داخل و صدور گواهی های PSI، LC، COI، IC

بازرسی فنی

بازرسی جوش و NDT

بازرسی آسانسور

بازرسی مخازن تحت فشار- دیگ بخار، آبگرم و آبداغ

بازرسی و تعیین معیار مصرف انرژی

بازرسی موتورخانه ها

بازرسی جایگاه های CNG

آموزش

ارائه خدمات آموزشی دوره های عمومی و تخصصی

WWW.POUYAPARTOW.COM

INFO@POUYAPARTOW.COM

تلفن: ۰۲۱۶۶۳۵۱۷۸۹ - ۰۴۱۳۴۷۵۱۴۰۱-۳

دفتر مرکزی: تبریز، خیابان پاستور، روبه روی کوچه توانا، پلاک ۱۲۳

دفتر تهران: خیابان آزادی، روبه روی وزارت تعاون و کار، گوی آشیان، پلاک ۲، طبقه اول



OTCE

شرکت تجهیزات توربو کمپرسور نفت

Empowered Knowledge | Sustainable Services



تأمین قطعات



اجرا و راه اندازی



طراحی مهندسی



• طراحی، ساخت و تامین انواع کمپرسورهای سانتریفیوژ جهت استفاده در ایستگاه های اکسیژرت، خطوط انتقال گاز، واحدهای Crack-Gas و بازیابی اتان.

• طراحی، ساخت و تامین انواع الکترو کمپرسورهای سانتریفیوژ فرآیندی، گازهای اسیدی، مبرد و اتیلین API617

• قابلیت انجام تست عملکردی و مکانیکال انواع کمپرسور سانتریفیوژ رفت و برگشتی و اسکرو تا سطح توان 100MW در مبنای استاندارد API617 و ASME PTC10

• قابلیت انجام Complete unit test با محرک های الکتریکی (تمامی سطوح ولتاژ MV و LV)، توربین بخار و توربین گاز بر مبنای استاندارد API615

طراحی، ساخت و تأمین

انواع کمپرسورهای سانتریفیوژ رفت و برگشتی



office@otce-co.com

021-88604735-36-38

021-88604739



CHILLI MANGO
SAUCE
سوس
انبه پينو (جس)



290g



یک نام و هزار لبخند

شرکت صنایع غذایی سحر

تلفن: ۰۹۰-۲۲۶۶۹۲۳۶-۲۲۶۶۹۲۳۶ اورنگار: ۰۲۱-۲۲۶۶۹۲۳۶-۲۲۶۶۹۲۳۶

WWW.SAHARFOOD.COM



RAZI[®]
Chemical Co.

**PRO
KIT**

&

**MULTI
PURPOSE
KIT**

بطری نرم
اسپری بدون بو
بدون سفیدک و
زردی





بانکداری از شرکت

Open Banking



www.middleeastbank.ir
info@middleeastbank.ir

لناوری‌های جدید بانکی، مشتریان را از حضور در شعبه‌ها بی‌نیاز کرده است. بانکداری باز (Open Banking) خدمتی است که به شرکت‌ها امکان می‌دهد خدمات بانکی را توسط پستو ترمز افزاری خودشان (از جمله سامانه‌های مالی و حسابداری) در هر ساعت از شبانه‌روز، انجام دهند.

- انتقال وجه (داخلی، ساتنا، پایا و پل) به صورت تکی، گروهی و ترکیبی
- استخدام چک صیادی
- تعین کد ملی یا شماره حساب یا شبا
- مشاهده لیست چک‌های واگذار شده به حساب
- مشاهده جزئیات دیوید و پرداخت آنها
- خدمات مربوط به اعتبارسنجی

صاحب امتیاز: انجمن مدیران صنایع

مدیرمسئول: دکتر رمضانعلی رویانی

سر دبیر: محمدرضا صدیقی جنان صفت

اعضای تحریریه: شمس‌الستوده - احسان جنان صفت
فریدون سعیدی

مدیر اجرایی و صفحه‌آرایی:
علی حمانی

ویراستار:
فاطمه ابراهیمیان

محرورفچین:
حمدرضا صدیقی جنان صفت

نشانی: تهران، خیابان استادمطهری، روبه روی خیابان میرعماد
پلاک ۲۶۴، طبقه سوم و چهارم

نمابر: ۸۸۸۳۹۶۴۱

نقل مندرجات این نشریه با ذکر ملاحظه آزاد است
نظر نویسندگان و شرکت کنندگان در میزگردها و مساجدها
ازوماً نظر این نشریه نیست

مسئولیت مطالب بر عهده نویسنده آن است
نشریه در انتخاب، ویرایش، متن آزاد است
مقالات و نظرات به دفتر تحریریه ارسال شود
مقالات رسیده پس داده نخواهد شد
متن اصلی مقالات ترجمه شده به پوست ارسال شود
مقالات روی بک‌تایپ رنگ A4 نوشته بخامنه بین سطرها رعایت شود

برای مرور فهرست مقالات
به آدرس www.amsiran.com مراجعه کنید

چاپخانه:

پیمان نوآیندیش



صنعت در ادامه سال ۱۴۰۳



بهار ۱۴۰۳ آمد و رفت. در این سه ماه تازه سپری شده هیچ رخداد بزرگ و بنیادین در بخش صنعت ایران دیده نشده است. به نظر می‌رسد در تابستان و حتی شاید در پاییز امسال نیز به دلیل رخ دادن ناراحت کننده سانحه هلی‌کوپتر و مرگ سید ابراهیم رئیسی وضعیت اقتصاد ایران و به دنبال آن وضعیت صنعت نیز تکان بالنده‌ای را تجربه کرد. حقیقت این است پیش از رخداد یادشده نیز وضعیت گونه‌ای نبود که بتوان امیدوار بود.

فعلان اقتصادی در بخش خصوصی به ویژه بخش صنعت که فعالیت‌هایی آشکار و بر روی زمین است روزهای پرابهامی را پشت سر می‌گذارند و این روزها می‌خواهند بدانند برای چه باید کنند؟ آیا راهی برای فهمیدن تحولات آتی در ادامه سال وجود دارد؟ [صفحه ۲](#)

بررسی و تحلیل سرمایه‌گذاری در اقتصاد ایران



توسعه اقتصادی ایران قبل از سال ۱۹۷۹ بسیار سریع بود. این کشور به‌طور سنتی یک جامعه کشاورزی بود که در دهه ۱۹۷۰ کشور صنعتی‌سازی و نوسازی اقتصادی قابل توجهی را تجربه کرده بود. این سرعت رشد تا سال ۱۹۷۸ به طرز چشمگیری کاهش یافته بود زیرا فرار سرمایه درست قبل از انقلاب ۵۷ به ۳۰ تا ۴۰ میلیارد دلار در سال ۱۹۸۰ آمریکا رسید.

پس از انقلاب ۱۹۷۹، دولت ایران چهار اقدام اصلاحی انجام داد: ۱. ابتدا دولت کنترل هم‌صنایع از جمله شرکت ملی نفت و همه بانک‌های ایرانی را در اختیار گرفته و آنها را ملی کرد. ۲. قانون اساسی جدید اقتصاد در ۳ تقسیم بخش‌های مختلف، یعنی «دولت»، «تعاونی» و «خصوصی» که بیشتر کسب و کار در اختیار دولت قرار می‌داد... [صفحه ۲۱](#)

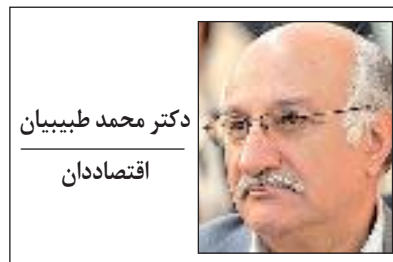
ارزیابی آرزوهای اقتصادی پوتین



پوتین از مجمع سنت پترزبورگ به عنوان ویتروینی برای تبلیغ توسعه روسیه و جست‌وجوی سرمایه‌گذاران خارجی استفاده می‌کند. این رویداد با حضور خبرنگاران بین‌المللی در مقر جدید جهانی گازپروم، یک آسمان خراش ۸۱ طبقه سوزنی شکل که مشرف به خلیج فنلاند است، برگزار شد. سال گذشته، روزنامه‌نگاران

کشورهایی که روسیه آنها را غیردوست می‌داند - از جمله ایالات متحده، بریتانیا و اتحادیه اروپا - دعوت نشدند و مقامات و سرمایه‌گذاران غربی نیز پس از اعمال تحریم‌های گسترده علیه مسکو بر سر او کراین، در این نشست حضور نداشتند. پوتین طی سخنانی در مجمع بین‌المللی اقتصادی سن پترزبورگ (SPIEF) خاطر نشان کرد که «کشورهای دوست روسیه آنهایی هستند که شایسته توجه ویژه هستند زیرا آینده اقتصاد جهانی را تعریف می‌کنند، و آنها در حال حاضر سه چهارم حجم تجارت اقتصاد ما را تشکیل می‌دهند»... [صفحه ۳۱](#)

نقش کار آفرینان در تاریخ بشر



دکتر محمد طبیبیان
اقتصاددان

ساعت ۲۴ - به عنوان یک جریان فکری تاثیرگذار دیگر بر مکتب اتریش می‌توانیم مارکسیسم را نام ببریم. آن هم در وجه مربوط به ارزش نیروی کار به عنوان تعیین کننده ارزش کل تولید جامعه و نقش صاحب سرمایه به عنوان بهره‌کش از مازاد تولید نیروی کار. همچنین شاکله کلی الگوی اقتصادی مارکس که بر مبنای اعتقاد به تضاد بین صاحب سرمایه و صاحب نیروی کار، پیش‌بینی می‌کرد که این تضاد عاقبت منجر به فروریزش سرمایه‌داری خواهد شد.

در این مورد بحث زیادی مطرح شده اما جدا از نقد نظریه ارزش کار توسط مکتب اتریش و پیشنهاد نظریه کارآمدتری که بعداً توضیح داده خواهد شد یک ایده مکتب اتریشی در این مورد بسیار قابل توجه و تاثیرگذار بوده است. آن نیز توجه به نقش کارآفرین (entrepreneur) در تحول نظام اقتصادی اجتماعی و در نتیجه تاریخ بشر است. سرمایه‌دار در دستگاه نظری مارکس کسی است که از طریق استثمار کارگر مازاد جمع‌آوری می‌کند. سرمایه‌دار مکتب اتریشی آن کوشنده محیط اقتصادی است که فرصت‌های جدید را تشخیص می‌دهد و برای کسب سود به ابتکار، نوآوری، سرمایه‌گذاری و تجارت می‌پردازد. کسانی مانند فردریش کروب، ورنر زیمنس، اوگوست تاپسن، کارل بنز، گوتلیب دایملر، ساموئل دوپونت، جیمز وات، برادران مونت گولفیر... و در ابتدای قرن بیستم نیکولا تسلا، گراهام بل، هنری فورد، جان راکفلر، اندرو کارنگی،

جی پی مورگان... و در عصر جدید بیل گیتس، استیو جابز، الون ماکس، جف بزوز... فهرست بلند بالایی از صدها هزار نفر کوچک و بزرگ که از قرن هجدهم تاکنون با توسعه صنایع و نوآوری‌های جدید موتور محرک تاریخ شدند. مکتب اتریش برای اولین بار در تاریخ اندیشه به این نیرو و تاثیرانگیزی آن توجه نمود. یک اقتصاددان مشهور نیمه اول قرن بیستم، یعنی ژوزف شومپتر (۱۸۸۳-۱۹۵۰) که نمی‌توان او را کاملاً تابع مکتب اتریش دانست تفسیر قابل تاملی در مورد نقش کارآفرینان به کار برده، یعنی «نقش تخریب سازنده». به این معنی که کار آفرینان، صنایع سنت‌ها و روال‌های قدیمی تولید و فعالیت اقتصادی و تجارت را لاجرم تخریب می‌کنند تا بنیان‌های نو و پرمترتری را بنیاد نهند. نمونه این رخداد فراوان است صنایع گاری و کالسکه‌سازی نبود شد از طریق تولید اتومبیل. یا اکنون تلفن خطی در معرض نابودی است از طریق رواج تلفن همراه. کامپیوترهای بزرگ تا حد زیادی جای خود را به لپ‌تاپ داده‌اند و دیگر دستگاه کارت پانچ و ماشین‌های دیگر مربوط به محصولات قدیم جایی دیده نمی‌شود و همراه این روند، بسیاری صنایع نابود شده‌اند و بسیاری صنایع با تکنولوژی جدید ظاهر گشته‌اند و این فراگرد لاجرم بایستی رخ دهد تا صنعت و اقتصاد و تولید مسیر رشد را بییماید. در امریکا منطقه وسیعی شامل بخش‌های مختلف چند ایالت به کمبر بند زنگ زده (Rust Belt) مشهور است. کارخانه‌هایی (عمدتاً آهن و فولاد) که از رشته‌های صناعی بود که زمانی پر رونق بوده‌اند و اینک رها شده‌اند، در عوض مکان‌های جدید تولید حاصل از نوآوری در نقاط مختلف پدیدار گردیده‌اند. این فراگرد تخریب و سازندگی که ابتدا شومپتر مطرح کرد می‌تواند سرنوشت رشد

یا فروکاهش یک اقتصاد را تعیین کند. گرچه مشاهده نقش کار آفرینان مشاهده مهمی است اما اقتصاددانان اتریشی روشی برای سنجش این پدیده به دست ندادند و کماکان به جز یک پاسخ به نظریه مارکس در مورد نقش سرمایه داران و یک مفهوم هشداردهنده دست آورد نظری و کاربردی نداشت. (حال پرسش مهم این است که چرا کار آفرینی رخ می‌دهد؟ مکتب اتریش در شاکله نظری خود، برخلاف مکتب نئوکلاسیک‌ها، اعتقادی به مفهوم تعادل ندارد، بلکه استدلال آنها این است که اقتصاد دائماً از یک عدم تعادل به یک عدم تعادل دیگر در حرکت است و مثلاً تعادل عرضه و تقاضا تحقق نمی‌یابد و معاملات در قیمت غیر تعادلی رخ می‌دهد. از این گزاره استفاده می‌کنند برای اینکه استدلال کنند کار آفرینان از شرایط عدم تعادل استفاده می‌برند و فرصت‌های جدیدی برای سود بردن می‌یابند و در آن جهت نو آوری می‌کنند. یعنی عدم تعادل را ویژگی عمومی بازارها و به نوعی عدم تعادل پویانده را عامل ایجاد فضای نوآوری می‌دانند. در این گزاره چند اشتباه وجود دارد: امروزه اقتصاد دانان به این نتیجه رسیده‌اند که حتی اگر قیمت‌ها دایم در حال تغییر باشند، به دلیل تغییر دایم در عرضه و تقاضا، اما این تغییرات برای بسیاری کالاها در اطراف یک مرکز ثقلی انجام می‌شود که ما آن را به صورت تجریدی نقطه تعادل می‌خوانیم. اگر چنین نبود قیمت‌ها و پیرو آن معاملات به صورت انفجاری تغییر می‌کردند و اقتصاد از هم می‌پاشید. نمونه‌های گاهگاهی از این شرایط بی‌ثبات در بازارهای مالی رخ داده است. اگر این استثناها قاعده بود دوام و بقایی در حیات اقتصادی باقی نمی‌ماند. از آن گذشته بسیاری بازارهای عمده مانند بازار مالی و بورس و کالا در بیشتر مواقع دارای تعادل هستند.



صنعت در ادامه سال ۱۴۰۳

به اندازه‌های آشفته است که واقعا نمی‌توان برای یک ادامه سال برنامه‌ریزی کرد. این گروه می‌گویند برنامه‌ریزی در شرایطی بی‌ثباتی تصمیم‌گیری‌های نهادهای حاکمیتی کاری بیهوده است. گروه دیگری اما باورشان این است که بهترین راه برای برنامه‌ریزی روند دگرگونی‌های سیاستگذاری از سوی نهادهای اصلی فرماندهی و نیز برخی شاخص‌های دیگر است. به طور کلی این گروه باورشان این است که از پس هر رویدادی می‌توان راه‌های کارآمدتر را یافت.

سخت‌گیری

شهروندان ایرانی نیز همانند دیگر آدمیان در دنیای امروز دوست دارند بدانند فردا و فرداهایی که می‌آیند باید چشم انتظار کدام رویدادها باشند تا بتوانند برنامه‌ای برای کسب‌وکار و زندگی خود دست‌کم در چارچوب دگرگونی‌های آینده سرزمینشان آماده کنند و کمتر آسیب‌پذیر باشند. باید گفت شوربختانه به دلایل گوناگون در ایران به این دلیل که نهادهای پژوهشی مستقل از نهادهای اصلی قدرت وجود عینی ندارند این پیش‌بینی‌ها بسیار اندک است. علاوه بر این نهادهای پژوهشی دولتی نیز نتایج دستاوردهای خود

بهار ۱۴۰۳ آمد و رفت. در این سه ماه تازه سپری شده هیچ رخداد بزرگ و بنیادین در بخش صنعت ایران دیده نشده است. به نظر می‌رسد در تابستان و حتی شاید در پاییز امسال نیز به دلیل رخ دادن ناراحت‌کننده سانحه هلی‌کوپتر و مرگ سید ابراهیم رئیسی وضعیت اقتصاد ایران و به دنبال آن وضعیت صنعت نیز تکان بالنده‌ای را تجربه کرد. حقیقت این است پیش از رخداد یادشده نیز وضعیت گونه‌ای نبود که بتوان امیدوار بود.

فعالان اقتصادی در بخش خصوصی به ویژه بخش صنعت که فعالیت‌هایی آشکار و بر روی زمین است روزهای پرابهامی را پشت‌سر می‌گذارند و این روزها می‌خواهند بدانند برای چه باید کنند؟ آیا راهی برای فهمیدن تحولات آتی در ادامه سال وجود دارد؟ به این معنی که آیا فعالان صنعتی می‌توانند از میان ابر و مه و غبار پراکنده در سپهر سیاست و اقتصاد سیاسی چیزی را ببینند و بر پایه آن برنامه‌ریزی کنند. برخی شاید باور نداشته‌اند برای سال ۱۴۰۳ می‌توان برنامه‌ریزی کرد و از این کار اجتناب کرده و راهبرد مدیریت روزمره را در دستور کار قرار داشته‌اند و باور دارند باید هر روز بر پایه رخداد‌های احتمالی درباره آن روز تصمیم گرفت. این گروه باور دارند اقتصاد کلان در ایران

باید روی پای خود بااستند و همه زور خود را جمع کند تا سال ۱۴۰۳ را نیز از سر بگذرانند. دولت براساس اندیشه‌ای که بر آن حاکم است قصد ندارد راهی به سوی خارج باز کند و فشار مالیاتی شدیدی بر بخش صنعت خواهد آورد. دولت در ۱۴۰۳ با هدف مهار تورم درباره ارز سختی‌های بیشتری بر تولید صنعتی تحمیل خواهد کرد.

تحریم تخریبگر

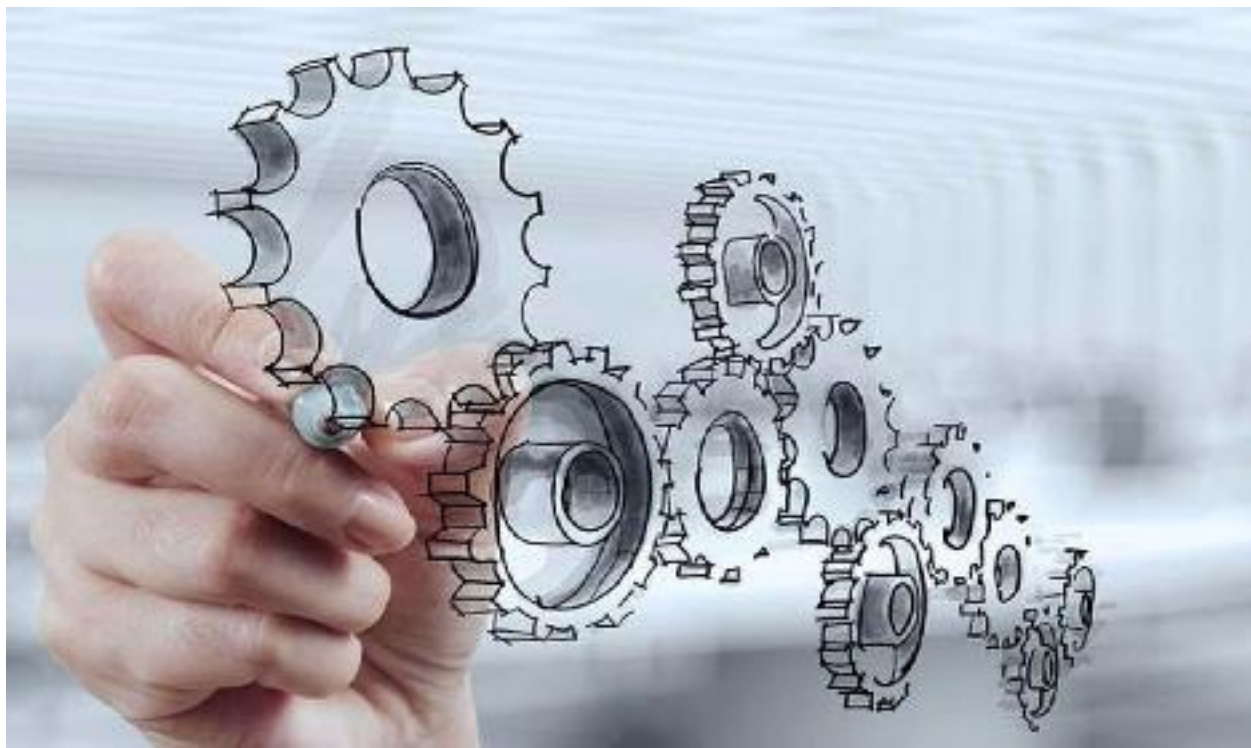
صنعتگران ایرانی برای اینکه بتوانند مسیرها و روندها را در ایران پیگیری کنند باید به سیاست خارجی همچون فانوس دریایی نگاه کنند. به این معنی که اگر نوری از این فانوس راه‌های برون‌رفت از بحران را نشان داد آنها نیز تندتر پارو بزنند. واقعیت این است که سیاست خارجی ایران گونه‌ای آرایش یافته است که بر رفتار کلی نهادهای حاکمیتی از جمله دولت اثرات غیرقابل انکار دارد. اقتصاد ایران در کانون سیاست خارجی قرار دارد و تا روزی که تحریم گسترده اعمال می‌شود نباید انتظار داشت صنعت ایران به ویژه از نظر تعامل با جهان در حوزه بازارها و تکنولوژی راهی پیدا کند. به این ترتیب است که قدرت رقابت‌پذیری ایران در تولید صنعتی در برابر رقبا پایین می‌ماند. تحریم همچنین کار را برای توسعه صادرات به شکل عادی سخت می‌کند. ادامه تحریم صادرات نفت ایران این وضعیت که دولت به سوی بخش خصوصی رو کند تا از آنها مالیات بگیرد یا آنها را وادار کند قیمت‌گذاری دستوری را قبول کنند افزایش می‌دهد. ادامه تحریم‌های ایران از سوی غرب راه را برای ورود سرمایه خارجی همچنان مسدود می‌کند و از این نظر نیز بنگاه‌های صنعتی نمی‌توانند به سرمایه ارزی مناسب دست پیدا کنند.

نتیجه‌گیری

شاید در نیای بیرون از ایران رخدادهایی را شاهد باشیم که صنعتگران ایرانی را از روزهای سخت‌ترها کند اما در داخل چنین روزنه‌ای را نمی‌بینیم. صنعتگران ایرانی همان‌طور که در بالا توضیح داده شد در ادامه سال ۱۴۰۳ با دولتی سخت‌گیر و تحریم‌هایی ویرانگر باید دست و پنجه نرم کنند. برنامه خوش‌بینانه را باید کنار گذاشت و واقعیت‌ها را دید.

را به روی افکار عمومی باز نمی‌کنند اجازه ندارند پژوهش مستقل از اراده دولت داشته باشد. این وضعیت راه را برای گمانه‌زنی‌ها از سوی نهادهای خصوصی و نیز از سوی کسانی که آشنایی و تخصص در یک رشته دارند به شکل روزافزونی خودنمایی می‌کنند. یکی از راه‌های پیش‌بینی کردن درباره آینده در ایران بررسی‌های کارشناسانه بر روی بودجه سالانه بوده و هست. به این معنی که این پدیده اراده دولت را در قالب اعداد در هر موضوعی به شکلی ترسیم می‌کنند و مدیران بنگاه‌ها با بررسی این اعداد می‌فهمند در ادامه سال در کجا هستند باید چه کاری کنند یا چه کاری نکنند. در سال‌های پیشین که مجلس و دولت زاویه نگاه داشتند این بودجه‌ها راهنمای بهتری برای تغییرات احتمالی را می‌دادند اما هنوز بودجه سال ۱۴۰۳ در ابهام است و در حالی که بهار نیز گذشته است بودجه با تحولات عجیب روبه‌رو شده است. واقعیت این است که نهاد دولت دیگر آن استواری پیشین را در تنظیم بودجه سالانه ندارد و نمی‌توان از این راه به تغییرات احتمالی دسترسی کامل داشت. دولت‌های ایران دیگر فاقد استقلال مفید از دیگر نهادها هستند و در داستان بودجه علاوه بر شورای نگهبان شاهد دخالت‌های مجمع تشخیص مصلحت نظام هستیم. با این همه می‌توان حدس زد دولت در ادامه سال راه‌های اندکی برای تامین درآمد پایدار در بخش درآمدها و می‌خواهد هر جور که شده این کمبودهای احتمالی را با افزایش مالیات‌های گوناگون پر کند. دولت ایران در حال حاضر برای پر کردن سوراخ‌های بودجه چشم به جیب و صندوق بنگاه‌ها و شهروندان دوخته است. علاوه بر این دولت سیزدهم در وضعیتی قرار دارد که در سال ۱۴۰۳ باید خودی نشان دهد و رفتارهایی به نمایش بگذارد که بتواند در بهار ۱۴۰۴ باز هم رای شهروندان را به دست آورد.

حالا ایرانیان فهمیده‌اند نقش سیاست خارجی در زندگی و کسب‌وکارشان بسی فراتر از چیزی بوده و هست که رویش حساب باز کرده‌اند و به همین دلیل صنعتگران ایرانی نیز باید در این باره خوب بیندیشند و برنامه‌ریزی کنند. در صورتی که بخواهیم توصیه کارشناسانه به صنعتگران داشته باشیم باید با صراحت بنویسیم امیدی به رفتار کارآمد از سوی دولت برای صنعتگران وجود ندارد. صنعتگران



صنعتی شدن چینی

محمدرضا سعدی



پایانی و به عبارتی فینال صنعتی شدن ایران بعد از ۲۰ سال باشد، صنعت در آن فراموش شده است و تنها رشد ۷/۵ درصدی بدون پیش شرط و پیش نیاز هدف گذاری شده است. در چنین فضای ابهام آلودی که صنایع نمی دانند به کجا می روند، قاعدتا نمی توان انتظار معجزه رشد ۷/۵ درصدی داشت. تاثیر تحریم ها بر کند شدن مسیر توسعه صنعتی، خود مثنوی هفتاد من کاغذ است. هنوز هم گروهی بر این ایده اصرار می کنند که می تواند کشور را در شرایط تحریمی به توسعه یافتگی رساند، دریغ و درد از یک نمونه و الگوی روشن در دنیا که نشان بدهد، با ایزوله شدن و قطع ارتباط با دنیا می توان توسعه یافته شد. تحریم البته که برای کاسبان آن سودآور بوده است؛ این مساله قابل کتمان نیست ولی وقتی پای منافع ملی به میان می آید، دل هر ایرانی وطن پرستی به درد می آید که می بیند، منابع کشور به جای آنکه صرف توسعه زیرساخت ها شود، هزینه واردات خط تولید محصولات چینی از خودرو گرفته تا صنایع دیگر می شود. نفت که در شرایط تحریم، مهم ترین درآمد کشور به شمار می آید، با ارزان ترین حالت ممکن نسبت به سایر رقبا در اختیار چینی هایی قرار می گیرد که برای ما تعیین می کنند، پول نفت را چطور و چگونه در اختیار ما قرار می دهند. اگر اراده کنند، خط تولید خودروهای دست چندم شان را به ما می دهند و یا اجازه می دهند، قطعات خودروهای مونتاژی وارد شود. این شرایط تازه که چینی ها برای صنعت ایران ترسیم کرده اند در مقایسه با اهداف و سیاست هایی که برای صنعتی شدن ایران ترسیم شده بود، بیانگر ورود به دنیای دیگری است. گویی صنعتی شدن و توسعه صنعتی ایران در گرو اراده چینی هاست که آیا به ایران اجازه تولید یا مونتاژ محصولاتشان را می دهند یا نه؟ به زودی دولت چهاردهم بر مسند کار می نشیند، دولتی که با این تصویر از صنعت روبروست که هم باید رشد ۷/۵ درصدی را محقق کند و هم آنچه چینی ها می گویند و می خواهند اجرا کند. نه زنجیره توسعه ای شکل گرفته و نه ساختار دولت اجازه تغییرات می دهند. از یاد نبریم که توسعه صنعتی در شرایط تحریم راه به جایی نخواهد برد، اما ادامه شرایط کنونی هم توسعه صنعتی را شکل نخواهد داد.

توسعه صنعتی در نگاه کلی از مسیر اجرای درست و دقیق برنامه ها و اراده ای که کار را جدی بگیرد، قابل تحقق است، قطع به یقین طی کردن همین مسیر هم نیازمند فراهم کردن بسترهای لازم برای اجرای برنامه هاست. مادامی که مسیر سنگلاخ و پر از دست اندازهای قانونی، حقوقی و بین المللی باشد، توسعه صنعتی شکل نخواهد گرفت.

از سه دهه گذشته و همزمان با مسیری که دولت سازندگی برای توسعه صنعتی ایران در پیش گرفت، بارها برای صنعتی شدن ایران برنامه ها و کتاب های متعدد به نگارش درآمد. تیم های کارشناسی هزاران ساعت کار کارشناسی انجام دادند؛ تجربه کشورهایی که در این مدت به توسعه صنعتی دست یافتند، مورد بررسی قرار گرفته است، اما در نهایت امروز در سال های پایانی چشم انداز ۲۰ ساله و آغاز هفتمین برنامه توسعه، توسعه صنعتی نه تنها هنوز در ابتدای راه است، بلکه آنچه تحت عنوان صنعت در کشور ما از آن یاد می شود، مونتاژ کاری است. مونتاژ کاری که به طرز عجیبی به صنایع بی کیفیت چینی وابسته است.

هر زمان که صحبت از توسعه صنعتی به میان می آید، اغلب کارشناسان این مثال را مطرح می کنند که ایران و کره جنوبی توسعه صنعتی را با هم آغاز کردند، اما امروز کره جنوبی فرسنگ ها از ایران فاصله دارد؛ فقط کره جنوبی نیست که ایران از آن دور مانده، تجربه نزدیک تر مالزی است که با فاصله کوتاهی از ایران به رشدهای اقتصادی بالا دست یافت و مسیر توسعه یافتگی را به سرعت پشت سر گذاشت. بی شک رسیدن به رشدها و جهش هایی که کره جنوبی یا مالزی پشت سر گذاشته، برای اقتصاد ایران آن هم در شرایط ناگوار تحریم، به سادگی عملی نیست. علاوه بر تحریم، در سیاست گذاری صنعتی هم با به هم ریختگی و سردرگمی مواجه هستیم که گاه یک مسیر اشتباه چندین بار تکرار می شود.

یکبار پیمان سپاری ارزی قانون می شود، یکبار حذف می شود، دوباره برمی گردد و همچنان دور تسلسل هایی از این دست در اقتصاد ایران تکرار می شود. هیچ دولتی هم حاضر نیست از تجربه پیشینیان درس بگیرد و به عبارتی دوباره چرخ را اختراع نکند. ما حاصل این تکرارها، چنین شده که برنامه هفتم که باید برنامه ای

در گفت‌وگو با حسین سلاح‌ورزی مطرح شد

صنعت در تله‌ارز

دیگر حتی بالاترین مقام‌های سیاسی جمهوری اسلامی درباره سقوط اقتصاد ایران در دهه ۱۳۹۰ تا ۱۴۰۰ سکوت نمی‌کند و کوششی هم رخ نمی‌دهد که آن سقوط دهشتناک را از دیده‌ها پنهان سازد. خوشبختانه به دلیل اینکه ۸ سال از ده سال دهه نام برده شده در دولت‌های حسن روحانی بوده است حتی عمده وجود دارد که این تباهی برجسته‌تر شود. پیامدهای سقوط دهه ۱۳۹۰ تا ۱۴۰۰ برای اقتصاد ایران بسیار بزرگ و دامنه‌دار بوده و هنوز نیز از این وضعیت آسیب می‌بیند. واقعیت این است که به رغم رشدهای نفتی در دوسال ۱۴۰۱ و ۱۴۰۲ اما بخش حقیقی اقتصاد در صنعت و کشاورزی و نیز سرمایه‌گذاری در اقتصاد رشدهای قابل اعتنا نداشته است.

واقعیت این است که شوربختانه اندازه اقتصاد ایران نسبت

به حتی اوایل دهه ۹۰ کوچک‌تر شده است. کوچک

شده است و برای نشان دادن این وضعیت می‌توان

از شاخص‌های کلان اقتصادی کمک گرفت. کوچک

شدن اقتصاد ایران نشانه‌های گوناگونی دارد. در پله

اول این نشانه‌ها منفی و صفر شدن میانگین رشد

تولید ناخالص داخلی در این دهه سپری شده است.

این را به دقت می‌توان از بخش‌های مختلف صنعت

و تجارت کشور درک کرد. بازی اقتصاد ایران با

دنیا به لحاظ نحوه دادوستد خارجی کوچک و

کوچک‌تر شده و آن گونه که آمارهای غیررسمی

حکایت دارند سهم ایران از تجارت جهانی به

حدود ۲۵ صدم در صدر رسیده است. کاهش

سهم ایران از واردات جهانی شاید در نگاه اول

موضوع خوبی باشد که به کاهش ارزشبری و

خروج ارز کشور آن هم در شرایطی انجامیده

است که ایران با مزیفته‌های ارزی ناشی از

کاهش فروش نفت و بلوکه‌شدن منابع ارزی

خود در نقاط مختلف دنیا مواجه است؛ اما وقتی

دقیق‌تر به ترکیب کالاهای وارداتی کشور نگاه

کنیم پایه طبقه‌بندی دولت از ترکیب واردات

کشور بالغ بر ۸۰ درصد واردات ایران را مواد

اولیه، تجهیزات و کالاهای مورد مصرف در

صنایع مختلف کشور تشکیل می‌دهد و کاهش

واردات، خود زنگ خطری را برای کاهش تولید

به صدا درمی‌آورد. اینجاست که دیگر نمی‌توان

از کاهش واردات خشنود بود. حسین سلاح‌ورزی،

رئیس سازمان کارآفرینی ایران از روزهای پیش

روی تولید می‌گوید.

تحریم‌های گسترش‌یابنده، دسترسی ایران به منابع ارزی شناخته‌شده به ویژه درآمد صادرات نفت خام را با سقوط مواجه کرده است.

با توجه به این شرایط و ترکیب کالاهای وارداتی کشور، حالا پیامدهای ایجاد محدودیت برای ثبت سفارش کالاها و اینکه باید بنگاه‌های تولیدی برای ثبت سفارش برنامه تولید ۱۴۰۳ را داده باشند و ایجاد راه‌بندان برای واردات کالاهای واسطه‌ای ارزیابی شما چیست؟

اقتصاد ایران در سال‌های تازه سپری شده یکی از پیچیده‌ترین و پرمزورازترین دوران تاریخ معاصر را سپری می‌کند. گسترش روزافزون تحریم‌های امریکایی و کشورهای که با این کشور اتحاد تاریخی و راهبردی دارند و کشورهای که از ترس امریکا ایران را تحریم کرده‌اند، شرایط بسیار دشواری را برای کسب‌وکار ایرانیان پدیدار کرده است. علاوه بر این سیاست‌های اقتصادی جزیره‌ای در ایران، برای گذران روزها و بی‌تابی برخی از مدیران برای نشان دادن خود و اینکه با وجود سختی‌ها، آنها موفق هستند و به این ترتیب انسجام را به هم می‌ریزند و نیز شرایط مبهم صادرات نفت و دریافت عادی درآمد صادرات اقتصاد ایران را درگرداب فرو برده است. از نشانه‌های نمایان شده این وضعیت، رشدهای منفی تولید ناخالص داخلی و رشدهای منفی سرمایه‌گذاری و نیز کمتر شدن سهم ایران از تجارت جهانی است. آمارهای ارایه‌شده از سوی منابع رسمی نشان می‌دهند که اقتصاد ایران توانایی‌های قبلی برای استفاده از تجارت خارجی

نخستین واقعیت این است که در وضعیت امروز ایران، اقتصاد سیاسی وجه غالب و اصلی در کلیت اقتصاد شده است و سیاست‌های اقتصاد کلان، سیاست‌های ارزی، سیاست‌های تجاری و سیاست‌های بازارهای سرمایه و پول زیر ضرب اقتصاد سیاسی قرار گرفته‌اند. بدون تردید باید گفت راه‌حل بیرون بردن اقتصاد ایران از انواع بحران‌ها از سوی فعالان اقتصادی و نیز اقتصاددانان سال‌هاست طرح شده و نیاز به بازگویی برای اهل فن ندارد. اصولاً در جهانی که زندگی می‌کنیم، راه‌حل برطرف کردن گرفتاری‌ها شناخته شده است و در صورتی که به این راه‌حل‌ها توجه کنیم برطرف کردن مشکلات کارچندان دشواری نیست. اما در ایران سایه سنگین سیاست داخلی و سیاست خارجی اجازه کارکرد رفتارها بر پایه آموزه‌ها و یافته‌های علم اقتصاد اقتصادی را نمی‌دهد. اقتصاددانان سال‌هاست می‌گویند فرمول کاهش نرخ تورم و مهار کردن آن در اندازه‌های بین دو تا پنج درصد شناخته شده است و این شاخص و متغیر مهم، حل شده است؛ اما در ایران به دلیل لجبازی با سیاست‌های پولی و نیز بودجه‌های سخاوتمندانه مبتنی بر خرج در وضعیت درآمدی سخت، به کسری بودجه و از همان مسیر به تورم بالاتر دامن می‌زند. از سوی دیگر در دنیای امروز، ورود و خروج سرمایه‌های بین‌المللی به بازار سرمایه کشورهای جهان، امری عادی است و کشورها در دوره رکود، به بازارهای جهانی مراجعه و نیاز ارزی خود را برطرف می‌کنند؛ اما در ایران این راه مسدود شده است. متأسفانه به دلیل سیاست‌های ناکارآمد و نیز تشدید تحریم‌ها، سرمایه‌گذاری در ایران روند کاهنده را تجربه کرده است و نیز

آقای سلاح‌ورزی؛ شما در سال‌های تازه سپری شده به دلیل حضور نیرومند در اتاق بازرگانی و نیز نهاد سازمان کارآفرینی با تنگناهای بخش صنعت آشنایی قابل‌اعتنایی دارید. همانطور که می‌دانیم و بارها و بارها از سوی شما و دیگر فعالان صنعتی گفته شده است اقتصاد ایران به دلایل گوناگون این روزها، حال خوشی ندارد. این را می‌توان از کاهش سهم ایران از تجارت جهانی و نیز روند کاهنده سرمایه‌گذاری صنعتی به عنوان دوشانه فهمید. ارزیابی شما چیست؟ به‌طور مثال دشواری‌هایی که اکنون بنگاه‌های صنعتی برای واردات مواد اولیه با آن دست به‌گریبان‌اند چگونه بر شرایط اقتصادی اثرات منفی به جای می‌گذارد؟

برای اینکه بتوانیم به پرسش بالا جواب مناسب دهیم و پیش از اینکه وارد جزئیات درباره پیامدهای کاهش واردات کالاهای واسطه‌ای و نیز کمبود مواد اولیه بر تولید، تجارت، بازارهای کار و کالا شویم و به صورت جزئی‌تر درباره آنها بحث کنیم، لازم است چند نکته را درباره وضعیت اقتصاد ایرانی یادآور شویم.

یادمان باشد طرح مشکلات صنعت یا بخشی از مشکلات صنعت بدون تحلیل از شرایط عمومی اقتصاد ایران و نیز درهم‌تنیدگی‌های اقتصاد ایران با سیاست داخلی و سیاست خارجی و نیز مهار کردن بحث‌ها در چارچوب اقتصاد محض، نمی‌توان درباره هیچ مقوله مهمی راه‌گشایی کرد. به همین دلیل چند نکته را یادآور می‌شوم.



برای راه‌اندازی طرح‌های تازه‌تولیدی و نیز بدتر از آن، صیانت از بنگاه‌های داخلی را ندارد. کاهش یا بهتر بگوییم تثبیت درآمد صادرات نفت در اندازه‌های پایین نسبت به سال‌های پیش از تحریم نشان‌دهنده کوچک شدن حجم تجارت ایران است.

از سوی دیگر، واردات ایران نیز روندی کاهنده را تجربه کرده است. با توجه به اینکه واردات مواد غذایی و نهاده‌های دامی را نمی‌توان کاهش داد، کمبود درآمدهای ارزی سبب آن شده است که مواد واسطه‌ای، بخش‌های تولید را مجازات کرده و راه ورود آنها را تنگ‌تر از هر دوره دیگری کرده است. واحدهای تولیدی در شرایطی نیستند که ذخیره راهبردی برای تولید داشته باشند و بیشتر با باقی‌مانده ذخایر قبلی فعالیت دارند؛ اما به مرور و با کاهش ذخایر باید آنها را با واردات تازه جایگزین کنند. حالا که این اتفاق افتاده و واردات مواد اولیه کاهش دشوار شده است، باید در ماه‌های آینده شاهد از نفس افتادن بخشی از تولید باشیم. از سوی دیگر سخت‌گیری برای پرداخت ریالی تضمین شده برای واردات در حالی که واردکنندگان کالاهای واسطه‌ای برای واردات یک دلار از این نوع کالاها حالا باید ریال بیشتری بدهند و این یعنی افزایشی شدن قیمت تمام‌شده تولیداتی که واردات کالاهای واسطه‌ای آنها با ارزهای رشد یافته، انجام می‌شود. ادامه این وضعیت ممکن است تولیدکنندگان را به این فکر بیندازد که بنگاه خود را تعطیل کنند؛ چون احتمال اینکه بازار برای آنها کوچک‌تر شود و کاهش قدرت خرید شهروندان ایرانی روی میزان فروش آنها موثر باشد وجود دارد.

با توجه به آنچه درباره پیامدهای اقتصادی کاهش واردات گفتید، پیش‌بینی شما از آینده درباره این مقوله چیست؟

تجربه اداره اقتصاد ایران از سوی دولت‌های گوناگون نشان می‌دهد در موقعیت به هم خوردن تعادل عرضه و تقاضای ارز و روند کاهنده درآمدهای ارزی شاهد سرکوب تقاضا برای ثبت سفارش کالاهای دیگر از جمله کالاهای واسطه‌ای خواهیم بود. پیش‌بینی در اقتصاد ایران البته به دلیل شتاب بالای تحولات در سپهر سیاست داخلی و خارجی و نیز شرایط شکننده امروز اقتصاد ایران، کار آسانی نیست و نیازمند اطلاعات و تحلیل‌های سیاسی و اقتصادی در سطح مناسب

به ویژه اطلاعات کافی و لازم از تغییرات سیاست خارجی است. می‌توان فرض کرد بنیادهای سیاست خارجی ایران بر همین بناهای استوار شده باقی بمانند، می‌توان پیش‌بینی کرد در کوتاه‌مدت و تا پایان امسال، شاهد کاهش استفاده از ظرفیت تولید واحدهای تولیدی باشیم که برای ادامه تولید به کالاهای واسطه‌ای خارجی وابستگی بیشتری دارند. مدیران بنگاه‌های تولیدی برای اینکه در موقعیت سیاسی و اجتماعی بدتری قرار نگیرند و به چیزی متهم نشوند، تعدیل نیروی کار را به مرور انجام می‌دهند و از سوی دیگر با توجه به کشش تقاضا برای کالای تولیدی خود با نرخ‌های جایگزینی واردات آتی کالاهای واسطه‌ای، قیمت فروش را افزایش

ایران در کلیت خود یا به عبارت دیگر در اقتصاد کلان و بازارهای مهم، چه پیامدهایی را به خود خواهد دید؟

بخش تولیدی در هر کشور زیرمجموعه‌ای از فعالیت‌های اقتصادی است و البته مقوله تولید داخلی برای هر سرزمینی یک ضرورت و اولویت است. با این حال می‌توان فکر کرد تولید را مترادف با بازار کالا فرض کنیم و بازارهای دیگر مثل بازار کار، بازار سرمایه و پول را نیز تکمیل‌کننده بازار کالا در نظر بگیریم. ارزش‌افزوده تولید در ایران شامل تولیدات صنعتی، معدنی و کشاورزی در تولید ناخالص داخلی رقم بالایی است و اگر کمبود مواد اولیه برای تولید ادامه یابد و این بازار با افت محسوس یا سقوط مواجه شود، سایر بازارها به ویژه بازار کار از تعادل خارج می‌شود. در یک نقطه فرضی، با کمبود مواد اولیه وارداتی می‌توان تصور کرد بازار اشتغال زودتر از هر بازار دیگری با سیل بنیان‌برانداز روبرو خواهد شد. در شرایط کمبود مواد اولیه و کاهش رشد تولید و نیز رشدهای منفی که چندان دور از انتظار نیست، تقاضا برای اشتغال تازه روندی کاهنده را تجربه خواهد کرد و به این ترتیب نرخ بیکاری افزایش می‌یابد.

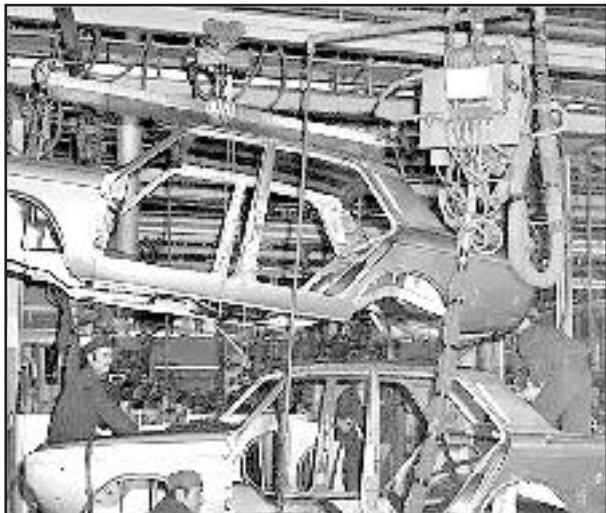
از سوی دیگر در این وضعیت بنگاه‌های تولیدی در اندازه‌های گوناگون ناگزیر به فکر تعدیل نیروی کار می‌افتند و باز هم بازار کار را با تنش بیشتری مواجه خواهند کرد. در این وضعیت بازار سرمایه به ویژه بازار سهام نیز از تعادل خارج خواهد شد؛ زیرا شرکت‌های تولیدی موجود در بورس، سودآوری کمتری دارند و نمی‌توانند سود دهند و به این ترتیب، صف فروش برای سهام آنها تشکیل می‌شود. بازار پول و بانکداری نیز با از کار افتادن بخش تولید ممکن است در دریافت طلب خود با توقف مواجه شده و تراز دارایی و بدهی‌هایشان به هم بخورد. به این ترتیب از ریل تعادل خارج شدن بازارهای مهم کار و کالا از پیامدهای کمبود مواد اولیه و کاهش ارزش‌افزوده بخش تولید است.



نخواهند داشت. پیش‌بینی بلندمدت‌تر نیز به دلیل نبود چشم‌انداز روشنی از سیاست‌ها به ویژه اینکه از سال آینده دولتی با گرایش‌های ناشناخته بر سر کار می‌آید ناممکن است. در صورتی که بنگاه‌های تولیدی نخواهند از کالای واسطه‌ای که در انبارها دارند، یک‌باره استفاده کنند، این احتمال که عرضه برخی کالاها در بازار کاهش یابد نیز وجود دارد.

آقای صلاح‌ورزی شما در پاسخ به پرسش‌های پیشین توضیح مشروحی درباره پیامدهای اقتصادی و سیاسی و اجتماعی سخت‌گیری برای واردات کالاهای واسطه‌ای و مواد اولیه بر تولید، بازگو کردید. به نظر شما اقتصاد

می‌دهند تا بتوانند تراز مالی خود را برقرار سازند. اگر این وضعیت ادامه یابد، برخی از واحدهای تولیدی تلاش خواهند کرد با توجه به شرایط رقابت‌پذیری با تولیدات مشابه خارجی به صادرات روی بیاورند تا بتوانند کالای بیشتری در بازارهای تازه بفروشند و با توجه به قیمت مناسب ارزهای معتبر، بخشی از عدم تعادل بودجه‌ای را از این مسیر برطرف کنند؛ اما اگر شرایط سیاسی داخلی آنها را ناگزیر کند که به قیمت‌های دستوری دولتی تن دهند و از افزودن بر قیمت فروش منع شوند و نیز دولت فشار بیاورد که برای صیانت از بازار داخل و نیز نبود بازار مناسب در صادرات نیز ناکام بمانند، راهی جز تعطیلی بنگاه با شتاب بیشتر و نیز کاهش شدیدتر نیروی کار



و به ویژه در بخش صنعت ایران تنگناهایی که در مسیر توسعه صنعتی ایران پدیدار شده است را بررسی کرده و با ادبیاتی نو همان تنگناهایی را برشمرده است که جمالزاده در قالب عبارات کلی و با ادبیان ۱۱۰ سال پیش نوشته بود. از نظر این دو نویسنده نامدار ایرانی که به فاصله نیم قرن از همدیگر زندگی اقتصادی ایران را رصد کرده‌اند تنگنای اصلی صنعت ایران رقابت‌ناپذیری واحدهای صنعتی ایران در برابر رقبای خارجی خود بوده است. مدیران و صاحبان بنگاه‌های صنعتی ایران توانایی تولید کالای ممتاز با قیمت تمام‌شده رقابتی را نداشته‌اند و به همین دلیل پس از مدتی کارخانه‌ها بسته می‌شد. مالکان و مدیران کارخانه‌های ایرانی که در فاصله زمانی جنگ اول جهانی و نیز جنگ دوم جهانی سرمایه‌گذاری صنعتی را در دستور کار قرار داده‌اند به هر دلیل که می‌تواند از آزار بی‌رونق مصرف داخلی باشد تا نبود نیروی کار ورزیده کامیاب نبوده‌اند. این مشکلی است که هم اکنون در ایران شاهد آن هستیم. ایران پس از سپری شدن بیش از ۱۰۰ سال تاسیس کارخانه هنوز نیز نمی‌تواند در برابر رقبای خارجی تاب بیاورد و در صورتی که دست دولت از پشت آنها برداشته شود و نرخ‌های تعرفه به نرخ میانگین جهانی نزدیک شود و یارانه انرژی به آنها داده نشود و از حمایت دولت برای تثبیت نرخ مزد برخوردار نباشند مثل برگ خزان به زمین می‌ریزند.

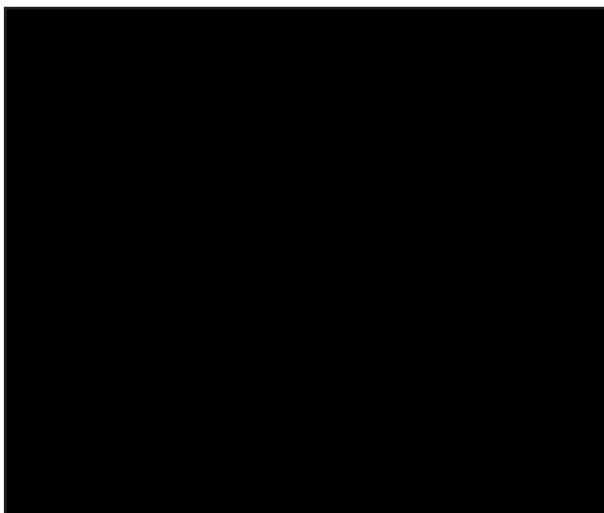
در جا زدیم

واقعیت تلخ این است که صنعت ایران از همان دهه ۱۳۴۰ که دوران تازه‌ای را تجربه می‌کرد تا همین امروز در مقایسه با رقبای منطقه‌ای مثل ترکیه و رقبای آسیایی مثل کره جنوبی و رقبای

سیدمحمدعلی جمالزاده نویسنده نامدار ایرانی که بیشتر به داستان‌نویسی نام‌آور شده است در هنگامه جنگ جهانی اول ۱۹۱۴ تا ۱۹۱۸ میلادی - یعنی ۱۱۰ سال پیش در برلین بود. او در این سال کتاب مهم گنج شایگان را نوشت که نخستین کتاب درباره تاریخ اقتصادی ایران است. کتاب گنج شایگان زندگی اقتصادی ایران را در دوره قاجار را در برابر دیدگان ایرانیان قرارداد و به زودی نایاب شد. بخشی مهم از کتاب گنج شایگان درباره صنعت ایران است. وی در شروع این بخش از کتاب خود می‌نویسد: «صنعت ایران با آنکه به علت بی‌اسبایی از رونق و شکوه قدیم افتاده باز از کارخانجات ایران منسوجات ابریشمی و شال و

مخمل‌دوزی و نمد و قالی و اشیای زرگری و ظروف و سفالین لعاب‌دار و چوبینه و... از حیث ظرافت و دوام خیلی دوام دارد. از سال‌های دور تاکنون آنچه کارخانه کاغذگری و چلوآربافی و شیشه‌گری و بلورسازی و قندسازی و کبریت‌سازی و چراغ‌غاز و غیره در این مملکت ایجاد شده بود از نامساعدتی بزرگان و سعایت همسایگان که ما را محتاج بیش مانده محصولات خود می‌خواهند به فاصله قلیلی خوابیده است... در ایران حالیه کارخانه به آن معنایی که در اروپا فهمیده می‌شود جز دو سه کارخانه الکتریک در تهران و رشت و تبریز و مشهد و یک کارخانه گاز در تهران کارخانه نیست.» جمالزاده بازم می‌نویسد: «از نیم قرن پیش به دفعات کارخانجات مختلفه و متنوعه در ایران ایجاد گردیده و چه به دست ایرانیان و چه به دست خارجیان و علاوه بر ایجاد کارخانه تشبثات تجارته عیدیه نیز به عمل آمده ولی اغلب به ملاحظه بی‌تجربگی و بی‌ثباتی و مخصوصاً رقابت و اشکال‌تراشی دو همسایه نامیمون (روس و انگلیس) نتیجه مطلوب به دست نیامده است...» دکتر منوچهر فرهنگ اقتصاددان نامی ایران نیز در سال ۱۳۴۸ در کتاب زندگی اقتصادی ایران

نبود اراده‌یاسی از جمالزاده تا امروز



حاصل از صادرات نفت خام و راهبرد اشتباهی جایگزین واردات کار را به جایی رساند که تولید صنعتی ایران به گلخانه رفت. صنعت ایران در شرایط کمبود اراده سیاسی برای رقابت واقعی و با استفاده از رانتهای ارزی و حمایت‌های تعرفه‌ای در موقعیت خاصی رشد کرد. نتیجه گلخانه‌ای شدن صنعت ایران چنین بود که تولیدکنندگان با پشتوانه بازار داخلی مطمئن تنها با هم رقابت کرده و بازارهای مساعد را در اختیار گرفتند. از طرف دیگر رایج شدن مصرف کالاهای صنعتی با حمایت بانگ‌ها بازار را برای تولید صنعتی ایران داغ کرد. تعرفه‌های بالا نیز راه را برای ورود کالاهای رقیب هموار کرد. اراده سیاسی برای صنعتی شدن واقعی حتی پس از انقلاب اسلامی نیز پدیدار نشد و تا امروز نیز نشده است. در سال‌های نخست پس از انقلاب یک اندیشه این بود که باید در کشاورزی و تولید مواد غذایی خودکفا شویم و اراده سیاسی برای گسست از این اندیشه فراهم نشد و هنوز نیز نشده است. یک اراده سیاسی نیرومند و باورمند به پیامدهای توسعه صنعتی بر جامعه ایرانی لازم بود که التزام‌های آن را در اجرا ببیند و قانون کند که فراهم نشد.



آمریکای لاتین مثل شیلی درجا زده است. نشانه‌های درجا زدن صنعت ایران پرشمارند و می‌توان به فهرستی از دلایل اشاره کرد. یکی از نشانه‌های شاخص درباره مقایسه صنعت ایران در برابر دیگران میزان حضور تولیدات صنعتی ایران در بازارهای جهانی است. آیا تولیدات صنایع لوازم‌خانگی ایران قابل مقایسه با تولیدات کره جنوبی است و جایی در بازارهای صادراتی دارد؟ نگاهی از سر اشاره به ترکیب کالاهای صادراتی ایران نشان می‌دهد جز تولیدات صنایع پتروشیمی و نیز فلزات اساسی که از یارانه‌های انرژی استفاده می‌کنند دیگر تولیدات صنعتی ایران در بازارهای جهانی ندارند و همین می‌تواند مهم‌ترین دلیل برای درجا زدن صنعت ایران باشد. جدای از این شوربختانه باید گفت تولیدات صنعتی ایران در داخل نیز نمی‌توانند با کالاهای رقیب خارجی مبارزه کرده و در دل و ذهن مصرف‌کنندگان جایی پیدا کنند.

اراده سیاسی

حالا لازم است در ادامه به این مساله کانونی توجه کنیم چرا ایران توسعه‌یافتگی در صنعت را همانند کشورهای پیشرفته صنعتی قدیم و نیز کشورهای نوظهور صنعتی تجربه نکرده است. بررسی‌های کارشناسان و اقتصاددانان ایرانی حاکی از این است که در ایران هرگز اراده سیاسی واحد، منسجم و پر قدرتی که بتواند با هر روش کل جامعه را متقاعد کند که ایران باید صنعتی شود پدیدار نشد. در دهه ۱۳۴۰ که گفته می‌شود دهه طلایی صنعت ایران بوده است نیز متأسفانه مدیران وقت هرگز تلاش نکردند استراتژی توسعه صنعتی ایران را گونه‌ای طراحی و اجرا کنند که به کارآمدی منجر شود. اراده سیاسی در آن سال‌ها معطوف به این بود که نفر اول کشور را در بالاترین نقطه بنشانند و هر چه او اراده کرد را اجرا کند. اراده سیاسی محمدرضا پهلوی هم در دهه ۱۳۴۰ و تا پایان سالی که در ایران حاکم بود با الزام‌های توسعه صنعتی سازگار نشد. توسعه صنعتی یعنی اینکه بازار تولیدات صنعتی آزاد باشد و دادوستد جهانی را در معادلات خود بگنجانند، اما رژیم گذشته اراده سیاسی برای این کار نداشت و با اتکالی به درآمد



در حالی که مسعود نیلی و ۶۲ همکارش در دانشگاه شریف کوشش کردند و سند استراتژی توسعه را به ماه‌های آخر کار دولت دوم خاتمی رساندند. اما این سند به بایگانی شد که شد. استراتژی توسعه صنعتی کشور از آن دست اسنادی بود که ویرایش اولیه آن با وجودی که جزو الزامات ملی و اجرایی کشور بوده است و با استفاده از نظر صاحب‌نظران تدوین شده است اما در دو دوره نهم و دهم دولت کاملاً کنار گذاشته

شد ولی این امر چیزی از لزوم وجود سند ملی برای توسعه صنعتی و اجرای آن کم نکرد. این سند در راستای اجرای ماده

یک قانون تمرکز امور صنعت و معدن

مصوب سال ۱۳۷۹ مجلس شورای

اسلامی مبنی بر تکلیف تدوین سند

راهبرد و سیاست‌های توسعه صنعتی به

وزارت صنایع و معادن، قرارداد مطالعه سند

مذکور با دانشکده مدیریت و اقتصاد دانشگاه

صنعتی شریف به سرپرستی دکتر مسعود نیلی در تاریخ بیستم بهمن سال ۱۳۷۹

تنظیم و نتایج آن در مرداد سال ۱۳۸۲ تحت عنوان «مطالعات استراتژی توسعه

صنعتی کشور» منتشر شد. این سند با ماهیت چشم‌انداز ۲۰ ساله و سیاست‌های

کلی قانون برنامه مصوب مقام معظم رهبری و برنامه چهارم و پیش‌بینی‌های برنامه

پنجم، ششم و هفتم توسعه، «سند راهبردی توسعه صنعتی کشور» تا اواخر سال ۱۴۰۴

نام گرفت. در گزارشی که از سوی معاونت برنامه‌ریزی وزارت بازرگانی سابق

در سال ۸۲ منتشر شده است نقش سند استراتژی توسعه

صنعتی در تعیین مسیر آینده صنعت نقش

قطب‌نما تعریف شده است نه

نقش مسیر.

یک سند به بایگانی سپرده شده

موجود و روند شاخص‌های مهم اقتصادی ایران و جهان به وضعیت و روند ایران از منظر شاخص‌های بین‌المللی پرداخته شده است. در این سند همچنین فرصت‌ها و چالش‌های بخش صنعت و معدن و اهداف کلی بخش و اهداف کمی بخش تبیین شده است. اولویت‌بندی رشته فعالیت‌ها و تعیین صنایع منتخب و اهداف کمی صادرات از دیگر موارد ذکر شده در این برنامه است. اما تنها ۵ نسخه از آن منتشر شده بود.

با رفع اشکالاتی که از طرف منتقدین مطرح شد نسخه دوم سند راهبردی وزارت صنعت، معدن و تجارت منتشر شد. و این بار ۱۱ صنعت به‌عنوان پیش‌ران اصلی انتخاب شد. در نسخه اولیه صنایع استراتژیک «خودرو»، «فولاد»، «نساجی و پوشاک»، «سیمان»، «تایر و تیوب»، «لوازم خانگی»، «کاشی و سرامیک» انتخاب شده بود که در نسخه دوم «مس»، «صنایع سلولزی (صنعت چوب و کاغذ)»، «صنایع غذایی و آشامیدنی» و «صنایع دریایی» نیز به آنها اضافه شده است.

این در حالی بود که گفته شد برنامه‌های راهبردی سایر صنایع منتخب در چارچوب به کار گرفته شده در حال تدوین است که پس از نهایی شدن منتشر خواهد شد.

در ویرایش آخر سند استراتژی توسعه صنعتی علاوه بر بررسی وضعیت موجود، چشم‌انداز تولید این صنایع تا افق ۱۴۰۴ نیز اعلام و با بررسی روند شاخص‌های مهم اقتصادی ایران و جهان وضعیت روند ایران از منظر شاخص‌های بین‌المللی نیز بررسی شده است. از سوی دیگر در این برنامه توجه به آمایش سرزمین، همچنین کم‌توجهی به فعالیت‌های اقتصادی به‌ویژه سرمایه‌گذاری، کاهش سهم بهره‌وری کل عوامل تولید در رشد صنعتی، اتکای بسیار بالای رشد تولیدات صنعتی به بازار مصرف داخلی، پایین بودن زمینه‌های توسعه قابلیت‌های فناوری نوین، تحریم و فاصله گرفتن از بازارها و پیشرفت‌های جهانی، خصوصی‌سازی نادرست در واگذاری‌های انجام شده، کاهش شدید تشکیل سرمایه، ناهماهنگی در سیاست‌های پولی، مالی و ارزی کشور، تشدید واردات غیررسمی، وجود قوانین مغایر با سیاست‌های توسعه صنعتی و نامناسب بودن فضای کسب‌وکار به عنوان چالش‌های پیش رو اشاره شده است. نیز هفت هدف جدید توسعه‌ای تجاری و بازرگانی در رابطه با تجارت داخلی به این جدول اضافه شده است که در این خصوص می‌توان به «ساماندهی شرکت‌های پخش و توزیع، سهم فروشگاه‌های بزرگ و زنجیره‌ای از شبکه توزیع، توسعه کسب‌وکارهای اینترنتی، سهم تجارت الکترونیک از تولید ناخالص داخلی، پوشش یکپارچه رهگیری و ردیابی الکترونیکی کالا و خدمات، رتبه جهانی تجارت الکترونیکی کشور و سهم واحدهای دارای صندوق مکانیزه فروش از کل واحدهای صنفی» اشاره کرد.

سند استراتژی توسعه صنعتی بایگانی شد

با روی کار آمدن دولت محمود احمدی‌نژاد اما استراتژی توسعه صنعتی به بایگانی سپرده شد. تدوین استراتژی توسعه صنعتی در دولت نهم و دهم که نام آن به «برنامه راهبردی صنعت، معدن و تجارت» تبدیل شده بود عملاً حدود ۸ سال به طول انجامید و در نهایت اوایل سال ۱۳۹۲ بود که در مراسمی با حضور رئیس‌جمهور وقت از «برنامه راهبردی صنعت، معدن و تجارت» رونمایی شد. در حالی که کمی بیشتر از یک ماه از رونمایی «برنامه راهبردی صنعت، معدن و تجارت» کشور توسط دولت دهم می‌گذشت، مسعود نبیلی، مجری تدوین نخستین استراتژی صنعتی کشور، طی اظهاراتی به شدت از نحوه تدوین برنامه راهبردی انتقاد کرد و گفت: «آنچه در سند اخیر نوشته شده را در حقیقت نمی‌توانم هویتی برایش تعریف کنم. حالا چه به لحاظ پارادایم و متدولوژی و چه از نظر حد تفصیل!

نیلی با تأکید بر طولانی بودن بازه زمانی طولانی ۸ ساله و تغییرات زیرساخت اقتصادی طی این مدت گفته بود: ما برای تدوین استراتژی توسعه صنعتی از کارشناسان خیلی باتجربه یونیدو (سازمان توسعه صنعتی سازمان ملل متحد) استفاده کردیم.

وی گفت این چیزی که تهیه شده، استراتژی نیست! برنامه استراتژیک وزارت صنعت است نه استراتژی توسعه صنعتی کشور. همچنین محسن حاتم معاون اسبق برنامه‌ریزی وزارت صنایع و معادن در نقد این سند گفت: بیشتر باید تمرکزمان را روی الزامات و ملزومات می‌گذاشتیم چون ابزار و امکان اجرای آن را نداریم. همه چیز در اختیار وزارت صنعت نیست. وزارت اقتصاد و سازمان‌های دیگر راه خودشان را می‌روند و هماهنگ کردن اینها مشکل است.

بخش خصوصی باید در این فضا تکلیف جزییات را مشخص کند. ما باید دنبال ایجاد ثبات و شفافیت در ضوابط باشیم و در هر لحظه که اقتضا کرد به نفع بخش تولید وارد میدان شویم و بعد دوباره بیشتر به نظارت و کنترل اهداف کلان بپردازیم.

آغاز تدوین نسخه سوم:

با کنار گذاشته شدن سند تدوینی دولت دهم، تدوین یک سند برای توسعه صنعت کشور برای سومین بار در وزارت صنعت، معدن و تجارت دولت یازدهم کلید خورد.

در تیرماه سال ۹۴ و در هجدهمین مراسم ویژه بزرگداشت روز ملی صنعت و معدن، معاون اول رئیس‌جمهور از «سند راهبردی وزارت صنعت، معدن و تجارت» رونمایی کرد.

جهانگیری در مورد نسخه جدید این سند گفت: در «سند راهبردی وزارت صنعت، معدن و تجارت» ضمن بررسی وضعیت

برنامه راهبردی ۱۱ صنعت در استراتژی توسعه صنعتی به‌عنوان پیشران اصلی

برنامه راهبردی صنعت سیمان



برای این صنعت نیز کسب جایگاه سوم جهان با ظرفیت تولید سالانه ۱۲۰ میلیون تن و رتبه اول در صادرات جهانی و ظرفیت تولید در منطقه پیش‌بینی شده است.

برنامه راهبردی صنعت تایر و تیوب



تولید ۷۰۰ هزار تن انواع تایر و تیوب در افق ۱۴۰۴ هدف‌گذاری شده است. برای این صنعت نیز رسیدن به جایگاه اول در منطقه و کسب ۳ درصد حجم تولید درجهان مدنظر قرار گرفته است.

برنامه راهبردی صنعت لوازم خانگی



بر این اساس، چشم‌انداز این صنعت در افق سال ۱۴۰۴ با به‌کارگیری فناوری روز دنیا برای این صنعت رسیدن به حفظ جایگاه دوم منطقه، دارای نام تجاری معتبر در جهان با تولید سالانه ۱۶ میلیون دستگاه و صادرات ۳ میلیارد دلار پیش‌بینی شده است.

برنامه راهبردی صنعت خودرو



براساس برنامه‌ریزی صورت گرفته در دومین سند راهبردی برای صنعت خودرو دستیابی به جایگاه نخست صنعت خودرو منطقه، رتبه پنجم آسیا و رتبه یازدهم در جهان با تکیه بر توسعه رقابت‌پذیری مبتنی بر توسعه فناوری پیش‌بینی شده است.

برنامه راهبردی صنعت فولاد



در سند منتشر شده آمده، فولاد یکی از محصولات مهم و استراتژیک به شمار می‌رود و سهم قابل توجهی از ارزش افزوده صنعتی را به خود اختصاص داده است. از سوی دیگر برای این صنعت در افق ۱۴۰۴ کسب جایگاه هفتم دنیا با تولید سالانه ۵۵ میلیون تن فولاد خام پیش‌بینی شده است.

برنامه راهبردی صنعت نساجی و پوشاک:



دستیابی به جایگاه سوم صنعت نساجی در منطقه و رسیدن به رتبه پنجم جهان با تکیه بر رقابت‌پذیری، نوسازی و سرمایه‌گذاری همراه با توسعه فناوری و ارتقای بهره‌وری عوامل تولید را می‌توان از اهداف پیش‌بینی شده در افق ۱۴۰۴ برای این صنعت دانست.

برنامه راهبردی صنایع غذایی و آشامیدنی



کسب جایگاه دوم صادرات در منطقه غرب آسیا با صادرات ۶/۵ میلیارد دلاری در سال ۱۴۰۴ هدف گذاری شده است.

برنامه راهبردی صنایع دریایی کشور

در راستای چشم‌انداز تدوین شده برای صنایع دریایی کشور، چهار هدف کلی در نظر گرفته شده که در این خصوص می‌توان به افزایش رقابت‌پذیری و سهم از بازار ساخت و تعمیر شناورها و سازه‌های دریایی، کسب درصد حداکثری تامین مواد و تجهیزات شناورها و سکوهایی دریایی، ارتقای بهره‌وری نیروی انسانی و توسعه صنایع دریایی مبتنی بر اقتصاد دانش‌بنیان و صنایع دانش‌محور اشاره کرد. این در حالی است که محمد شریعتمداری وزیر صنعت، معدن و تجارت در جلسه بررسی صلاحیت وزرا در صحن علنی مجلس گفت: سند استراتژی صنعتی کشور دارای ویژگی‌های وفاق ملی برای توسعه صنعتی کشور است. وی قول داد که در صورت کسب رای اعتماد مجلس، ویرایش و نهایی کردن آن را در دستور کار خود قرار دهد.

سندی نیامد

در حالی که دولت‌های احمدی نژاد بدون کوشش پیگیر کافی و لازم برای تدوین سند استراتژی توسعه کار را رها کردند در دولت روحانی تاکید شد این سند دوباره و با توجه به شرایط روز کشور و جهان تدوین خواهد شد. در وضعیتی که دولت یازدهم داشت و با توجه به اینکه همه امور دولت ختم به برجام می‌شد و درست هم بود که سند تازه در شرایط صلح نوشته شود اما این اتفاق نیفتاد. دولت دوازدهم با ریاست دونالد ترامپ در مقام رئیس جمهور همراه شد. تحریم‌های گسترده دونالد ترامپ وضعیت نه چندان عادی کشور را به سوی بدترین وضعیت پیش راند. دولت دوازدهم در داخل نیز با مخالفت‌های گسترده روبه رو شد و نتوانست کاری انجام دهد.

بی‌خیال سند

روزی که مرحوم سید ابراهیم رئیسی به مقام ریاست دولت رسید و یک فرد ضعیف را به وزارت صمت منصوب کرد کارشناسان فهمیدند سندی برای استراتژی توسعه تهیه نخواهد شد. سه سال پس از اینکه دولت رئیس بر سر کار بود دولت سیزدهم به فکر نیفتاد برای صنعت استراتژی تهیه کند.

برنامه راهبردی صنعت کاشی و سرامیک



با توجه به ارزیابی صورت گرفته برای این صنعت کسب جایگاه چهارم در جهان با ظرفیت تولید سالانه ۷۰۰ میلیون متر مربع و ۲ میلیارد دلار صادرات در نظر گرفته شده است.

برنامه راهبردی صنعت مس



رسیدن به جایگاه یازدهم جهان با ایجاد ظرفیت تولید سالانه ۴۵۰ هزار تن مس کاتد پیش‌بینی شده است.

برنامه راهبردی صنایع سلولزی



رسیدن به رتبه ۳۲ در تولید کاغذ و مقوا، رتبه ۱۲ در تولید MDF و رتبه ۱۶ در تولید نئوپان جهان برای این صنعت در افق ۱۴۰۴ در نظر گرفته شده است.

رشد های سست تولید ملی

شوریختانه تولید و توزیع کارشناسانه و بهنگام شاخص های کلان اقتصاد ایران به دست انداز افتاده است و دولت های مختلف به دلایل متفاوت از ارایه آمارهای مورد نیاز فعالان اقتصادی و نیز کارشناسان خودداری کرده اند. به همین دلیل است که آمارهای نهادهای اقتصادی بین المللی در دستور کار برای تحلیل ها قرار می گیرد. برخی می گویند این آمارها نیز از داخل ایران به نهادهای جهانی داده می شود و باور کردن آنها نیز سخت است. به هر حال بانک جهانی در خرداد امسال گزارش داد رشد اقتصادی ایران در سال ۱۴۰۳ با نیم واحد درصد کاهش برابر با ۳.۲ درصد اعلام شده است. آمارها حاکی از آن است که رشد اقتصادی کشور در سال ۱۴۰۲ برابر با ۵.۷ درصد بوده که حدود نیمی از این رشد به بخش نفت و گاز مربوط است. در چنین شرایطی و با توجه به محدودیت سقف صادرات و تولید نفت ایران به نظر می رسد این وضعیت رشد هشدارآمیز است. به گفته اقتصاددانان، برای تحقق رشد اقتصادی ۸ درصدی متناسب با برنامه هفتم توسعه، کشور نیازمند سطح بالایی از رشد سرمایه گذاری است. با این حال آمارها حاکی از فاصله زیاد رشد سرمایه گذاری با این میزان و چشم انداز پر ابهام رشد اقتصادی کشور در سال های آینده است.

مرکز آمار ایران به تازگی و با گذشت حدود سه ماه از پایان سال گذشته گزارش رشد سالانه ۱۴۰۲ را منتشر کرده است. پیش از آن رئیس سازمان برنامه و بودجه در یک نشست خبری نرخ رشد اقتصادی سال ۱۴۰۲ را برابر ۵.۷ درصد اعلام کرده

بود. محاسبات «دنیای اقتصاد» در همان زمان نشان داد که رشد فصلی زمستان حدود ۲.۸ درصد است که نشان از کاهش رشد فصلی دارد. گزارش مرکز آمار ایران نیز محاسبات «دنیای اقتصاد» را تایید کرده و رشد اقتصادی زمستان را با ۰.۱ واحد درصد اختلاف برابر با ۲.۹ درصد اعلام می کند. بررسی جزئیات گزارش رشد نشان می دهد حدود نیمی از رشد ۵.۷ درصدی سال ۱۴۰۲ مربوط به رشد استخراج نفت و گاز بوده است.

روند رشد اقتصادی در یک دهه اخیر

نگاهی به روند رشد اقتصادی سالانه در دهه اخیر به ما می گوید دهه ۱۳۹۰ را باید دهه سوخته اقتصاد ایران از منظر رشد اقتصادی دانست. بررسی آمارها نشان می دهد از سال ۱۳۹۰ تا سال ۱۳۹۹ کشور ۵ سال با رشد منفی روبرو بوده است. به این ترتیب نیمی از این دوران اقتصاد کشور در حال کوچک شدن و نیمی از این دوران در حال بزرگ شدن بوده است.

نفتی اتفاق افتاد. طبق گفته‌ها، صادرات نفت کشور به سطح پیش از تحریم‌ها نیز رسید. در صورتی که میانگین هندسی رشد اقتصادی این سه سال را اندازه‌گیری کنیم، می‌توان گفت رشد اقتصادی این سه سال به‌طور میانگین برابر با ۵,۴ درصد بوده است. با این حال سطح مشارکت بخش نفت در رشد اقتصادی سال به سال در اقتصاد کشور افزایش یافته و در سال ۱۴۰۲ به ۲,۸ درصد از ۵,۷ درصد رسیده است. به این ترتیب می‌توان گفت حدود نیمی از رشد اقتصادی کشور در سال ۱۴۰۲ به سبب نفت بوده است.

نگاهی به آمارهای بلندمدت به ما یادآوری می‌کند رشد نفتی در اقتصاد ایران رشدی ناپایدار است و کشور در حوزه سیاست خارجی و صادرات نفتی با مشکلات متعددی دست و پنجه نرم می‌کند. به گفته اقتصاددانان، رشد اقتصادی مبتنی بر تشکیل سرمایه و بهبود بهره‌وری در کشور می‌تواند رشدی ماندگار باشد. در سال آینده و با توجه به در پیش رو بودن انتخابات آمریکا، ریسک‌های سیاسی می‌تواند تهدیدکننده رشد اقتصادی نفتی ایران باشند. همچنین با توجه به ارتباط شدید وضعیت ارزی کشور با درآمدهای نفتی این ریسک‌ها می‌توانند وضعیت توری کشور را تحت تاثیر قرار دهند. پژوهشی جدید نشان می‌دهد که رشد تورم در بازه تورم دو رقمی می‌تواند اثر منفی و معناداری بر اقتصاد کشور بگذارد. «دنیای اقتصاد» به تازگی در گزارشی با عنوان «بیگانگی رشد با تورم» به این پژوهش پرداخته است. طبق این گزارش نتایج این پژوهش از بررسی داده‌های کشورهای خاورمیانه در طول سال‌های ۲۰۰۰ تا ۲۰۲۱ نشان می‌دهد زمانی که تورم زیر ۱۰,۱ درصد باشد، افزایش تورم تاثیری مثبت اما بسیار محدود بر رشد اقتصادی دارد.



صادرات نفت و شوک بیماری کرونا مهم‌ترین عامل نوسانات رشد اقتصادی در دهه ۱۳۹۰ بوده است. بررسی آمارهای رشد اقتصادی در سال‌های ۱۴۰۰، ۱۴۰۱ و ۱۴۰۲ نشان می‌دهد وضعیت رشد اقتصادی به تدریج و با بازگشایی اقتصاد در دوران پساکرونا، اقتصاد بار دیگر ظرفیت‌های خالی خود را بازبایی کرد. همچنین در این دوره و به‌ویژه از سال ۱۴۰۱، گشایش‌های خاصی در حوزه صادرات

به‌طور کلی کارشناسان میانگین رشد اقتصادی سالانه این دوران را نزدیک به صفر ارزیابی می‌کنند. در این شرایط باید یادآور شد که جمعیت کشور در تمام این سال‌ها افزایشی بوده است و اگر درآمد سرانه را به عنوان معیار رفاهی در نظر بگیریم، می‌توان گفت سطح رفاه مردم ایران در این دهه کاهش قابل توجهی داشته است. به نظر می‌رسد اتکای شدید اقتصاد کشور به نفت، اثر تحریم‌ها در کاهش

مشکلات

و چالش‌های

بخش صنعت و تولید

در طی سالیان گذشته به

دردی مزمن برای اقتصاد ایران

تبدیل شده است. این چالش‌ها

البته در دو بعد داخلی و خارجی از

متغیرهای مختلف اثر پذیرفته و سبب شده

است که امروز در وضعیت نامساعد و نامطلوبی

قرار بگیرد. در طی سه سال گذشته که دولت

سیزدهم با شعار رونق تولید و راه‌اندازی چرخ صنعت

کشور روی کار آمد البته وضعیت با شیب تندتری

به سمت نزول حرکت کرد. تقریباً تمامی آمارها و

گزارش‌های مراکز رسمی از جمله مدیران

خرید (شامخ) و گزارش‌های مراکز

پژوهش‌های مجلس و موسسه مطالعات

بازرگانی وزارت صمت این گزاره را تایید

می‌کند که وضعیت صنعت رو به افول

است و چشم‌انداز فعالان و مدیران نیز

برای آینده چندان روشن نیست. آنچه

که واضح به نظر می‌رسد این است که

زمانی که حال تولید و صنعت خوب

نباشد، طبیعی است که حال اقتصاد در

ابعاد کلان هم خوب نخواهد بود. انواع

و اقسام موانع داخلی و خارجی زمینه

را به گونه‌ای فراهم کرده‌اند که صنعت

و تولید از یک‌سو و تجارت خارجی از

سوی دیگر به عنوان دو بال مکمل هم

نتوانستند آن‌طور که باید در چند سال

گذشته زمینه را برای رونق کسب‌وکارها

و رشد اقتصادی مهیا کنند. در عین حال

افت کیفیت تبدیل به پاشنه آشیل توسعه صنعتی

ایران شده است. در ارزیابی و بررسی دلایل افت

کیفیت تولیدات صنعتی کشور، به عواملی

برمی‌خوریم که تابعی از فضای بین‌المللی،

ملی و بخش تولید در داخل است.

تحریم و موانع واردات تکنولوژی،

کمبود نقدینگی، انحصار،

سرکوب قیمتی، تورم

و افت قدرت خرید

مصرف‌کننده،



آمارها رسمی حکایت از چشم‌انداز منفی
بخش تولید تا پایان ۱۴۰۳ دارد

راز افول صنعت

بنیامین نجفی



حوزه کسب‌وکار، تغییری در جهت مثبت نداشته است. با وجود برخی اصلاحات مشخص در حوزه تجارت و صادرات، تغییر مسیر بخش تولید کماکان در سیاست‌های دولت مغفول مانده، ضمن اینکه تحول محسوسی در فضای کسب‌وکار حاصل نشده است. اتاق بازرگانی ایران که از زمان پیروزی مرحوم ابراهیم رئیسی، پیوسته به مقامات عالی دولت سیزدهم در حوزه سیاست‌گذاری توصیه‌هایی ارائه کرده، رونق تولید را در گرو اجرای برخی اقدامات دانسته است. دلیل تاکید بر این اقدامات که مورد اجماع بسیاری از اقتصاددانان نیز بوده، ایجاد بستری فراگیر در اقتصاد بود که تولید، صنعت، شروع کسب‌وکار و هر نوع فعالیت اقتصادی را تنظیم و با تضمین رقابت و شفافیت، سرمایه‌گذاری را تحریک کند. در این راستا «کاهش مداخلات دولت در اقتصاد»، «رفع تحریم و باز کردن محدودیت بانکی از دست و پای اقتصاد ایران»، «کاهش بوروکراسی اداری و تسهیل واقعی کسب‌وکار» در کنار «جذب سرمایه خارجی و تقویت تولید صادرات‌محور با ارزش افزوده بالا» از مهم‌ترین پیشنهادهایی بود که اجرای آنها از سوی فعالان بخش خصوصی و برخی از اقتصاددانان به دولت سیزدهم ارائه شد اما چندان جدی گرفته نشد. اما به طور خاص در مورد بخش صنعت باید اشاره داشت که سهم ۹۲ درصدی صنایع کوچک و متوسط در اشتغال، تولید و صادرات، موضوعی است که جایگاه این مراکز در اقتصاد کشور را نشان می‌دهد. صناعی که تا پیش‌از این بسیار تأثیرگذار بودند اما به علت مشکلات این سال‌ها، بخشی از آنها، راکد و به حالت کما درآمده‌اند. حال آنکه اشتغال‌زایی و زودبازده بودن از مهم‌ترین ویژگی‌ها و مزایای صنایع کوچک به شمار می‌آید. از سوی دیگر بخش صنعت در یک دهه گذشته به یک بیماری حاد مبتلا گشته که بارزترین نشانه این بیماری، کاهش توان اشتغال‌زایی بوده است. طبق داده‌های مرکز پژوهش‌های مجلس، رابطه بین رشد تولید بخش صنعت و رشد اشتغال واحدهای صنعتی معکوس و نرخ اشتغال صنعتی در سال‌های اخیر، بسیار ناچیز بوده است. پدیده‌ای که در ایران طی دو سه سال اخیر بسیار پررنگ شده است. ایران با وجود صنایعش به‌ویژه فراوانی صنایع کوچک، با چنین بیماری حادی دست‌به‌گریبان است. طبق گزارش‌های مراجع رسمی تحقیقاتی و آماری، تحت تأثیر عوامل متعدد داخلی و خارجی به‌ویژه تحریم بوده است. این واقعیت به‌طور شفاف از طریق گزارش‌های مرکز پژوهش‌های مجلس، مرکز آمار ایران، پژوهش‌شده بانک مرکزی و موسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی مشخص شده است. این چنین که تحریم‌های بین‌المللی شرایط سخت و شکننده‌ای به بنگاه‌های صنعتی کوچک و بزرگ تحمیل کرده وضعیت این بخش را نامطلوب کرده است. اما به عنوان نمونه گزارش شامخ اردیبهشت ماه (آخرین گزارش منتشر شده شامخ) از باقی ماندن وضعیت بنگاه‌های اقتصادی در شرایط مشابه فروردین ماه حکایت دارد. مسائل تخصیص ارز، ثبت سفارش و دسترسی به موارد اولیه همچنان جزو دغدغه‌های بزرگ بنگاه‌ها محسوب می‌شود. روند شامخ کل اقتصاد در اردیبهشت

خود تحریمی و سیاست‌های بی‌ثباتی که افق سرمایه‌گذاری در بخش مولد را تیره و تار کرده، در کنار فقدان استراتژی صنعتی، از اصلی‌ترین موانعی است که توان ارتقای کیفیت را از بنگاه‌ها سلب کرده و افول رتبه ایران در شاخص رقابت‌پذیری صنعتی را به دنبال داشته است. همچنین بررسی روند تورم بخش صنعت طی دو سه سال اخیر نیز روندی نوسانی را نشان می‌دهد که حاکی از غلبه بی‌ثباتی‌ها بر فضای اقتصاد کشور است؛ بی‌ثباتی‌هایی که با ارسال پالس منفی به سرمایه‌گذاران، روند نزولی سرمایه‌گذاری در بخش مولد اقتصاد را به دنبال داشته است.

البته باید اشاره داشت که محیط کسب‌وکار در ایران طی سال‌های گذشته با چالش تکراری مواجه بوده که دست‌وپای فعالان اقتصادی، تولیدکنندگان و صادرکنندگان را بسته است. طی بیش از یک‌دهه گذشته یعنی از سال ۱۳۹۰ تا به الان چندین شوک ارزی، تورم‌های بالا، تحریم‌های خارجی، مشکل تامین مواد اولیه و ملزومات خطوط تولید، چالش انرژی از جمله قطعی برق و گاز در تابستان و زمستان، تخصیص ارز و ثبت سفارش و... از جمله چالش‌های فعالان کسب‌وکار در ایران بوده است. اگرچه برخی از این چالش‌ها سابقه طولانی‌تری دارند اما از سال ۱۳۹۷ و به طور خاص تر از سال ۱۴۰۰ به بعد فعالان اقتصادی با نوع جدیدی از چالش‌ها روبه‌رو شدند که سبب شده امکان برنامه‌ریزی کوتاه‌مدت و بلندمدت از آنها گرفته شود. این عدم برنامه‌ریزی در وهله اول آسیب خود را به کمیت و کیفیت تولیدات و در وهله دوم به بازارهای صادراتی وارد آورده است. بازارهایی که در دهه‌های گذشته به‌طور سنتی در اختیار ایران بود طی چندسال گذشته شرایط به‌گونه‌ای پیش رفت که این بازارها تا حدود زیادی از دست رفتند و رقبای ایران توانستند در آنها پیشی بگیرند. باوجود مزیت‌های مختلفی که از منظر منابع و نیروی انسانی در ایران برای توسعه کسب‌وکارها وجود دارد، اما بررسی‌ها نشان می‌دهد که فاصله ایران با رقبای منطقه‌ای به لحاظ توسعه صنعتی و توسعه صادرات روزبه‌روز بیشتر شده است. کشورهای منطقه از جمله عربستان، عمان، ترکیه، قطر و امارات موفق شدند با سرمایه‌گذاری‌های داخلی و خارجی استراتژی بلندمدت توسعه صنعتی و معدنی تعریف کنند و سطح رشد اقتصادی‌شان را به سطوح بالا برسانند. در ایران اما به دلیل وجود دو بحال تحریم‌های خارجی و تحریم‌های داخلی کسب‌وکارها به‌ویژه کسب‌وکارهای جدید و نوپا و مستقل با چالش‌های متعددی روبه‌رو هستند که زمینه رشد و بالندگی آنها را از بین برده است. بررسی‌های میدانی و همین‌طور مطالعه گزارش‌های کارشناسی از جمله گزارش مدیران خرید (شامخ) در ماه‌های گذشته حاکی از چشم‌انداز منفی مدیران بنگاه‌ها در آینده است. از سوی دیگر و در بخش بازرگانی خارجی تراز تجاری کشور در سال ۱۴۰۲ به بیشترین کسری خود رسید. گمرک ایران با اعلام جزئیات صادرات و واردات در سال گذشته، کسری تجاری را نزدیک به ۱۷ میلیارد دلار اعلام کرد. در دولت سیزدهم اما سیاست‌های کشور، نه در بخش تولید و نه در

واقعی سود مثبت بوده، رشد تولید شرکت‌های با محدودیت مالی - که وابستگی بیشتری به تسهیلات بانکی داشتند - در مقایسه با سایر شرکت‌ها بهتر از دوره‌هایی بوده که نرخ واقعی سود تسهیلات بانکی منفی بوده است. در حالی که اتخاذ سیاست انقباضی و افزایش نرخ بهره اصلی‌ترین ابزار کنترل تورم به شمار می‌رود، افزایش هزینه استقراض بنگاه‌های تولیدی همواره یکی از انتقادات اصلی به افزایش نرخ بهره سیاستی از سوی بانک‌های مرکزی بوده است. از این منظر، سیاستگذار پولی همواره تحت فشار قرار دارد که افزایش نرخ بهره بر بخش واقعی اقتصاد و اشتغال اثر منفی بر جای می‌گذارد. با این حال بررسی شواهد ۴۰۷ شرکت بورسی در بازه ۱۳۹۰ تا ۱۴۰۱ نشان می‌دهد از سال ۹۵ تا امروز، که نرخ بهره اسمی ثابت نگه داشته شده، نسبت هزینه مالی به هزینه عملیاتی همواره کاهش یافته و از ۷ درصد به ۱/۵ درصد تنزل یافته است. با اطمینان می‌توان ادعا کرد که جایگاه ابزار نرخ بهره به عنوان ابزار کنترل نرخ تورم تثبیت شده است. این اتفاق می‌تواند به دلیل کاهش تقاضای سفته‌بازی تسهیلات بانکی و افزایش دسترسی به تسهیلات بنگاه‌ها در دوران نرخ واقعی سود مثبت باشد. لذا برای تعیین یا هدایت نرخ سود بانکی از مجاری مختلف، باید ملاحظات مربوط به اختلال در تخصیص تسهیلات بانکی در شرایط نرخ واقعی منفی سود بانکی و کم‌اهمیت بودن بار هزینه مالی نرخ سود تسهیلات در شرایط فعلی لحاظ شود. به نظر می‌رسد توجه به این دو نکته مهم می‌تواند تا حد زیادی مسیر پیش روی سیاستگذار جهت بهبود وضعیت نظام بانکی، کنترل تورم و رشد بنگاه‌های کشور را تعیین کند.

۱۴۰۳، نشان می‌دهد که سطح فعالیت‌های اقتصادی در این ماه نسبت به ماه فروردین، پس از حذف اثر فصلی، اندکی بهبود داشته و در بخش صنعت نیز اغلب فعالیت‌های صنعتی نسبت به ماه قبل شرایطی بهتری را تجربه کرده‌اند. طبق گزارش مرکز پژوهش‌های اتاق ایران، با وجود بهبود نسبی وضعیت بنگاه‌های اقتصادی در اردیبهشت‌ماه، عدم تخصیص ارز به مواد اولیه و قوانین جدید در خصوص ثبت سفارش واردات می‌تواند در ماه‌های پیشرو، دسترسی به مواد اولیه را محدود کند و به‌طور جدی روند بهبود وضعیت اقتصادی و خصوصاً وضعیت بخش صنعت را تحت تأثیر قرار دهد. اما در این میان اگر چالش تامین ارز و تامین سرمایه در گردش برای صنایع ادامه بیابد یا تشدید شود، وضعیت از این هم نامناسب‌تر خواهد بود. این در حالی است که عقب‌ماندگی فناوریانه نسبت به دنیا و وجود استهلاک نیز در حال آسیب رساندن به صنایع کشور است. بر این اساس می‌توان گفت بعید است در سال ۱۴۰۳ صنعت بتواند موتور برای رشد اقتصادی کشور باشد. با توجه به وضعیت موجود پیش‌بینی می‌شود نرخ رشد اقتصادی کشور از میانگین ۳/۹ درصد طی سال‌های آینده به ۳ و حتی ۲/۵ درصد کاهش یابد که برای آینده صنعت اصلاً خبر خوبی نیست.

برخی از کارشناسان اما معتقدند یکی از نکاتی که کمتر در مورد افول بخش صنعت و تولید مورد توجه قرار گرفته، اثر منفی نرخ بهره منفی بر تولید است. در شرایطی که سطح تورم بالاست، پایین نگه داشتن نرخ سود بانکی می‌تواند تقاضای کاذب برای تسهیلات بانکی را تشدید و دسترسی شرکت‌های تولیدی به تسهیلات را مختل کند. براساس آمار شرکت‌های بورسی، در دوره‌هایی که نرخ





بررسی و تحلیل سرمایه‌گذاری در اقتصاد ایران

مقدمه و کلیات

توسعه اقتصادی ایران قبل از سال ۱۹۷۹ بسیار سریع بود. این کشور به‌طور سنتی یک جامعه کشاورزی بود که در دهه ۱۹۷۰ کشور صنعتی‌سازی و نوسازی اقتصادی قابل توجهی را تجربه کرده بود. این سرعت رشد تا سال ۱۹۷۸ به طرز چشمگیری کاهش یافته بود زیرا فرار سرمایه درست قبل از انقلاب ۵۷ به ۳۰ تا ۴۰ میلیارد دلار در سال ۱۹۸۰ آمریکا رسید.

پس از انقلاب ۱۹۷۹، دولت ایران چهار اقدام اصلاحی انجام داد: ۱. ابتدا دولت کنترل هم‌مهنای از جمله شرکت ملی نفت و همه بانک‌های ایرانی را در اختیار گرفته و آنها را ملی کرد.

۲. قانون اساسی جدید اقتصاد در ۳ تقسیم بخش‌های مختلف، یعنی «دولت»، «تعاونی» و «خصوصی» که بیشتر کسب و کار در اختیار دولت قرار می‌داد.

۳. فعالیت دولت جمهوری اسلامی با استفاده از برنامه‌ریزی مرکزی برای کنترل اقتصاد، وجود رهبری انقلاب، رئیس‌جمهور و مجلس شورای اسلامی در کنار ایجاد برنامه‌های اجتماعی و اقتصادی ۵ ساله آغاز شد.

۴. دولت کنترل قیمت‌ها و یارانه‌ها را در دست گرفت.

اهداف بلندمدت دولت از زمان انقلاب عبارت‌اند از: استقلال اقتصادی، اشتغال کامل و استاندارد راحت برای زندگی شهروندان، اما در پایان قرن بیستم، اقتصاد کشور با موانع بسیاری مواجه شده است. جمعیت ایران بین سال‌های ۱۹۸۰ و ۲۰۰۰ بیش از دو برابر شد و به‌طور فزاینده‌ای جوان‌تر شد. اگرچه تعداد نسبتاً زیادی از ایرانیان به شغل کشاورزی مشغول‌اند اما از دهه ۱۹۶۰ تولیدات کشاورزی به‌طور مداوم کاهش یافته است. کشور ایران در اواخر دهه ۱۹۹۰ به یک واردکننده عمده مواد غذایی تبدیل شده بود. در آن زمان، مشکلات اقتصادی در حومه شهرها منجر به مهاجرت تعداد زیادی از مردم به شهرها شد.

جنگ هشت ساله با عراق دست کم ۳۰۰ هزار کشته از کشور ایران و بیش از ۵۰۰ هزار زخمی برجای گذاشت. هزینه جنگ برای اقتصاد کشور حدود ۵۰۰ میلیارد دلار بود. دولت پس از پایان جنگ با عراق در سال ۱۹۸۸ تلاش کرد تا بخش‌های ارتباطی، حمل و نقل، تولید، مراقبت‌های بهداشتی، آموزشی و انرژی کشور از جمله تأسیسات احتمالی انرژی هسته‌ای آن (را توسعه دهد. ایران در این سال‌ها روند ادغام این زیرساخت‌ها را آغاز کرد. ارتباطات و زیرساخت‌های حمل‌ونقل با کشورهای همسایه را توسعه بخشید.



رشد سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی به معنی افزایش حجم اقتصاد کشور و افزایش میزان تولیدات است و در همین راستا نه تنها اشتغال بهبود پیدا می‌کند بلکه حتی یک ابزار کنترلی برای تورم به شمار می‌رود. در شرایط کنونی تمامی زیرساخت‌های کشور به مرحله فرسایش رسیده که نمونه بارز آن زیرساخت‌های انرژی است که ابتدایی‌ترین نیازهای مردم را تأمین می‌کند. هم زیرساخت‌های برق، هم گاز و نیروگاه‌ها و خطوط انتقال فرسوده شده که این موضوع قطعاً در آینده نزدیک اثرات خود را نشان خواهد داد.

دولت از سال ۲۰۰۴ اصلاحاتی را انجام دهند که منجر به خصوصی‌سازی ایران شود اما هنوز نتیجه‌ای نگرفته‌اند و از این طریق ایران به یک اقتصاد مرکزی تبدیل شده است که در حال گذار به سمت اقتصاد بازار است. گزارش‌های داخلی و خارجی نشان می‌دهند که وضعیت سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در ایران به شدت پایین است و همین امر نه تنها روی رشد اقتصادی پایدار تأثیرگذار بوده بلکه از ارتقای سایر شاخص‌های کلان نیز جلوگیری می‌کند.

میزان سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در ایران در سال ۲۰۲۲ تنها ۱٫۵ میلیارد دلار بوده است. طی ۱۰ سال اخیر، سالانه ۴٫۵ درصد از ارزش موجودی سرمایه ثابت در اقتصاد ایران مستهلک می‌شود. اینها بخشی از آمار و ارقامی است که نشان می‌دهد اقتصاد ایران نه تنها در جذب سرمایه اقتصادی جدید موفق نبوده، بلکه در چند سال گذشته موج خروج سرمایه از کشور هم شدت گرفته است. در حالی سرمایه‌های اقتصاد در حال خروج از ایران است که در کنار گوش ما، امارات توانسته بیشترین میلیونها دلار جهانی را جذب اقتصاد خود کند و در سال ۲۰۲۲ تعداد ساکنان با دارایی خالص یک میلیون یا بیشتر در کشور امارات ۵۲۰۰ نفر افزایش یافته است. به عنوان یک نمونه موفق دیگر سرمایه‌گذاری، در حال حاضر عربستان سعودی طبق آخرین گزارش‌ها قصد دارد که تا سال ۲۰۳۰ بیش از ۱۷۰ میلیارد دلار در بخش معدن سرمایه‌گذاری کند و چینی‌ها برای این کار در مسیر عربستان در رفت و آمد هستند. عربستان می‌خواهد درآمد بخش معدن را از ۱۷ به ۶۰ میلیارد دلار در سال برساند افزایش سرمایه‌گذاری و به ویژه سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی تأثیر مهمی روی ارتقای شاخص‌های کلان اقتصادی از جمله رشد اقتصادی دارد.

بررسی وضعیت موجود سرمایه‌گذاری در اقتصاد ایران

رشد سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌ها

تشکیل سرمایه ثابت ناخالص به معنای میزان سرمایه‌گذاری انجام شده در یک کشور است. در سیستم حساب‌های ملی تشکیل سرمایه ناخالص همان مفهوم سرمایه‌گذاری در کالاهای سرمایه‌ای است که شامل ماشین‌آلات، ساختمان، جاده و سایر اقدامات زیرساختی یک کشور است. تشکیل سرمایه ناخالص میزان اضافه شده به موجودی سرمایه ساختمان‌ها، تجهیزات و موجودی انبار یا به عبارت دیگر میزان اضافه شده به ظرفیت تولید کالاها را اندازه‌گیری می‌کند.



افزایش تا ۳ برابر سرمایه‌گذاری پس از انقلاب

مقایسه وضعیت تشکیل سرمایه ثابت ناخالص به تفکیک ماشین آلات و ساختمان دولتی و خصوصی حاکی از آن است که کاهش رشد سرمایه‌گذاری در این سال‌ها ناشی از کاهش رشد تشکیل سرمایه در بخش ماشین‌آلات و سرمایه‌گذاری بخش خصوصی به‌ویژه در سال پایانی برنامه اول توسعه بوده است. با این وجود، نرخ رشد مثبت و قابل توجه سرمایه‌گذاری طی ۳ سال ابتدایی برنامه اول توسعه موجب شد تا متوسط نرخ رشد سرمایه‌گذاری طی برنامه اول توسعه ۹٫۲ درصد شود.

شرایط نامساعد خارجی و بی‌ثباتی سیاست‌های پولی و ارزی در سال‌های پایانی برنامه اول توسعه و به‌ویژه در سال ۱۳۷۳ موجب شد تا دولت جهت ایجاد ثبات پایدار اقتصادی و تعادل در تراز پرداخت‌های خارجی، در اوایل سال ۱۳۷۴ و همزمان با آغاز برنامه دوم توسعه سیاست‌های تثبیت را به اجرا گذارد. با وجود رشد قابل توجه سرمایه‌گذاری از سال ۱۳۷۵، روند افزایشی عرضه نفت اوپک و به تبع آن کاهش قیمت جهانی نفت خام باعث شد تا آهنگ رشد اقتصادی در این برنامه به میزان قابل توجهی کاهش یابد. در این دوره میانگین نرخ رشد تولید ناخالص داخلی و سرمایه‌گذاری به ترتیب معادل ۲٫۶ و ۶٫۶ درصد بوده که نسبت به برنامه اول توسعه کاهش نشان می‌دهد. عملکرد برنامه سوم توسعه اقتصادی دستاوردهای امیدبخشی در حوزه رشد اقتصادی و سرمایه‌گذاری را نسبت به برنامه دوم نشان می‌دهد. افزایش نرخ رشد اقتصادی از ۲٫۶ درصد برنامه دوم به ۵٫۸ درصد و افزایش نرخ رشد سرمایه‌گذاری از ۶٫۶ درصد به ۱۰٫۸ درصد نشان‌دهنده موفقیت نسبی این برنامه در مورد متغیرهای فوق‌الذکر بوده است.

بیشترین نرخ‌های رشد اقتصادی در این برنامه در سال‌های ۱۳۸۱ و ۱۳۸۲ به ترتیب با ۸٫۱ درصد و ۸٫۴ درصد محقق گردیده که از هدف ۶ درصدی تعیین شده در برنامه سوم توسعه فراتر رفته است. علت این امر را می‌توان به افزایش درآمدهای نفتی، شرایط مساعد جوی و بهبود وضعیت ارزش افزوده بخش‌های زراعت و دامداری و سیاست‌های اصلاح ساختاری نسبت داد.

بیشترین رشد سرمایه‌گذاری با ۲۴٫۶ درصد در سال ۱۳۸۰ حاصل شد. سال آخر برنامه سوم توسعه در حالی سپری گردید که روند ملایم افزایش قیمت نفت همراه با سیاست‌های متخذه توسط دولت باعث شد تا علی‌رغم رکود نسبی حاکم بر اقتصاد جهان و تحولات نامساعد سیاسی در منطقه خلیج فارس و مشکلات ساختاری واحدهای تولیدی و خدماتی، اقتصاد ایران در مسیر رشد مثبت تولید و سرمایه‌گذاری حرکت کند.

متوسط رشد اقتصادی کشور در برنامه چهارم توسعه (۸۸-۱۳۸۴) برابر ۴٫۴ درصد بوده که در مقایسه با رشد ۸ درصدی هدف برنامه به میزان قابل توجهی محقق نگردیده است. با تنفیذ احکام برنامه چهارم توسعه برای سال ۱۳۸۹، عملکرد این سال نیز در قالب برنامه چهارم قابل بررسی است. از این رو، با لحاظ سال ۱۳۸۹ متوسط رشد اقتصادی طی سال‌های ۸۹-۱۳۸۴ معادل ۴٫۸ درصد می‌باشد.

بررسی رشد اقتصادی نشان می‌دهد که عملکرد برنامه طی سال‌های ۸۶-۱۳۸۴ به دلیل افزایش قیمت نفت خام و اتخاذ سیاست‌های پولی و مالی انبساطی و رشد ارزش افزوده فعالیت‌های گروه نفت، صنایع و معادن و خدمات به اهداف برنامه نزدیک بوده است اما در سال‌های ۱۳۸۷ و ۱۳۸۸ تحت تاثیر گسترش و شدت بحران جهانی، کاهش ارزش صادرات نفتی و

بانک جهانی با محاسبه میزان سرمایه‌گذاری انجام‌شده در ایران بر اساس قیمت‌های ثابت از سال ۱۹۶۰ بدین سو، نشان داده که پس از انقلاب، سالانه ۳-۲ برابر قبل از انقلاب بوده است. رشد سرمایه‌گذاری‌ها پس از انقلاب، در توسعه زیرساخت‌های و خدمات عمرانی کشور به خوبی مشخص است.

از اهداف اساسی هر نظام اقتصادی رشد اقتصادی پایدار است که دستیابی به آن مستلزم گسترش پایه‌های رشد و درونی شدن آن از طریق ساز و کارهایی نظیر انباشت سرمایه، توسعه سرمایه انسانی و ارتقاء بهره‌وری عوامل تولید است. مروری بر ساختار رشد اقتصادی ایران طی سه دهه گذشته حاکی از آن است که دولت از طریق اعمال سیاست‌های پولی و مالی و هزینه درآمدهای ارزی حاصل از صادرات نفت، مهم‌ترین عامل اثرگذار بر نوسانات رشد اقتصادی بوده است.

رشد اقتصادی طی سال‌های ۱۳۵۷ تا ۱۳۶۷ دارای نوسانات قابل توجهی بوده به طوری که از ۲۳٫۲- درصد در سال ۱۳۵۹ به ۲۲٫۸ درصد در سال ۱۳۶۱ افزایش یافت و به جز سال‌های ۱۳۶۲ (۹٫۷ درصد)، ۱۳۶۴ (۱٫۸ درصد) و ۱۳۶۶ (۰٫۲ درصد) تا سال ۱۳۶۷ نرخ‌های منفی را تجربه نمود. متوسط نرخ رشد سالانه این دوره ۳٫۵- درصد می‌باشد.

تحولات پس از سال ۱۳۵۷ نظیر پیروزی انقلاب اسلامی، تحریم‌های مختلف اقتصادی و جنگ تحمیلی، اقتصاد را با شوک‌های عرضه روبرو ساخت. دولت جهت جلوگیری از کاهش تولی دواقعی، سیاست‌های انبساطی طرف تقاضا را اعمال نمود که با توجه به ساختار کم‌کشش عرضه، این سیاست‌ها موجب افزایش قیمت‌ها و در نهایت کاهش متوسط تولید طی این دوره شد.

به عبارت دیگر، از یک سو رکود شدید اقتصادی و نیمه تعطیل بودن گمرکات و بنادر کشور موجب کاهش عرضه کل شد و از سوی دیگر اعمال سیاست‌های انبساطی پولی و مالی، تقاضای کل را افزایش داد.

کاهش درآمدهای ارزی نسبت به سال‌های قبل از انقلاب اسلامی، موجب کاهش واردات شد و در کنار تنگناهای طرف عرضه، سطح تولید ملی کاهش یافت. این کاهش تولید در بخش‌های وابسته‌تر به درآمدهای ارزی (از جمله بخش صنعت) محسوس‌تر بود. به تبع کاهش تولید ناخالص داخلی، تشکیل سرمایه ثابت ناخالص نیز به‌شدت تحت تأثیر بستر نامناسب این دوره قرار گرفت و به‌طور متوسط سالانه ۵٫۵ درصد کاهش یافت.

با پایان دوران جنگ و تدوین قانون برنامه اول توسعه اقتصادی، مثبت شدن موازنه ارزی کشور، استفاده از افزایش درآمدهای نفتی و استقرار خارجی، سرمایه‌گذاری در کشور بهبود یافت. این امر به‌همراه استفاده از ظرفیت‌های مازاد تولید و سیاست تعدیل اقتصادی موجب شد تا طی سال‌های ۱۳۶۸ تا ۱۳۷۰ اقتصاد از رشد مطلوبی برخوردار شود و میانگین نرخ رشد اقتصادی در این دوره مثبت و بالغ بر ۷٫۳ درصد شود.

سرمایه‌گذاری نیز در سال‌های پایانی برنامه اول به علت نااطمینانی ناشی از بی‌ثباتی سیاست‌های پولی و ارزی، نوسانات نرخ ارز و بروز بحران بدهی‌های ارزی، انتظارات تورمی و جهت‌گیری بخشی از پس‌اندازهای محدود جامعه به سمت بازارهای غیرمولد (نظیر بازار ارز، سکه و طلا) از رشد منفی برخوردار شد. به‌طوریکه نرخ رشد سرمایه‌گذاری از ۵۲٫۵ درصد سال ۱۳۷۰ به ۱۳٫۹- درصد در سال ۱۳۷۲ کاهش یافت.

با این وجود، عواملی نظیر کاهش نااطمینانی در فضای اقتصادی کشور، رویکرد دولت به توانمندسازی بخش خصوصی، کنترل تورم در بخش تولیدکننده و مصرف‌کننده و تثبیت قیمت ارز باعث بهبود رشد سرمایه‌گذاری در سال‌های بعد گردید به طوری که در سال ۱۳۹۳ به ۷,۸ درصد افزایش یافت. اما مجدداً تحت تاثیر کاهش قیمت نفت و درآمدهای نفتی، تشکیل سرمایه ثابت ناخالص در سال‌های ۱۳۹۴ حدود ۱۲ درصد کاهش یافت که این کاهش در سال ۱۳۹۵ به ۳,۷- درصد رسید.

بعد از پیروزی انقلاب اسلامی و درگیری کشور در جنگ تحمیلی متوسط رشد اقتصادی نسبت به دهه قبل افزایش و نسبت به دهه ۴۰ با افت مواجه شد که طبیعی بود. بعد از پایان جنگ و شروع به بازسازی اقتصاد، ثبات نسبی در بازارها و آزادسازی‌های انجام شده در اقتصاد ایران و همچنین سرمایه‌گذاری روی زیرساخت‌های تخریب شده در دوران جنگ، دهه ۷۰ با رشد متوسط اقتصادی ۳,۴ درصد سپری شد و دهه ۸۰ نیز با سرمایه‌گذاری در توسعه بلوک‌های تولیدی و صادراتی پتروشیمی کشور و تحرک در صادرات، رشد اقتصادی به ۴,۶ درصد در این دهه افزایش یافت که بالاتر از سه دهه گذشته بود. اما در دهه ۱۳۹۰ با شروع تحریم‌های اقتصادی و تداوم آن در اواسط دهه به بعد، منجر به آن شد که کشور یک مسیر رشد پایین و متوسط ۰,۶ درصد را طی کند که کمترین مقدار در طول ۶۰ سال گذشته است. سوال جدی این است که چه بر سر اقتصاد ایران در این دهه آمد که این نرخ رشد برای کشور رقم خورد.

بر اساس ادبیات کلاسیک اقتصادی، سرمایه‌گذاری به عنوان یکی از اجزا GDP از مهم‌ترین محرک‌های تامین‌کننده رشد اقتصادی است. روند سرمایه‌گذاری خالص در دهه ۱۳۹۰ همچنان که از نمودار ۱ ملاحظه می‌شود با افت مواجه شده و حتی در چهارم آخر منفی (سرمایه‌گذاری حتی کفاف استهلاک را نیز نداده است) شده است. لذا یکی از علل افت رشد اقتصادی در این دهه سرمایه‌گذاری است.

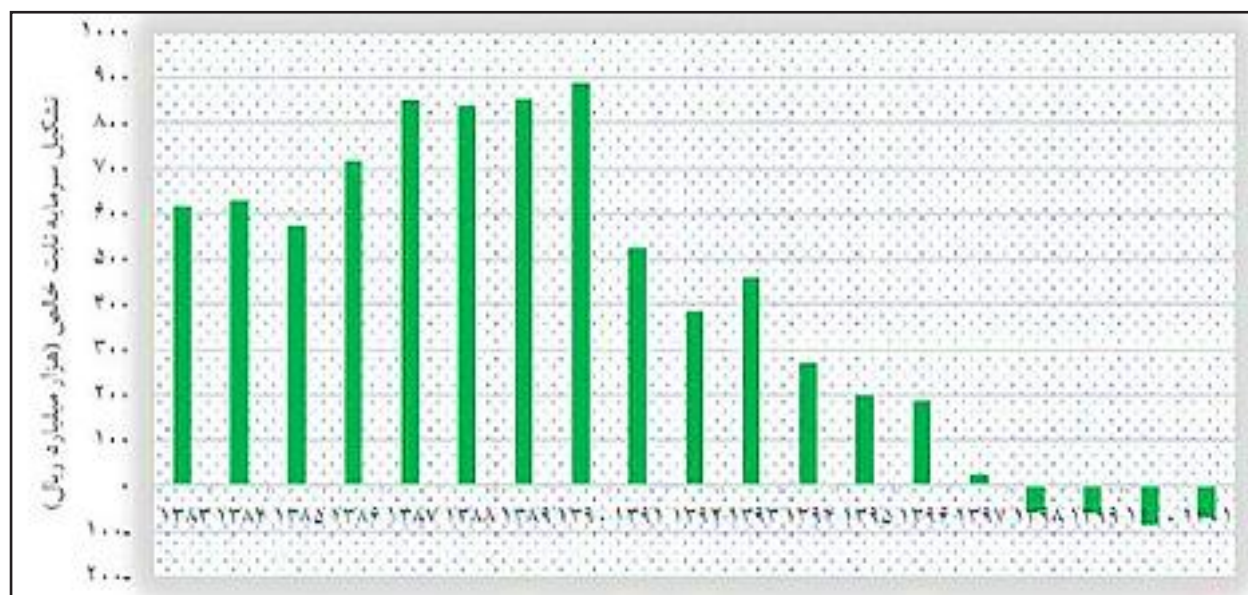
به دنبال آن کاهش درآمدهای ارزی کشور، اقتصاد ایران به طور معنی داری متاثر و رشد اقتصادی به ۰,۶ درصد و ۱,۳ درصد محدود شد. این در حالی است که هدف برنامه برای سال ۱۳۸۷ برابر ۸,۴ درصد و برای سال ۱۳۸۸ معادل ۹,۳ درصد پیش‌بینی گردیده بود.

علی‌رغم پیش‌بینی نرخ فزاینده و درعین حال متعادل برای تشکیل سرمایه ثابت ناخالص در برنامه چهارم توسعه، بررسی عملکرد واقعی آن نشان می‌دهد که اقتصاد در دستیابی به اهداف خود چندان موفق نبوده است. متوسط رشد سالانه متغیر تشکیل سرمایه ثابت ناخالص از سال ۱۳۸۴ تا ۱۳۸۹ حدود ۵,۴ درصد بوده که در مقایسه با هدف پیش‌بینی شده برای این دوره یعنی ۱۱,۷ درصد کمتر است.

تشدید تنگنای تجاری و مالی در فضای بین‌المللی، بحران مالی جهانی، اجرای قانون هدفمند کردن یارانه‌ها و اعمال سیاست‌های انبساطی طی سال‌های برنامه پنجم توسعه (۹۵-۱۳۹۰)، باعث شد تا رشد اقتصادی در این دوره ۱,۵ درصد گردد که در مقایسه با رشد ۸ درصدی اهداف برنامه کمتر است. اما باید گفت، تلاش‌های دولت یازدهم در انجام توافق هسته‌ای و اجرای برجام منجر به از بین رفتن هشت فصل رشد اقتصادی منفی و ایجاد رشد مثبت ۳,۲ درصدی در سال ۱۳۹۳ گردید. به رغم گشایش‌های صورت گرفته به دلیل کاهش شدید قیمت نفت، رشد اقتصادی کاهش یافت با این وجود کاهش آن در مقایسه با سایر کشورهای صادرکننده نفت به مراتب وضعیت بهتری داشته است. رشد اقتصادی ایران در سال ۱۳۹۵ تحت تاثیر افزایش صادرات نفت، تحرک بخش مسکن و افزایش سرمایه‌گذاری به ۱۲,۵ درصد رسید که در این دوره بی‌سابقه بوده است.

متوسط رشد تشکیل سرمایه ثابت ناخالص طی سال‌های ۹۵-۱۳۹۰ معادل ۵- درصد بود. در سال ۱۳۹۰، تشکیل سرمایه ثابت ناخالص ۴,۶ درصد رشد داشت اما در سال ۱۳۹۱، کل سرمایه‌گذاری به دلیل کاهش واردات کالاهای سرمایه‌ای ناشی از محدودیت‌های ارزی و تحریم‌های اقتصادی، شرایط نامساعد فضای کسب و کار و بازده بالای سرمایه‌گذاری در بازارهای جانشین (طلا، ارز) افت شدید ۱۹- درصدی را تجربه کرد.

نمودار ۱: روند تشکیل سرمایه ثابت خالص به قیمت ثابت ۱۳۹۰ طی ۱۳۸۳ تا ۱۴۰۱

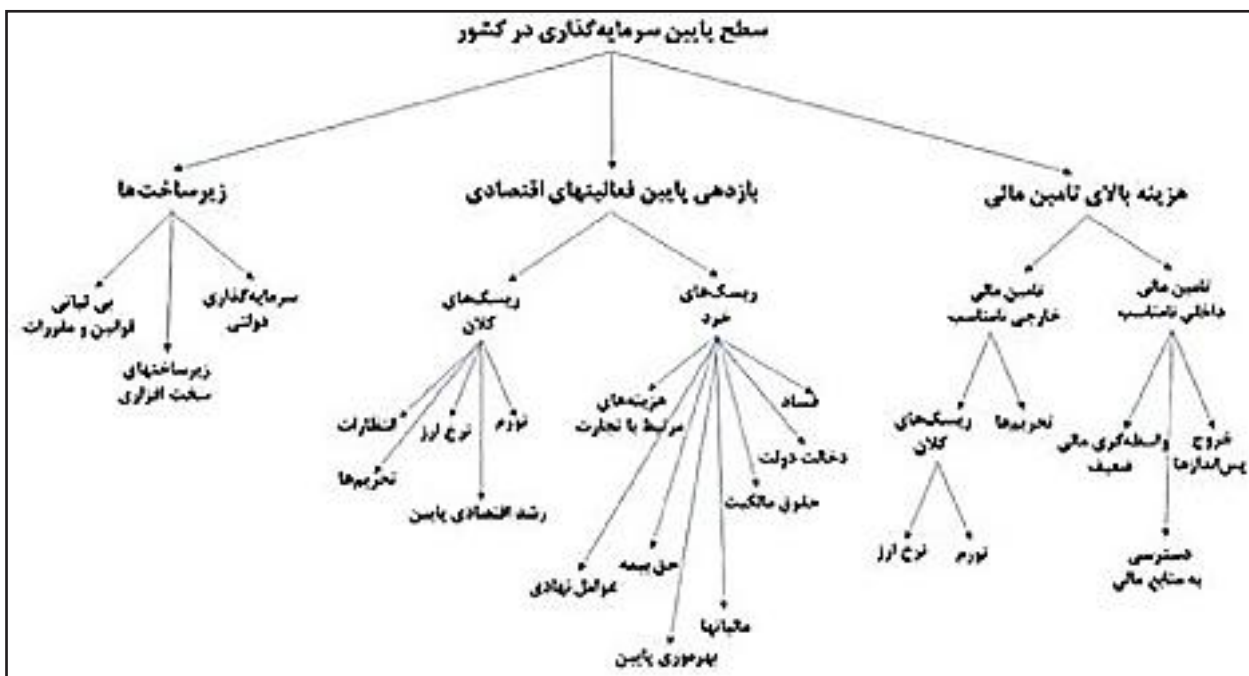


ماخذ: بانک مرکزی (برای سال ۱۴۰۱ رشد استهلاک سرمایه ۲,۵ درصد در نظر گرفته شده است)

در این گزارش سعی شده است محدودیت‌های رشد بر اساس چارچوبی که توسط اقتصاددانان ریکاردو هاسمن، دنی رودریک و آندرس و لاسکو ارایه شده تحلیل شود. آنها چارچوبی تحلیلی ارایه می‌کنند که طیفی از مسائلی را که رشد اقتصادی را محدود می‌کند شناسایی می‌کند. این چارچوب به سیاست‌گذاران، برنامه‌ریزان و متخصصان توسعه اجازه می‌دهد تا سرمایه سیاسی محدود، ظرفیت نهادی و منابع مالی خود را به سمت برداشتن یا کاهش شدیدترین محدودیت‌ها متمرکز کنند و در نتیجه در سطوح بالاتری از رشد اقتصادی قرار گیرند.

عوامل کاهش سرمایه‌گذاری‌ها

به‌طور خلاصه، بر اساس این چارچوب سطوح پایین سرمایه‌گذاری به سه دلیل هزینه بالای تامین مالی، بازدهی اجتماعی پایین فعالیت‌های اقتصادی و زیرساخت‌های ضعیف شکل می‌گیرد. شکل زیر این عوامل را به تصویر می‌کشد.



حمایت از فرآیند توسعه است، این روند نشان می‌دهد که فرآیند توسعه در کشور از این جنبه حمایت نمی‌شود.

*طی دوره ۱۴۰۰-۱۳۹۱ به‌طور متوسط حدود ۲۵ درصد از سرمایه‌گذاری‌ها توسط بخش دولتی و ۷۵ درصد نیز توسط بخش خصوصی صورت گرفته است. البته این روند همواره یکنواخت نبوده است بلکه سهم بخش دولتی از ۲۲ درصد در ابتدای دوره به ۱۹ درصد در انتهای دوره رسیده است. در واقع سهم بخش دولتی به عنوان بسترساز و سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌ها در طی دوره با کاهش مواجه شده است.

*رشد موجودی سرمایه‌های حاکمی از نزول آن در سال‌های پایانی دهه ۱۳۹۰ است. از سال ۱۳۹۸ به این سو رشد منفی موجودی سرمایه بر اقتصاد کشور سایه افکنده که این امر نشان می‌دهد که سرمایه‌گذاری صورت گرفته نه تنها برای رسیدن به سطح مطلوب انباشت سرمایه نبوده بلکه کفاف سرمایه‌های مستهلک شده نیز نداده است. پیامد این روند کاهش پتانسیل رشد GDP، رشد درآمد سرانه، رفاه و ظرفیت اشتغال در کشور است. از سوی دیگر کاهش سرمایه‌گذاری به ویژه در تحقیق و توسعه و گسترش فعالیت‌های اقتصادی (بزرگ شدن مقیاس تولید)، رشد بهره‌وری کل عوامل تولید را تحت الشعاع قرار می‌دهد و بدین ترتیب هر دو عامل تحریک رشد اقتصادی، با چالش رشد مواجه خواهند شد.

*تشکیل سرمایه ثابت خالص که در دهه هشتاد روندی صعودی داشت در دومین سال (۱۳۹۱) دهه نود با افت شدید مواجه شد و این روند در طول سال‌های بعد نیز تداوم یافت تا اینکه در سال ۱۳۹۷ به کمترین مقدار مثبت خود رسید و در سه سال بعد (۱۳۹۸-۱۴۰۰) با رشد منفی مواجه شده است. این بدان مفهوم است که تشکیل سرمایه ثابت ناخالص در این سال‌ها جبران استهلاک سرمایه را نکرده است و موجودی سرمایه به عنوان یکی از موتورهای رشد، خاموش شده و به عنوان عامل بازدارنده رشد اقتصادی بلندمدت ایفای نقش می‌کند.

*بررسی تشکیل سرمایه ثابت ناخالص به تفکیک ماشین‌آلات و ساختمان نشان می‌دهد که سهم ماشین‌آلات از کل از ۳۵.۷ درصد در سال ۱۳۹۰ به ۲۷.۳ درصد در سال ۱۳۹۹ کاهش و در مقابل سهم ساختمان از ۶۴.۳ درصد به ۷۲.۷ درصد افزایش یافته است که حاکی از گرایش سرمایه‌گذاری به سمت ساختمان است و بخش ماشین‌آلات که محرک تولید است با افت سهم مواجه شده است.

*سهم تشکیل سرمایه ثابت ناخالص از GDP به قیمت ثابت ۱۳۹۰ که در سال ۱۳۹۰ بالغ بر ۲۶.۸ درصد بود به ۱۹.۱ درصد در سال ۱۳۹۹ و سپس به ۱۶.۷ درصد در سال ۱۴۰۰ کاهش یافت (متوسط دوره ۲۳ درصد است). در سال ۲۰۲۱ متوسط جهانی این نسبت ۲۷ درصد بوده است. با توجه به اینکه سرمایه‌گذاری محرکی برای توسعه اقتصادی کشورهاست و نرخ سرمایه‌گذاری نشان‌دهنده تزریق سرمایه لازم برای

محدودیت‌های رشد سرمایه‌گذاری

شاخص خودتامینی (نسبت پس‌انداز به سرمایه‌گذاری) بالای یک نشان می‌دهد که کمبود پس‌اندازها یک محدودیت نیست. همچنین نرخ سود تسهیلات بسیار پایین‌تر از تورم کشور که باعث نرخ سود تسهیلات حقیقی منفی شود یک محدودیت رشد سرمایه‌گذاری به حساب نماید. بلکه دسترسی دشوار به منابع مالی جهت تامین مالی به ویژه در گروه بنگاه‌های کوچک و متوسط و نظام واسطه‌گری مالی ضعیف از محدودیت‌های سطح پایین سرمایه‌گذاری در کشور است. *تورم بالا و نوسانات ناگهانی نرخ ارز بدون برگشت‌پذیری توام با تحریم‌های بین‌المللی فضای اقتصاد کلان کشور را برای سرمایه‌گذاری خارجی پرریسک کرده است و سرمایه‌گذاران خارجی ترجیح می‌دهند در کشورهایی سرمایه‌گذاری کنند که از ریسک پایینی برخوردارند. *وجود ریسک‌های کلان در اقتصاد کشور بازدهی فعالیتهای اقتصادی کشور را پایین نگه داشته است. تورم بالا، رشد اقتصادی نزدیک به صفر، نوسانات شدید نرخ ارز، هزینه بالای تامین مواد اولیه ناشی از تحریم‌ها و وجود انتظارات تورمی در بیشتر سال‌ها، موجب شد ضمن نامناسب شدن فضای کسب و کار و کاهش امنیت سرمایه‌گذاری، اقتصاد کشور در دهه نود پیش‌بینی پذیر نباشد و فعالیتهای تولیدی از سطح بازدهی پایینی برخوردار شوند. بدین ترتیب سرمایه‌ها (مازاد پس‌انداز ملی نسبت به سرمایه‌گذاری) بخشی روانه بازارهای موازی (سوداگری مسکن، خودرو و ...) با ریسک یکسان و بازدهی بالاتر شوند و بخش دیگر در قالب فرار سرمایه از کشور خارج شوند. *در سطح خرد نیز مداخله دولت در بازار با کاهش سودآوری بنگاه‌ها، نظام مالیاتی و تامین اجتماعی، بهره‌وری پایین، رواج فساد، هزینه‌های بالای مرتبط با تجارت و عوامل نهادی ضعیف، فضای فعالیتهای تولید کالاها و خدمات را با چالش ریسک بالا مواجه کرده و با ایجاد هزینه‌های بالا در بنگاه‌ها، بازدهی آنها را کاهش داده است. *در نهایت زیرساخت‌های فیزیکی ضعیف در کشور، کاهش سرمایه‌گذاری دولتی به عنوان بسترسازی حضور بخش خصوصی در اقتصاد و بی‌ثباتی و شفافیت پایین قوانین و مقررات و تفسیرپذیری آنها، موجبات تضعیف فعالیتهای اقتصادی شده و انگیزه سرمایه‌گذاری در کشور را کاهش داده است.

اهم راهکارهای بهبود وضع موجود

*کنترل تورم به عنوان مهم‌ترین معضل اقتصاد کشور
*بخشی از چالش‌های اقتصادی کشور بدون تردید به تحریم‌های بین‌المللی مرتبط است و لذا به سرانجام رسیدن مذاکرات برجامی با در نظر گرفتن منافع ملی و پیوستن به گروه ویژه اقدام مالی مبارزه با پولشویی (FATF) باید در اولویت قرار گیرد.
*تثبیت نرخ ارز حقیقی: پیشنهاد می‌شود ضمن اجرایی شدن بند «ت» ماده ۲۰ قانون احکام دائمی برنامه‌های توسعه، متوسط نرخ ارز حقیقی در انتهای برنامه هفتم به میزان ۱۰ درصد از مقدار متوسط سال ۱۴۰۱ اختلاف داشته باشد.
*به منظور توسعه، تعمیر و نگهداشت زیرساخت‌ها، پیشنهاد می‌شود با استفاده از ظرفیتهای قانونی زمینه سرمایه‌گذاری صندوق توسعه ملی در توسعه زیرساخت‌ها با مشارکت بخش خصوصی مهیا شود؛

*بهبود شاخص فضای کسب و کار، شاخص حکمرانی خوب و شاخص رقابت‌پذیری جهانی در برنامه هفتم توسعه درج و نسبت به کاهش سالانه ۱۰ (رتبه‌ای هر کدام اقدام شود؛
*بهبود بهره‌وری کل عوامل تولید، بهره‌وری کار و سرمایه.

نتیجه‌گیری و توصیه‌های سیاستی

۱. یکی از مهم‌ترین اهداف اقتصادی کشورها، ایجاد شرایط لازم جهت افزایش تولید ناخالص داخلی و رشد اقتصادی می‌باشد. از جمله شرایط لازم جهت افزایش تولید و رشد اقتصادی، سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌های اقتصادی است. سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌های اقتصادی به‌طور کلی با افزایش بهره‌وری عوامل تولید، گسترش محدوده بازار، تعادل عرضه و تقاضا، ایجاد اثرات جانبی، ایجاد شرایط رقابتی بهتر و همچنین افزایش سطح رفاه باعث افزایش تولید و رشد اقتصادی می‌شوند. اهداف این تحقیق بررسی اثر سرمایه‌گذاری سرانه نیروی کار در زیرساخت‌های اقتصادی روی تولید ناخالص داخلی بدون نفت سرانه نیروی کار و همچنین بررسی رابطه متقابل سرمایه سرانه نیروی کار و بدون نفت سرانه نیروی کار و سرمایه‌گذاری سرانه نیروی کار در زیرساخت‌های اقتصادی می‌باشد.

۲. در بلندمدت اثر سرمایه‌گذاری سرانه نیروی کار در زیرساخت‌های اقتصادی روی تولید ناخالص داخلی بدون نفت سرانه نیروی کار مثبت می‌باشد و سرمایه‌گذاری سرانه نیروی کار در زیرساخت ارتباطات بیشترین تاثیر و سرمایه‌گذاری سرانه نیروی کار در زیرساخت انرژی کمترین تاثیر را روی تولید ناخالص داخلی بدون نفت سرانه نیروی کار ایران دارد و در کوتاه‌مدت هیچ رابطه معنی داری بین رشد اقتصادی بدون نفت سرانه نیروی کار و رشد سرمایه‌گذاری سرانه نیروی کار در زیرساخت‌های اقتصادی وجود ندارد ولی اثر رشد سرمایه سرانه نیروی کار، روی رشد اقتصادی بدون نفت سرانه نیروی کار و سرمایه‌گذاری سرانه نیروی کار در زیرساخت‌ها معنی دار و مثبت می‌باشد.

۳. با توجه به اثر قابل توجه سرمایه‌گذاری سرانه نیروی کار در زیرساخت‌ها روی تولید ناخالص داخلی بدون نفت سرانه نیروی کار در بلندمدت، ضروری می‌باشد که دولت با در نظر گرفتن افزایش جمعیت در سال‌های آتی، با ایجاد زمینه افزایش سرمایه‌گذاری سرانه نیروی کار در زیرساخت‌ها توسط بخش دولتی و بخش خصوصی (در زمینه‌هایی که امکان سرمایه‌گذاری توسط بخش خصوصی به دلیل شرایط بازار یا تامین مالی وجود دارد)، شرایط افزایش تولید سرانه نیروی کار و در نتیجه رفاه اقتصادی را ایجاد نماید.

۴. با توجه به پایین بودن سطح سرمایه‌گذاری سرانه نیروی کار در زیرساخت ارتباطات و اثرگذاری بیشتر سرمایه‌گذاری در زیرساخت ارتباطات نسبت به سایر زیرساخت‌ها روی تولید سرانه نیروی کار در بلندمدت، به نظر می‌رسد که می‌توان با افزایش نسبی سرمایه‌گذاری در زیرساخت ارتباطات زمینه افزایش تولید سرانه نیروی کار را ایجاد نمود.

۵. با توجه به اثرگذاری کمتر سرمایه‌گذاری در زیرساخت انرژی نسبت به سایر زیرساخت‌ها روی تولید ناخالص داخلی بدون نفت کشور در بلندمدت، به نظر می‌رسد که می‌توان با افزایش سرمایه‌گذاری بیشتر

۸. اثر سرمایه‌گذاری در زیرساخت ارتباطات روی تولید ناخالص داخلی بدون نفت در بلندمدت نسبت به زیرساخت‌های حمل و نقل و انرژی بیشتر می‌باشد، به‌طوری‌که یک درصد افزایش در سرمایه‌گذاری سرانه نیروی کار در زیرساخت ارتباطات باعث افزایش ۲۷/۰ درصدی در تولید ناخالص داخلی بدون نفت سرانه نیروی کار در بلندمدت می‌شود. ۹. اثر سرمایه‌گذاری در زیرساخت حمل و نقل روی تولید ناخالص داخلی در بلندمدت مثبت می‌باشد به‌طوری‌که یک درصد افزایش در سرمایه‌گذاری سرانه نیروی کار در زیرساخت حمل و نقل باعث افزایش ۲۳/۰ درصدی در تولید ناخالص داخلی بدون نفت سرانه نیروی کار در بلندمدت می‌شود.

۱۰. اثر سرمایه‌گذاری در زیرساخت انرژی روی تولید ناخالص داخلی در بلندمدت نسبت به زیرساخت‌های حمل و نقل و ارتباطات کمتر می‌باشد، به‌طوری‌که یک درصد افزایش در سرمایه‌گذاری سرانه نیروی کار در زیرساخت انرژی باعث افزایش ۱۶/۰ درصدی در تولید ناخالص داخلی بدون نفت سرانه نیروی کار در بلندمدت می‌شود.

۱۱. اثر سرمایه‌گذاری سرانه نیروی کار روی تولید ناخالص داخلی بدون نفت در بلندمدت مثبت می‌باشد به‌طوری‌که یک درصد افزایش در سرمایه‌گذاری سرانه نیروی کار باعث افزایش ۰۰/۱ درصدی در تولید ناخالص داخلی نیروی کار می‌شود.

۱۲. در کوتاه‌مدت سرمایه‌گذاری سرانه نیروی کار در زیرساخت‌ها هیچ اثر معنی‌داری روی تولید ناخالص داخلی بدون نفت سرانه نیروی کار ندارد.

۱۳. در کوتاه‌مدت سرمایه‌گذاری سرانه نیروی کار در زیرساخت‌ها هیچ اثر معنی‌داری روی سرمایه‌گذاری سرانه نیروی کار ندارد.

در قسمت‌های خاصی از زیرساخت انرژی همانند صنایع پالایشگاهی، ضمن رونق بخشیدن به صنایع جانبی و وابسته، زمینه افزایش ارزش افزوده بیشتری نسبت به فروش و صادرات نفت و گاز خام در کشور ایجاد نمود و در نتیجه باعث اثرگذاری بیشتر زیرساخت‌های انرژی شد. علاوه بر این با توجه به اینکه قسمت بسیار زیادی از انرژی تولید شده در ایران در بخش غیرتولیدی مصرف می‌شود اگر زمینه کاهش مصرف انرژی در بخش غیرتولیدی براهکارهایی همانند افزایش تدریجی قیمت انرژی و افزایش بهره‌وری از انرژی تولید شده، ایجاد شود، سرمایه‌گذاری در زیرساخت انرژی از اثربخشی بیشتری روی تولید سرانه نیروی کار برخوردار می‌شود.

۶. با توجه به موقعیت جغرافیایی بسیار مناسب و گستردگی سرزمین ایران، با ایجاد شبکه حمل و نقل مناسب‌تر علاوه بر بهبود وضعیت ترانزیت داخلی، می‌توان زمینه افزایش ترانزیت خارجی از خاک ایران را افزایش داد تا ضمن افزایش بهره‌وری زیرساخت‌های حمل و نقل، تولید سرانه نیز افزایش یابد.

۷. با توجه به اینکه در کوتاه‌مدت سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌ها اثر معنی‌داری روی تولید سرانه نیروی کار و سرمایه‌گذاری سرانه نیروی کار ندارد، می‌توان دلایل عمده آن را طولانی شدن اجرای طرح‌های زیرساختی، خارج شدن منابع از سایر بخش‌ها با افزایش سرمایه‌گذاری در طرح‌های زیرساختی و نحوه تأمین مالی سرمایه‌گذاری در طرح‌های زیرساختی نام برد. در نتیجه به نظر می‌رسد با کم کردن زمان اجرای طرح‌های زیرساختی و تأمین مالی مناسب همانند تأمین مالی خارجی، بتوان اثربخشی سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌ها را روی تولید حتی در کوتاه‌مدت افزایش داد.



مروری بر عملکرد سرمایه‌گذاری در ایران از منظر متغیرهای پولی



را تهدید می‌کند (در سال ۱۳۹۹ و ۱۴۰۰ بانک مرکزی نرخ تورم را به ترتیب ۴۷/۱ و ۴۶/۲ درصد اعلام کرده است) و حجم نقدینگی به سرعت در حال افزایش است. استقرار دولت از سیستم بانکی در سال ۱۴۰۰ افزایش شدیدی داشته (تنها استقرار از بانک مرکزی به ۱/۷۸۶/۶۰۰، وام‌های جاری دولت از ۹۰۰۰ میلیارد ریال در سال ۱۳۹۹ به ۱۳/۲۰۰ میلیارد ریال در سال ۱۴۰۰ رسیده است، در بخش واقعی اقتصاد شاخص موجودی سرمایه بخش صنعت در سه سال ۱۳۹۸، ۱۳۹۹ و ۱۴۰۰ به طور مرتب کاهش یافته و موجودی سرمایه کل کشور نیز می‌رود تا مسیر نزولی در پیش گیرد. حجم نقدینگی در سال ۱۴۰۰ به ۴۸/۳۲۴/۴۰۰ میلیارد ریال افزایش یافته و تولید ناخالص داخلی دچار نوسان است و مقدار آن از ۲/۳ تریلیون ریال در سال ۱۳۹۶ به ۲/۲۵ تریلیون ریال در سال ۱۴۰۰ کاهش یافته است. هزینه‌های مصرفی دولت که جزیی از تقاضای کل است دچار نوسان شدید است و مقدار آن از ۲۱۸/۱۲۸ میلیارد ریال در سال ۱۳۹۸ به رقم ۱۹۹/۰۸۸ میلیارد ریال کاهش یافته و هنوز در سال ۱۴۰۰ نتوانسته به رقم سال ۱۳۹۸ برسد. میزان سرمایه‌گذاری در اقتصاد به شدت کاهش یافته و اقتصاد می‌رود تا به شرایط ابر تورم (hyperinflation) و رشد منفی و سقوط کامل نزدیک شود.

کاهش سرمایه‌گذاری کل در اقتصاد، دومین نشانه رکود عمیق و سنگینی خواهد بود که در پیش است.

ناگفته نماند در این میان نقش بانک‌ها و واسطه‌گران مالی از اهمیت بالایی برخوردار است. ترازنامه آنها سرشار از وام‌های معوق، مشکوک‌الوصول و سررسید گذشته است که ریسک زیادی را متوجه نظام بانکی و کل اقتصاد نموده، هر چند در نظریه اقتصاد کلان سنتی نقشی برای بانک‌ها و واسطه‌گران مالی در نظر گرفته نمی‌شد اما حالا در قلب نظریه اقتصاد کلان قرار گرفته‌اند و همه بعد از بحران مالی سال ۲۰۰۸ به اهمیت نقش آنها و نجات سیستم بانکی برای جلوگیری از یک بحران بزرگ دیگر تاکید دارند.

نخستین شاخص قابل توجه در این حوزه بدهی بخش دولتی به

سرمایه‌گذاری از مهم‌ترین متغیرهای کلان اقتصادی محسوب می‌شود و متاثر و در ارتباط با سایر متغیرهای پولی و مالی، سیاسی و ساختاری قرار دارد، با توجه به اهمیت سرمایه‌گذاری در مباحث اقتصاد کلان و نقش آن در رشد و توسعه اقتصادی کشور اقدامات متعددی با هدف تأمین مالی پروژه‌ها، انتقال تکنولوژی و... انجام شد که از جمله آن می‌توان به تخصیص اعتبارات خاص، اعطای یارانه، اعطای معافیت‌های مالیاتی، اجرای طرح‌ها و پروژه‌های مهم سرمایه‌گذاری، تصویب قانون تشویق و حمایت از سرمایه‌گذاری خارجی، تصویب قانون سیاست‌های کلی اصل ۴۴ اشاره نمود

انتظار می‌رفت جذب سرمایه‌گذار داخلی و خارجی روند رو به رشدی به خود بگیرد اما به دلیل مسائل و چالش‌های متعدد همچون مقررات بازدارنده، بالا بودن زنبه زیسک کشور در فعالیتهای تولیدی، حاکمیت اقتصاد دولتی، ناکافی بودن بسترها و زیرساخت‌های فیزیکی، بوروکراسی زائد اداری، وجود ذهنیت‌های منفی به اوضاع اقتصادی و امنیتی کشور، نامطلوب بودن فضای کسب و کار، تحریم‌های اقتصادی، مسائل و مشکلات جهانی و ناکارآمدی سیستم بانکی این انتظارات محقق نشد. در این گزارش تلاش شده از دریچه بخش پولی مالی، بخش واقعی و سرمایه‌گذاری مورد بررسی قرار گیرد.

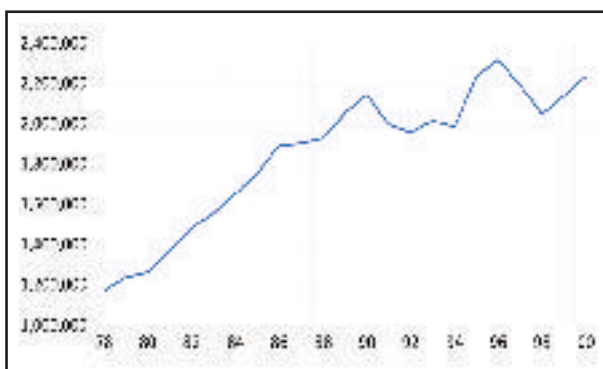
آنچه که در این گزارش تحلیلی از اهمیت بالایی برخوردار است توجه به این مهم است که بعد از بحران مالی بزرگ سال ۲۰۰۸ در امریکا مشخص شد واسطه‌گران مالی و بانک‌ها نقش مهمی در اجرای سیاست پولی دارند. سیاست پولی به‌طور سنتی بدون در نظر گرفتن نقش این واسطه‌گران و بانک‌ها تنظیم می‌شد اما اکنون وضع فرق کرده است (مایکل ویکنز (۱) فصل ۱۵). نکته دوم اینکه بین کشورها، بخش‌ها و بازارها مرتباً یکپارچگی افزایش یافته و هر تغییری در یکی می‌تواند اثر سرریزی بر دیگر بخش‌ها داشته باشد و کل سیستم اقتصادی را متلاطم کند. اگر چه کشور ما یکپارچگی چندانی با اقتصاد جهانی ندارد اما اتفاقاً می‌توان گفت همین جدا ماندگی، بخش‌های مالی و اقتصادی را به شدت بیشتری با یکدیگر در پیوند قرار داده و هر نوسانی در یکی، می‌تواند اثر مهمی بر مابقی اقتصاد و بخش‌ها و بازارها داشته باشد.

تحلیل آماری متغیرهای کلان اقتصادی با تاکید بر سرمایه‌گذاری در بخش واقعی (داده‌های بانک مرکزی تا سال ۱۴۰۰)

در حال حاضر اقتصاد ایران در وضعیت بسیار نامساعدی قرار دارد. تورم بالا و رکود اقتصادی راه را برای یک بحران جدی مالی اقتصادی گشوده و هر آن احتمال می‌رود این پدیده ناخوشایند رخ دهد. در این بین بخش بانکی، بخشی که به راحتی می‌تواند بحران مالی را به بخش واقعی اقتصاد منتقل کند در وضعیت نامساعدی قرار دارد و فشار دولت برای وام‌گیری از آن زیاد است. تورم تازنده اقتصاد ایران

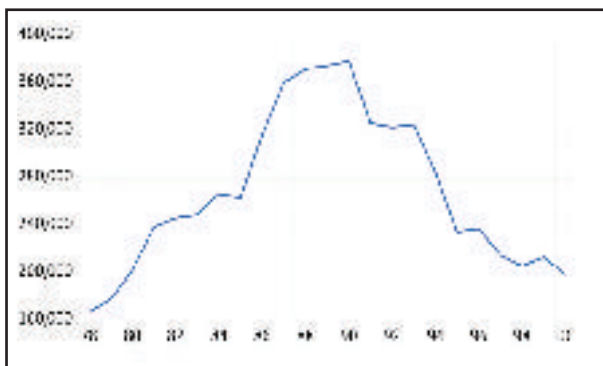
۱۴۰۰ نگره داشته، که باز هم ریسک‌های بانکی را افزایش داده، با توجه به تورم بالا، گویا دولت می‌خواهد با ایجاد تورم ارزش این بدهی‌ها را کم کرده و سیستم بانکی را نجات دهد،

در چنین وضعیتی بخش واقعی اقتصاد شرایط وخیم‌تری را سپری می‌کند است. نخست به نمودار تولید ناخالص داخلی (gdp) توجه کنید از سال ۱۳۹۵ به بعد کاهش نشان می‌دهد و هنوز در سال ۱۴۰۰ به رقم سال ۱۳۹۵ نرسیده است.



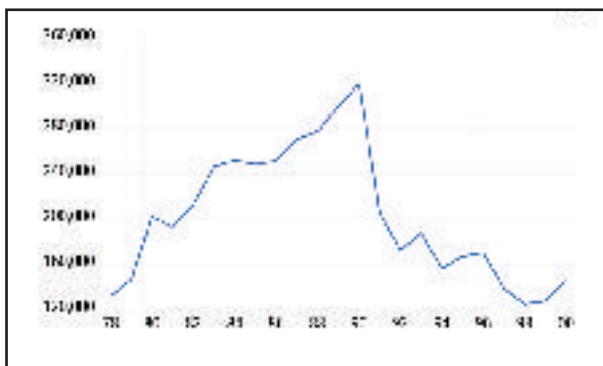
نمودار (۳-۲) - gdp واقعی به سال پایه ۱۳۸۳

این شرایط وخیم قابلیت درک بیشتری دارد، اگر به نمودارهای سرمایه‌گذاری کل توجه کنید که کاهش شدیدی نشان می‌دهد.



نمودار (۴-۲) سرمایه‌گذاری براساس سال پایه ۱۳۸۳

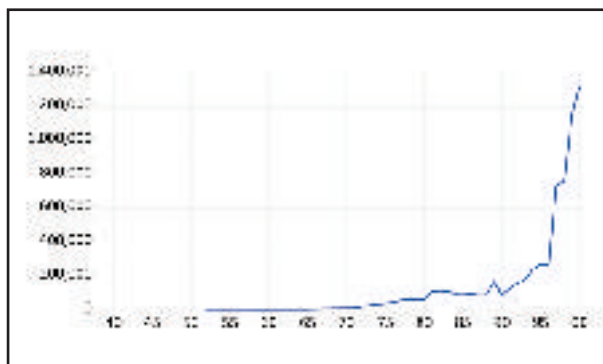
سرمایه‌گذاری در ماشین‌آلات بسیار بدتر شده و از سال ۱۳۹۰ به بعد به شدت کاهش یافته است.



نمودار (۵-۲) سرمایه‌گذاری در ماشین‌آلات

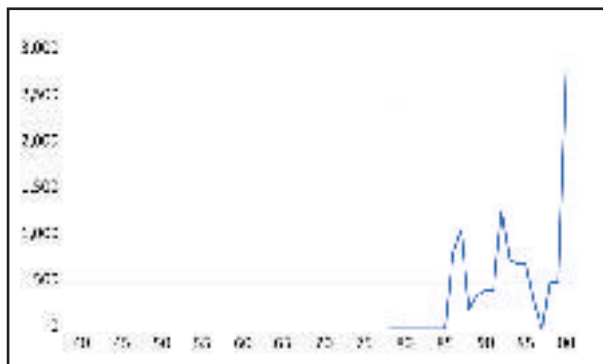
نمودارهای بالا نشان می‌دهد بخش صنعت که این همه برای رشد اقتصادی بر روی آن حساب می‌کنند در فشار شدید قرار دارد.

بانک مرکزی است که در سال ۱۴۰۰ به شدت افزایش یافته است نمودار (۱-۲). همچنین بدهی سیستم بانکی به بانک مرکزی نیز افزایش یافته است.



نمودار (۱-۲) - بدهی دولت به بانک مرکزی

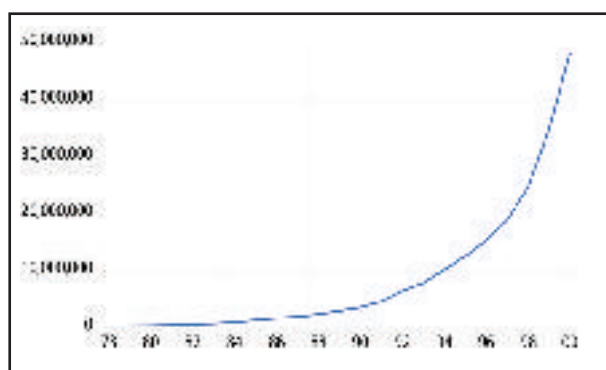
که هر دوی اینها (متغیرهای مذکور) در پایه پولی وارد می‌شود و سبب افزایش زیاد حجم نقدینگی می‌گردد (بدهی شرکت‌های دولتی به بانک مرکزی نیز افزایش زیادی داشته). به علاوه بدهی مشکوک‌الوصول دولت به سیستم بانکی نیز تا سال ۱۴۰۰ با روند صعودی افزایش یافت. البته بانک مرکزی مطالبات معوق سیستم بانکی از دولت را برای سال‌های ۱۳۹۴ تا ۱۴۰۰ صفر اعلام کرده است، یعنی دولت مطالبات معوق را تسویه کرده است.



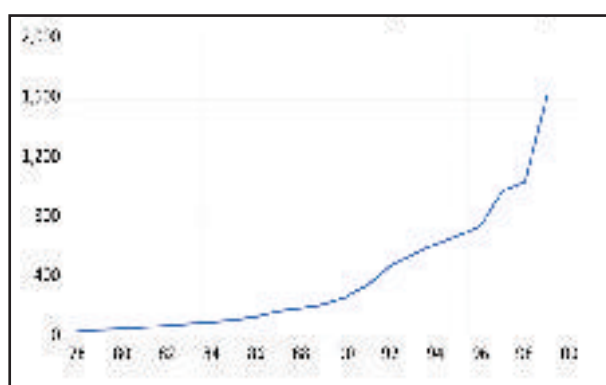
نمودار (۲-۲) - بدهی‌های مشکوک‌الوصول بخش دولتی به سیستم بانکی

همچنین بدهی‌های مشکوک‌الوصول، و سررسید گذشته بخش دولتی به سیستم بانکی افزایش زیادی داشته که همه این موارد بانک‌ها را در معرض ریسک شدید قرار داده و در صورت شوک پولی همه آنها از پا درخواهند آمد. شواهد حاکی از آن است به‌طور کلی بدهی بخش غیر دولتی به سیستم بانکی نیز با سرعت زیادی افزایش یافته است.

افزایش بدهی‌های مشکوک‌الوصول دولت به بانک‌ها در سال ۱۴۰۰ به بالاترین میزان و افزایش بدهی حاری دولت در سال ۱۳۹۶ از ۸۰۰ میلیارد ریال به ۱۳۲۰۰ میلیارد ریال در سال ۱۴۰۰. نشان از چنگ انداختن دولت به منابع بانکی دارد، در این میان بانک مرکزی نرخ بهره و نرخ سود تسهیلات یک ساله را همچنان در سطح ۱۶ درصد در سال



نمودار (۱۰-۲) حجم نقدینگی



نمودار (۱۱-۲) - شاخص قیمت مصرف کننده به سال پایه ۱۳۸۳

مجموع وام‌های بانکی معوق و مشکوک‌الوصول و سررسید گذشته توام با نقدینگی فزاینده تورم شدیدی به دنبال خواهد داشت مگر آنکه اقدام سریعی صورت گیرد. از نمودارها مشخص است که همه چیز بعد از سال‌های ۱۳۸۴-۸۵ رو به افول گذاشته است. با مشاهده نمودارهای فعلی از مسیر حرکت متغیرهای مهم اقتصاد کلان در یافتیم اقتصاد در وضعیت بحرانی قرار دارد و باید به سرعت اقدام کرد.

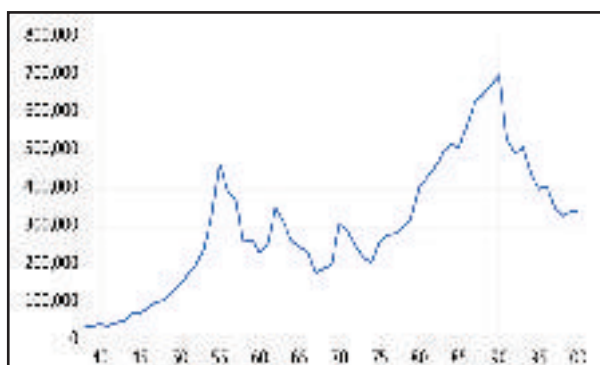
حجم نقدینگی در اقتصاد به‌طور افسار گسیخته در حال افزایش است و استقراض دولت از بانک مرکزی نیز با نرخ رشد تندی به بالا می‌رود.

اقتصاد در حال رکود تومی شدید است این وضعیت اثرات نامطوب خود را بر سایر بخش‌های واقعی اقتصاد بالاخص سرمایه‌گذاری خواهد گذاشت از این رو ضرورت دارد سیاست‌گذاران راهکارهای مناسبی را بخش پولی و مالی بالاخص کنترل حجم نقدینگی اتخاذ نمایند تا بستری مناسب برای رشد بخش واقعی اقتصاد و افزایش سرمایه‌گذاری صورت گیرد.

پاورقی

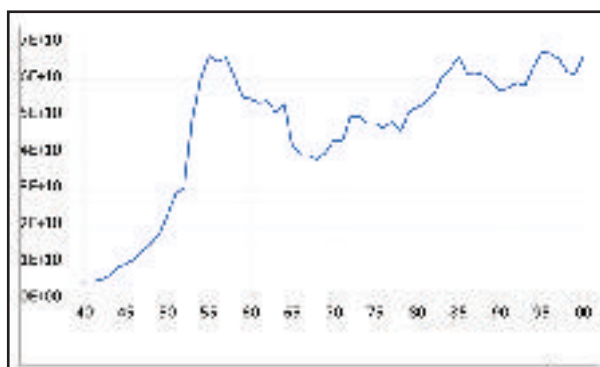
Macroeconomic (2011) Wickens, Michael -1 Theory, a dynamic stochastic general equilibrium approach, Princeton University Press. ch 15.

اگر این آمارها را در چشم‌انداز تاریخی ۱۴۰۰-۱۳۳۸ در نظر بگیرید. سرمایه‌گذاری چنان سقوط کرده که در سال ۱۴۰۰ حتی از رقم سال ۱۳۵۲ نیز پایین‌تر است.



نمودار (۶-۲) سرمایه‌گذاری کل از سال ۱۳۳۸-۱۴۰۰

وقتی اقتصادی بخواهد وارد رکود شود اولین متغیری که کاهش می‌یابد سرمایه‌گذاری است. یعنی یک جز مهم تقاضای کل. دومین جزو هزینه‌های مصرفی دولتی است که وضعیت بسیار بدتری را نشان می‌دهد. این متغیر از سال ۱۳۸۵ سقوط کاملی داشته که تا سال ۱۳۹۱ ادامه دارد. یعنی در اوج درآمدهای نفتی و نفت بشکه‌ای ۱۴۰ دلار دولت دومین جز تقاضای کل را نیز کاهش داده که ضربه بسیار جدی‌تری به اقتصاد است. این متغیر از سال ۱۳۹۵ تا ۱۴۰۰ دچار نوسان است و دولت نتوانسته آن را تثبیت کند.



نمودار (۷-۲)

هزینه‌های مصرفی دولتی واقعی ۱۳۳۸-۱۴۰۰

تصویر باز هم بدتر خواهد شد اگر همین متغیر را در بعد تاریخی آن نگاه کنید که نشان می‌دهد میزان مصرف دولتی در سال ۱۴۰۰ حتی از سال ۱۳۵۲ نیز پایین‌تر است.

دو متغیر مهم موجودی سرمایه کل کشور و موجودی سرمایه بخش صنعت. دومی در سه سال آخر کاهش داشته و اولی هم می‌رود که کاهش یابد.

در کنار موارد مذکور، دو متغیر از بخش پولی اقتصاد، حجم نقدینگی و دیگری شاخص قیمت مصرف کننده، هر دو با شیب بسیار تندی افزایش یافتند. که حاکی از نامعلوم بودن سرنوشت درآمدهای ارزی است.



ارزیابی آرزوهای اقتصادی پوتین

تجاری این کشور اکنون به روبل است، زیرا سهم دلار، یورو و سایر ارزهای غربی «غیردوستانه» کاهش یافته است.»

پوتین در این سخنرانی اشاره به ائتلاف اقتصادی با بازارهای نوظهور که شامل برزیل، روسیه، هند، چین و آفریقای جنوبی است، افزود: «روسیه به دنبال افزایش سهم تسویه حساب‌های انجام شده با ارز کشورهای بریکس است.»

رئیس‌جمهور روسیه برنامه‌های خود را برای بازنگری اساسی در بازار مالی داخلی این کشور، از جمله برنامه‌هایی برای دو برابر کردن ارزش بازار سهام روسیه تا پایان دهه، کاهش واردات و افزایش سرمایه‌گذاری در دارایی‌های ثابت، تشریح کرد.

اظهارات او در حالی است که کرملین از SPIEF برای ایجاد روابط جدید با کشورهای آسیایی، امریکای لاتین و آفریقا استفاده می‌کند. غرب در پاسخ به تهاجم تمام‌عیار مسکو به اوکراین در فوریه ۲۰۲۲، به دنبال قطع اقتصاد ۲ تریلیون دلاری روسیه بوده است. صندوق بین‌المللی پول در چشم‌انداز اقتصاد جهانی خود در آوریل اعلام کرد که انتظار دارد روسیه در سال ۲۰۲۴ رشد ۳۰۲ درصدی داشته باشد

مهدی نوری چورتی - پوتین از مجمع سنت پترزبورگ به عنوان ویتروینی برای تبلیغ توسعه روسیه و جست‌وجوی سرمایه‌گذاران خارجی استفاده می‌کند. این رویداد با حضور خبرنگاران بین‌المللی در مقر جدید جهانی گازپروم، یک آسمان خراش ۸۱ طبقه سوزنی شکل که مشرف به خلیج فنلاند است، برگزار شد. سال گذشته، روزنامه‌نگاران کشورهایی که روسیه آنها را غیردوست می‌داند - از جمله ایالات متحده، بریتانیا و اتحادیه اروپا - دعوت نشدند و مقامات و سرمایه‌گذاران غربی نیز پس از اعمال تحریم‌های گسترده علیه مسکو بر سر اوکراین، در این نشست حضور نداشتند.

پوتین طی سخنانی در مجمع بین‌المللی اقتصادی سن پترزبورگ (SPIEF) خاطرنشان کرد که «کشورهای دوست روسیه آنهایی هستند که شایسته توجه ویژه هستند زیرا آینده اقتصاد جهانی را تعریف می‌کنند، و آنها در حال حاضر سه چهارم حجم تجارت اقتصاد ما را تشکیل می‌دهند.»

پوتین گفت که «پرداخت‌های صادراتی روسیه به ارزهای به اصطلاح «سمی» کشورهای غیردوست طی سال گذشته به نصف کاهش یافته است... تقریباً ۴۰ درصد از مبادلات



چرخش محافظه کارانه الکساندر دوگین

تحلیف رئیس‌جمهور پوتین مرحله جدیدی در تاریخ روسیه است. برخی خطوط دوره‌های قبل قطعاً به مثابه سابق ادامه خواهد داشت. برخی به آستانه بحرانی خواهند رسید تا چیز جدیدی ظهور کند. من می‌خواهم توجه را به جنبه ایدئولوژیک جلب کنم که می‌تواند به یک مسیر اساسی برای توسعه بیشتر روسیه در زمینه بین‌المللی تبدیل شود.

در رویارویی شدید ما با غرب، که در آستانه یک درگیری هسته‌ای و جنگ جهانی سوم قرار داریم، مشکل ارزش‌ها به‌طور فزاینده‌ای نمایان می‌شود. جنگ در اوکراین فقط یک درگیری بین دولت‌ها با منافع ملی کاملاً منطقی آنها نیست، بلکه برخورد تمدن‌هایی است که به‌شدت از نظام ارزشی خود دفاع می‌کنند. امروز با قاطعیت می‌توان گفت که روسیه بالاخره دیدگاه خود را بر حفاظت از ارزش‌های سنتی به اجرا گذاشته است و به وسیله آنها فرآیندهای اساسی تقویت هویت تمدنی و حاکمیت ژئوپلیتیکی خود را به هم مرتبط می‌کند. ما فقط در مورد منافع مختلف افراد در یک تمدن - غربی - صحبت نمی‌کنیم، زیرا تا همین اواخر هنوز یک کشمکش وجود داشت که براساس آن می‌توان تضاد فزاینده بین روسیه و غرب جمعی را تفسیر کرد. اکنون آشکار است که دو نظام ارزشی با یکدیگر برخورد کرده‌اند.

غرب جمعی مدرن قویاً بر این باور است: فردگرایی مطلق؛ LGBT و سیاست جنسیتی؛ جهان وطنی؛ چندفرهنگ‌گرایی؛ پسانسان‌گرایی؛ مهاجرت نامحدود؛ نابودی همه اشکال هویت؛

نظریه انتقادی نژاد (بر اساس آن مردمان قبلاً تحت ستم حق دارند به نوبه خود سرکوبگران سابق خود را سرکوب کنند)؛

که از نرخ رشد پیش‌بینی شده ۲۰۷ درصدی ایالات متحده (۲۰۷ درصد) فراتر خواهد رفت. پیش‌بینی می‌شود که آلمان، فرانسه و بریتانیا رشد اقتصادی کمتر از یک درصد را تجربه کنند. روسیه می‌گوید تحریم‌های غرب بر صنایع حیاتی روسیه، این کشور را خودکف‌تر کرده است و مصرف خصوصی و سرمایه‌گذاری داخلی همچنان انعطاف‌پذیر است. صادرات مداوم نفت و کالا به کشورهایمانند هند و چین، و همچنین ادعای دور زدن تحریم‌ها و قیمت بالای نفت، به مسکو اجازه داده است تا درآمدهای صادراتی نفت خود را حفظ کند.

پوتین پیش از این در یک سخنرانی گفت که اقتصاد روسیه با وجود تحریم‌های شدید بین‌المللی در حال رشد است و بیان کرد که مسکو روابط اقتصادی رو به رشدی با کشورهای آفریقا، خاورمیانه و آسیا دارد.

پوتین گفت «روسیه یکی از شرکت‌کنندگان کلیدی در تجارت جهانی باقی می‌ماند»، علی‌رغم این واقعیت که این کشور به دلیل اعزام نیرو به اوکراین و قطع بسیاری از تجارت روسیه با اروپای غربی، ایالات متحده و متحدان آنها تحت تحریم‌های گسترده‌ای قرار دارد.

جنگ اوکراین

از زمانی که روسیه تهاجم تمام عیار خود را بیش از دو سال پیش آغاز کرد، نبردها در اوکراین شدت گرفته است و نیروهای مسکو در هفته‌های اخیر از پیشروی‌های تاکتیکی در شمال و شمال شرق اوکراین دفاع می‌کنند.

رهبران غربی روز پنجشنبه هشتمادمین سالگرد D-Day را با یک تجمع پرشور برای حمایت مستمر از اوکراین جشن گرفتند. جو بایدن، رئیس‌جمهور ایالات متحده در مراسم بزرگداشت بین‌المللی D-Day گفت که «به سادگی غیرقابل تصور» است که در برابر تجاوز روسیه سر تعظیم فرود بیاورد و متعهد شد که حمایت ایالات متحده از این کشور اروپای شرقی را متوقف نکند. امانوئل ماکرون، رئیس‌جمهور فرانسه، در تمجید از نیروهای اوکراینی به دلیل شجاعت آنها در مبارزه با نیروهای روسیه، به بایدن پیوست و افزود: «ما اینجا هستیم و عقب نخواهیم نشست.»

ولادیمیر زلنسکی، رئیس‌جمهور اوکراین که در این مراسم در ساحل اوماها نیز حضور داشت.



فلسفه نسبیتی و نیهیلیستی پست مدرنیسم

غرب بی‌رحمانه تاریخ خود را سانسور می‌کند، کتاب‌ها و آثار هنری را ممنوع می‌کند. علاوه بر این، توسعه فناوری‌های دیجیتال و شبکه‌های اینترنتی، انتقال ابتکار عمل دولت در مقیاس جهانی از بشریت به هوش مصنوعی را در دستور کار قرار داده است - و تعدادی از نویسندگان غربی در حال حاضر این را به عنوان یک موفقیت باورنکردنی و فرا رسیدن لحظه تکنیکی که مدت‌ها منتظرش بودند، تمجید می‌کنند. برخلاف همه اینها، روسیه پوتین مستقیماً با مجموعه ارزش‌های کاملاً متفاوتی مخالف است که بسیاری از آنها در فرمان شماره ۸۰۹ مورخ ۹ نوامبر ۲۰۲۲ قانونگذاری شده‌اند. روسیه قاطعانه از موارد ذیل دفاع می‌کند: هویت جمعی در مقابل فردگرایی؛ میهن‌پرستی در مقابل جهان‌وطن‌گرایی؛ خانواده سالم در برابر قانونی شدن انحراف؛ دین در برابر پوچ‌گرایی، ماتریالیسم و نسبی‌گرایی؛ آزمایش‌های انسانی در مقابل پسانسان‌گرایی؛ هویت ارگانیک در برابر فرسایش آن؛ حقیقت تاریخی در مقابل جایگزینی فرهنگ. دو جهت‌گیری متضاد وجود دارد، علاوه بر این، دو ایدئولوژی متضاد و نظام جهان‌بینی هم وجود دارد. روسیه سنت را انتخاب می‌کند، غرب، برعکس، همه‌چیز غیرسنتی و حتی ضد سنتی را انتخاب می‌کند. این باعث می‌شود که درگیری در اوکراین، جایی که این دو تمدن در یک نبرد تلخ و سرنوشت‌ساز با یکدیگر روبرو شدند، چیزی بسیار بیشتر از یک تضاد منافع ساده باشد. نکته اصلی این است

که دو مدل برای توسعه بیشتر بشریت در تضاد قرار گرفته‌اند - در مسیر لیبرال، جهانی‌گرایی، ضد سنتی غرب مدرن یا در امتداد یک مسیر بدیل، چندقطبی، چند مرکزی با حفظ سنت و ارزش‌های سنتی. که روسیه برای آن می‌جنگد. و اینجا زمان آن است که توجه داشته باشیم که جهان چندقطبی، که روسیه در مرحله قبلی حکومت پوتین به آن اعلام وفاداری کرد، تنها در صورتی معنا پیدا می‌کند که هر قطب، هر تمدن (امروزه به وضوح در بریکس نشان داده می‌شود) حق داشتن هویت، سنت، نظام ارزشی را به رسمیت بشناسد. اگر از کثرت‌گرایی فرهنگ‌های موجود فراتر برویم و حق آنها را در حفظ هویت و توسعه بر اساس اصول درونی به رسمیت بشناسیم، چندقطبی معنا پیدا می‌کند و موجه می‌شود. این بدان معناست که قطب‌های یک جهان چندقطبی، برخلاف مدل تک قطبی جهانی، که در آن به‌طور پیش فرض ارزش‌های غربی به عنوان ارزش‌های جهانی تسلط دارند، آنها تا حدی مسیر روسیه را دنبال می‌کنند، اما فقط با پذیرش ارزش‌های سنتی خود و البته هر کدام به شکل متفاوت. ما این را به وضوح در چین معاصر می‌بینیم. چین نه تنها جهانی‌گرایی، لیبرالیسم و سرمایه‌داری جهانی را به عنوان یک دگم رد می‌کند و بسیاری از ویژگی‌های نظام سوسیالیستی را حفظ کرده است، به‌طور فزاینده‌ای به ارزش‌های ابدی فرهنگ چین روی می‌آورد و اخلاق سیاسی و اجتماعی کنفوسیوس را در سطح جدیدی احیا می‌کند که برای چندین هزار سال در جامعه الهام بخش بوده و آن را تنظیم کرده است.

روابط روسیه و چین در آسیای مرکزی؛ تعامل یا تقابل

به نفع کشورهای آسیای مرکزی که در اعماق قاره اوراسیا بدون دسترسی به دریا قرار گرفته‌اند، نیست که یک همسایه بانفوذ خود را از عرصه بیرون کنند. بنابراین، همه آنها تلاش می‌کنند تا حد امکان ارتباط‌های خود را با دنیای خارج متنوع سازند. روسیه و چین از این نظر برای آنها به یک اندازه مهم هستند. تاکنون، هر پنج کشور منطقه به خوبی با چین و روسیه و همچنین با شکاف عمیق بین این دو همسایه از یک سو و شکاف عمیق این دو با غرب از سوی دیگر، کنار آمده‌اند.

با توجه به وابستگی روزافزون روسیه به چین و همچنین وابستگی روزافزون نخبگان آسیای مرکزی به درآمدهای مالی جمهوری خلق چین، پکن سال به سال کمتر و کمتر به کمک روسیه نیاز خواهد داشت. با این حال، در حال حاضر، تبدیل روسیه به شریک تازه چین در آسیای مرکزی، نه به تقابل، بلکه برعکس به همکاری بیشتر منجر می‌شود. قبل از شروع تهاجم روسیه به اوکراین، موقعیت مسکو در آسیای مرکزی بسیار قوی تلقی می‌شد. کمتر از دو ماه قبل از ۲۴ فوریه ۲۰۲۲، ارتش روسیه تحت پرچم سازمان پیمان امنیت جمعی به «قاسم ژومارت توکایف»، رئیس‌جمهور قزاقستان کمک کرد تا در قدرت بماند و این ثابت کرد که روسیه (و نه چین) ضامن خارجی امنیت در منطقه است. اما اکنون، دو سال جنگ در اوکراین، تحریم‌ها و انزوا، موقعیت روسیه را متزلزل کرده است. ممکن است به نظر برسد که مسکو موقعیت خود را در آسیای مرکزی کاملاً از دست داده است و پکن به نیروی خارجی غالب در آنجا تبدیل شده است. اظهارات رهبران چین در مورد حمایت از تمامیت ارضی کشورهای آسیای مرکزی، سفرهای متعدد در سطوح عالی، شاخص‌های بی‌سابقه تجاری، سرمایه‌گذاری‌های چین در منطقه و اولین نشست پرشکوه سران «چین-آسیای مرکزی» در ماه می ۲۰۲۳، این دیدگاه را بیشتر تایید می‌کند. با این حال، در واقعیت، وضعیت متفاوت است؛ زیرا به نفع کشورهای آسیای مرکزی نیست که یک همسایه بانفوذ به سادگی دیگری را از عرصه بیرون کند؛ بنابراین، همه آنها تلاش می‌کنند تا روابط خود را با جهان خارج متنوع کنند. روسیه و چین هر دو برای آنها مهم هستند و حتی این واقعیت که یکی از این کشورها اکنون در تقابل مستقیم با غرب است و دیگری به‌طور فعال برای درگیری مشابه آماده می‌شود، وضعیت را تغییر نداده است.

تقسیم کار؟

وضعیت امور در آسیای مرکزی اغلب با نظریه «تقسیم کار» بین روسیه و چین توضیح داده می‌شود: براساس این نظریه، روسیه امنیت منطقه را تضمین می‌کند و چین محرک اصلی توسعه اقتصادی است. این نظریه بر چهار فرضیه نادرست استوار است. فرضیه اول: با ورود چین به منطقه، روسیه دیگر شریک اقتصادی



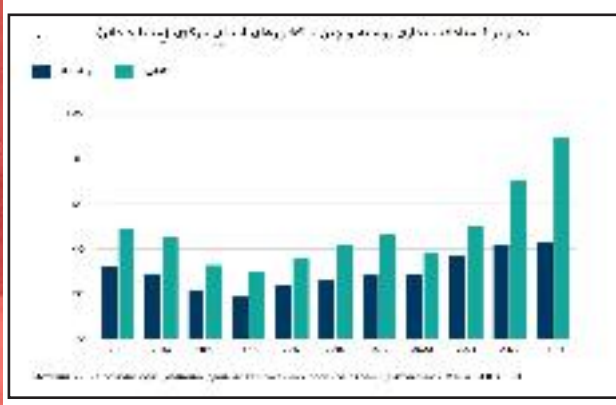
تأثیرگذاری برای کشورهای آسیای مرکزی نیست. فرضیه دوم: منافع چین در حوزه اقتصاد متمرکز است و روسیه تنها ضامن امنیت آسیای مرکزی محسوب می‌شود. فرضیه سوم: مسکو و پکن در آسیای مرکزی با یکدیگر رقابت می‌کنند. آنها علاقه‌ای به همکاری ندارند؛ بنابراین، در بهترین حالت، به وضعیت موجود پایبند هستند و وارد «حوزه مسوولیت» یکدیگر نمی‌شوند.

فرضیه چهارم: کشورهای آسیای مرکزی کوچک‌تر از آن هستند که بر روابط روسیه و چین در منطقه تأثیر بگذارند. این منطقه فقط با شرایطی که همسایگان بزرگ و با نفوذش برای آن ایجاد می‌کنند، سازگار شده است. اکنون هر یک از این فرضیه‌ها را به صورت جداگانه بررسی می‌کنیم:

اقتصاد

طی دهه‌های اخیر، نقش چین در توسعه اقتصادی آسیای مرکزی به میزان قابل توجهی افزایش یافته است. در نتیجه همانطور که به نظر می‌رسد، حضور اقتصادی روسیه در منطقه، به تدریج کم رنگ شده است. اولین تئوری‌ها مبنی بر اینکه چین جایگزین روسیه در اقتصادهای آسیای مرکزی می‌شود در دهه ۱۹۹۰ مطرح شد. دلایل پیدایش این دیدگاه روشن است. چین در دهه‌های ۱۹۹۰ و ۲۰۰۰ نتایج یک معجزه اقتصادی را به دنیا نشان می‌داد، در حالی که روسیه پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی تلاش می‌کرد اقتصاد خود را تثبیت کند.

تقویت نقش چین در آسیای مرکزی توجه گسترده‌ای را به خود جلب کرده است؛ زیرا پکن برای اولین بار پس از قرن‌ها به یک بازیگر ژئوپلیتیک جهانی تبدیل شده است. روسیه از دیرباز به‌طور مستقیم و غیرمستقیم در آسیای مرکزی حضور داشته است، اما اخیراً حضورش در مقایسه با غرب و چین ضعیف شده است. این وضعیت باعث شده است که این دیدگاه به وجود آید که چین به زودی کاملاً جای روسیه را خواهد گرفت. از سال ۲۰۰۸، چین مرتباً در کل مبادلات تجاری با کشورهای آسیای مرکزی از روسیه پیشی گرفته است. پکن تقریباً جایگزین مسکو به عنوان سرمایه‌گذار اصلی در منطقه شده است و از سوی دیگر نیز با راه‌اندازی طرح «کمربند و جاده» در سال ۲۰۱۳، تعداد شرکت‌های چینی در آسیای مرکزی شروع به افزایش کرده‌اند. این آمارها باعث به وجود آمدن این دیدگاه شده است که روسیه دیگر از نظر اقتصادی برای آسیای مرکزی مهم نیست.

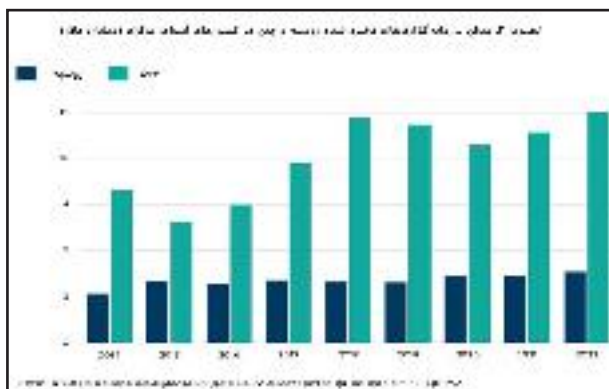


البته مسیرهای دیگری نیز وجود دارند، مانند کریدور میانی از چین به اروپا (از طریق دریای خزر و ماوراء قفقاز) یا راه آهن به سمت چین که از آنجا کالاها توسط کشتی‌ها از طریق دریای چین جنوبی و سپس کانال سوئز به بنادر اروپا و آمریکا ارسال می‌شود. به لحاظ تئوری، امکان دسترسی به بازارهای جهانی از طریق افغانستان و پاکستان و همچنین از طریق ایران وجود دارد، اما در شرایط کنونی این گزینه بسیار پرخطر است. به طور کلی، برای آسیای مرکزی - منطقه‌ای بدون دسترسی مستقیم به اقیانوس جهانی - تجارت با دور زدن روسیه - بسیار پرهزینه و زمان بر است.

علاوه بر این، وقتی در مورد کالاهای صادراتی اصلی عرضه شده از آسیای مرکزی به اروپا - نفت و اورانیوم - صحبت می‌کنیم، وابستگی به روسیه آشکارتر است. تقریباً ۸۰ درصد صادرات نفت قزاقستان از طریق کنسرسیوم خط لوله خزر انجام می‌شود که بیشترین سهم آن متعلق به روسیه (۳۱ درصد) است. چنین وابستگی همواره باعث ایجاد مشکلاتی بوده است.

ثالثاً، دو کشور آسیای مرکزی (قزاقستان و قرقیزستان) اعضای اتحادیه اقتصادی اوراسیا هستند و ازبکستان به عنوان ناظر در آنجا حضور دارد. درست است که نمی‌توان اتحادیه اقتصادی اوراسیا را یک اتحادیه همگرایانه موفق نامید؛ چرا که حجم گردش تجاری کشورهای داخل اتحادیه کمتر از حجم تجارت آنها با جهان خارج است، محدودیت‌های یکجانبه به صورت دوره‌ای در اتحادیه اقتصادی اوراسیا اعمال می‌شود و روسیه همیشه در مورد تصمیم‌های مهم با بقیه اعضای اتحادیه مشورت

مبادلات تجاری چین با پنج کشور منطقه رکورد شکسته است (تصویر ۱). در سال ۲۰۲۲، این ارقام برای اولین بار از ۷۰ میلیارد دلار گذشت، در حالی که تجارت با روسیه، طبق آمار رسمی، ۴۲ میلیارد دلار (۴۰٪ کمتر) بود. در سال ۲۰۲۳، گردش مالی با چین تقریباً به ۹۰ میلیارد دلار رسید (گردش مالی با روسیه نیمی از این شاخص بود).



همین وضعیت در روابط سرمایه‌گذاری آسیای مرکزی با روسیه و چین نیز مشاهده می‌شود (تصویر ۲). در پایان سال ۲۰۲۲، حجم سرمایه‌گذاری‌های انباشته شده چین در کشورهای منطقه ۱۵ میلیارد دلار بود، در حالی که حجم سرمایه‌گذاری‌های انباشته شده روسیه، سه برابر کمتر (۴۰۶۳ میلیارد دلار) بود.

اما از سوی دیگر، قبل از حمله به اوکراین، به نظر می‌رسید که حضور اقتصادی روسیه در آسیای مرکزی رو به افول است و بنابراین وضعیت اقتصاد روسیه باید تأثیر کمتری بر اکوسیستم اقتصادی منطقه داشته باشد. اما در ماه‌های اول جنگ، کشورهای آسیای مرکزی با مشکلات جدی مواجه شدند: تورم به شدت افزایش یافت، ارزش پول‌های ملی به دنبال کاهش ارزش روبل کاهش یافت، کالاهای وارداتی گران‌تر شد و ... همه اینها به دلیل وابستگی این کشورها به روسیه اتفاق افتاد؛ چرا که:

اولاً، کشورهای آسیای مرکزی نمی‌توانند به طور کامل کالاهای اساسی غذایی و غیرغذایی خود را تأمین کنند: تولیدکنندگان داخلی فقط تا حدی تقاضای مصرف‌کنندگان را پوشش می‌دهند و کمبود محصولات خود را با واردات از روسیه جبران می‌کنند. از سوی دیگر، وابستگی به واردات، به عنوان مثال، شکر و غلات از روسیه آشکار است: زمانی که روسیه به طور موقت صادرات آنها را ممنوع کرد، فروشگاه‌های قزاقستان و قرقیزستان با کمبودهای زیادی مواجه شدند.

ثانیاً، کشورهای آسیای مرکزی از اتحاد جماهیر شوروی، زیرساخت‌های حمل‌ونقلی را به ارث برده‌اند که این زیرساخت‌ها به روسیه گره خورده‌اند. با توجه به اینکه غرب شریک اقتصادی مهمی برای پنج کشور منطقه است (کشورهای غربی در مجموع بیش از یک سوم تجارت و سرمایه‌گذاری و بیشترین کمک‌های بشردوستانه به کشورهای این منطقه را به خود اختصاص داده‌اند) بنابراین این نکته حائز اهمیت است.

به همین دلیل نیمی از حمل‌ونقل بار به کشورهای آسیای مرکزی و از کشورهای آسیای مرکزی از طریق خاک روسیه (و برای کشورهایی که مرز مشترکی با روسیه ندارند ابتدا از طریق قزاقستان) انجام می‌شود.



پکن در بدهی خارجی قرقیزستان و تاجیکستان نزدیک به ۴۰٪ است). در مورد دسترسی سرمایه‌گذاران چینی و روسی به بازارهای کشورهای آسیای مرکزی نیز وضعیت به همین منوال است. طبق داده‌های سال ۲۰۲۳، در مجموع در منطقه، حدود ۷۰ هزار شرکت با سرمایه خارجی ثبت شده است که ۳۶٪ از آنها روسی (حدود ۲۵ هزار) و تنها ۰.۸٪ چینی (۵۰۵ هزار) هستند. به نظر می‌رسد که در شرایط انزوای بین‌المللی و جنگ تحریمی، روسیه باید بر بازار خود تمرکز کند. با این حال، نتیجه معکوس رخ داده است: شرکت‌های روسی در اولویت‌های تجارت خارجی خود تجدید نظر کرده‌اند و فعالیت‌های خود را به طور قابل توجهی در آسیای مرکزی گسترش داده‌اند.

به عنوان مثال، گازپروم که از زمان فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی در منطقه فعالیت می‌کند، به توافق‌های جدیدی دست یافته است. این شرکت دولتی قبل از جنگ، گاز را از طریق سیستم خط لوله "آسیای مرکزی-مرکز" به جا مانده از دوران شوروی از منطقه وارد می‌کرد. اکنون برعکس گازپروم توافق کرده است، گازی را که قبلاً به اتحادیه اروپا صادر می‌شد، (از طریق خاک قزاقستان) به ازبکستان عرضه کند. در عین حال، شرکت‌های غیردولتی روسیه - سوپرمارکت‌ها و رستوران‌های زنجیره‌ای، شرکت‌های فناوری اطلاعات، بانک‌ها و غیره - به بازارهای منطقه هجوم آورده‌اند.

از نظر روابط با کشورهای آسیای مرکزی، مسکو و پکن یک تفاوت اساسی دارند: اقتصاد چین بسیار کمتر از اقتصاد روسیه با کشورهای آسیای مرکزی مرتبط است. روسیه و آسیای مرکزی حوزه‌های وابستگی یکسانی دارند. در حوزه مهاجرت هم وضعیت همین گونه است: هم جوامع و مقام‌های کشورهای آسیای مرکزی به دلایل اقتصادی و هم روسیه که از نظر جمعیتی پیر شده است به این مهاجرت‌ها نیاز دارند. به راحتی می‌توان ارتباط متقابل را مشاهده کرد: بحران‌های اقتصادی در روسیه بلافاصله بر ثبات در آسیای مرکزی تأثیر می‌گذارد. در سال ۲۰۲۲، در پس‌زمینه تحریم‌ها علیه روسیه، تورم در قزاقستان - ۱۹.۰۸ درصد، در قرقیزستان - ۱۶.۷ درصد، در ازبکستان - ۱۳.۰۸ درصد، در ترکمنستان - ۱۱.۰۲ درصد و در تاجیکستان - ۶ درصد افزایش یافت. اگر به همبستگی بین نرخ ارزهای ملی کشورهای منطقه و نرخ روبل نگاه کنید، ارتباط متقابل اقتصادها کاملاً آشکار است.

همچنین مهم است که زمینه‌های بین‌المللی و تاریخی را فراموش نکنیم. افزایش شدید حضور چین در منطقه اصلاً یک پدیده منحصر به فرد نیست. تعداد کشورهایی که چین به شریک تجاری اصلی آنها تبدیل شده است از ۱۰۰ کشور فراتر رفته است و همچنین حجم سرمایه‌گذاری‌های چین در کشورهای خارجی از سال ۲۰۰۵ از ۲ تریلیون دلار گذشته است. این در حالی است که تأثیر روسیه بر اقتصادهای آسیای مرکزی عمدتاً از دلایل تاریخی و جغرافیایی و همچنین زنجیره‌های تولیدی که در زمان شوروی شکل گرفته‌اند نشات می‌گیرد.

امنیت

همان طور که نقش روسیه در ثبات اقتصادی کشورهای آسیای مرکزی دست کم گرفته می‌شود، نقش چین نیز در تضمین امنیت منطقه دست کم گرفته می‌شود. در واقع گمان می‌شود که پکن با تمرکز بر همکاری‌های اقتصادی، مسائل مربوط به حفظ ثبات در آسیای مرکزی

نمی‌کند؛ اما حتی با در نظر گرفتن همه این مشکلات، اتحادیه اقتصادی اوراسیا برای کشورهای آسیای مرکزی مفید است؛ زیرا فشار تجارت و توسعه طلبی اقتصادی چین را در بازارهای محلی مهار کرده و در عین حال دسترسی به بازارهای یکدیگر و روسیه را ساده می‌کند.

رابعاً، روسیه همچنان مقصد اصلی کارگران مهاجر از کشورهای آسیای مرکزی است. با وجود پیروی جمعیت و کاهش نرخ زاد و ولد، چین مهاجر بسیار کمی دارد - ۰.۰۱٪ از جمعیت (برای مقایسه: طبق آمار سازمان ملل این شاخص در روسیه - ۰.۸٪ است). هر ساله صدها هزار شهروند آسیای مرکزی حتی در مواجهه با شرایط سخت جنگی، برای کار به روسیه سفر می‌کنند. سپس میلیاردها دلار به کشور خود حواله می‌کنند. چین به دلایلی، به‌ویژه به دلیل ترس از بی‌ثباتی اجتماعی، نمی‌تواند و قصد ندارد جایگزین روسیه در جذب جریان‌های مهاجرتی شود.

جمهوری خلق چین وام‌های زیادی را به کشورهای منطقه ارائه کرده است و برخی کشورها ظاهراً نمی‌توانند از دام بدهی چین خلاص شوند. اما اگر کل منطقه را در نظر بگیریم، معلوم می‌شود که کشورهای آسیای مرکزی به یک اندازه به مسکو و پکن بدهکار هستند.

کل بدهی‌های پنج کشور منطقه به چین و روسیه تقریباً برابر است: طبق داده‌های نیمه اول سال ۲۰۲۳، آسیای مرکزی ۱۵۰۷ میلیارد دلار (۷۰٪ از کل بدهی خارجی) به چین و ۱۴۰۳ میلیارد دلار (۷٪) به روسیه بدهکار است. سیاست‌های اعتباری (وام‌دهی) روسیه و چین کشورهای مختلف را هدف قرار داده است. قزاقستان و ازبکستان به مسکو بدهکار هستند. چین هم طلبکار اصلی قرقیزستان و تاجیکستان است (سه‌م



در سال ۱۹۹۴، "لی پنگ"، نخست وزیر وقت جمهوری خلق چین، سفری را به تمام کشورهای آسیای مرکزی (به جز تاجیکستان که در آن جنگ داخلی در گرفت) انجام داد و در همه جا در مورد اهمیت مبارزه با تروریسم، افراط‌گرایی و جدایی طلبی صحبت کرد.

این تاکتیک موفقیت‌آمیز بود: رژیم‌های سیاسی جوان کشورهای آسیای مرکزی با تمایل‌های استبدادی، نگرانی‌های پکن را درک کردند. حتی "اسلام کریم‌اف"، اولین رئیس‌جمهور ازبکستان، شخصاً اطلاعات مربوط به فعالان اوغور را به "جیانگ زمین"، رئیس‌جمهور وقت چین منتقل کرد.

آسیای مرکزی به عنوان یک منطقه حائل بین چین و افغانستان برای پکن مهم است. جمهوری خلق چین مرز کوتاه خود را با کشور تحت رهبری طالبان، کنترل می‌کند، اما نگران عامل تاجیکستان - تنها کشور منطقه که همزمان با چین و افغانستان مرز مشترک دارد - است. ارتش تاجیکستان ضعیف‌ترین ارتش در آسیای مرکزی محسوب می‌شود که با توجه به طولانی بودن (۱۰۳ هزار کیلومتر) مرز کوهستانی با افغانستان نگرانی بیشتری ایجاد می‌کند.

تاجیکستان همیشه با بقیه کشورهای آسیای مرکزی متفاوت بوده است - این کشور تنها کشور غیر ترک زبان از پنج کشور آسیای مرکزی بوده و بسیار ناپایدار است. دوره استقلال در این کشور با جنگ داخلی (۱۹۹۲-۱۹۹۷) آغاز شد. اگرچه رژیم سیاسی فعلی "امامعلی رحمان" با ثبات به نظر می‌رسد، اما روندهای خطرناکی در این کشور هم در سیاست داخلی و هم در سیاست خارجی مشاهده می‌شود. در تاجیکستان،

را به روسیه سپرده است. البته همین سه دهه پیش، سازمان‌های امنیتی و نظامی کنونی در کشورهای آسیای مرکزی و روسیه نهادهای واحدی در چارچوب اتحاد جماهیر شوروی بودند. حتی امروز، در نهادهای امنیتی و نظامی کشورهای آسیای مرکزی، هنوز افرادی در مناصب رهبری هستند که در اتحاد جماهیر شوروی بزرگ شده‌اند یا با فرهنگ شوروی پرورش یافته‌اند و روابط نزدیکی با نیروهای امنیتی و شهروندان عادی روسیه داشته‌اند.

روسیه تنها کشوری است که مجوز قانونی را (با مجوز مقام‌های کشورهای آسیای مرکزی) برای دخالت در فرآیندهای داخلی منطقه دارد. این دخالت می‌تواند از طریق سازمان پیمان امنیت جمعی رخ دهد (ازبکستان در سال ۲۰۱۲ عضویت خود را در این سازمان به حالت تعلیق درآورد). نمونه‌ای از چنین مداخله‌ای در ژانویه ۲۰۲۲ و در اوج ناآرامی‌های گسترده در قزاقستان رخ داد. در عین حال، حتی ازبکستان و ترکمنستان که عضو سازمان پیمان امنیت جمعی نیستند، می‌توانند در صورت لزوم بر اساس توافق‌های دوجانبه، جهت دریافت کمک نظامی یا سیاسی به روسیه مراجعه کنند.

روسیه علاوه بر مجوز قانونی برای نفوذ، نیروهای واقعی نیز در منطقه دارد. بزرگ‌ترین پایگاه نظامی زمینی خارجی روسیه - پایگاه نظامی ۲۰۱ با حدود ۶-۷ هزار سرباز - در تاجیکستان فعالیت می‌کند. همچنین در تاجیکستان (در نزدیکی نورک) تنها سیستم کنترل فضایی روسیه واقع است.

در قرقیزستان، در جریان سفر رئیس‌جمهور "ولادیمیر پوتین" در سال ۲۰۲۳، بیستیمین سالگرد تأسیس پایگاه هوایی ۹۹۹ روسیه (کانت) جشن گرفته شد.

در قزاقستان یک مرکز رادیوتکنیکی وجود دارد که بر حرکت موشک‌های بالستیک و تأسیسات فضایی بر فراز قلمروی آسیا نظارت دارد. علاوه بر این، روسیه پایگاه فضایی بایکونور را در قزاقستان و همچنین بیش از ۸۰۶ میلیون هکتار زمین را به عنوان پایگاه آموزشی، اجاره کرده است که تا یک هزار پرسنل نظامی روسی دائماً در آنها حضور دارند.

شکی نیست که از نظر مسائل امنیتی، روسیه شریک اصلی برای کشورهای آسیای مرکزی است. اما این بدان معنا نیست که خود کشورهای منطقه نمی‌خواهند مجموعه شرکای خود را متنوع کنند. همچنین به این معنا نیست که چین در این موارد صرفاً به روسیه متکی است.

مسائل امنیتی یک حوزه اساساً مهم در سیاست خارجی چین در آسیای مرکزی است. در واقع در دهه ۱۹۹۰ روابط بین جمهوری خلق چین و کشورهای منطقه با همین مسائل آغاز شد. هم مرز بودن منطقه با سین کیانگ چین، به یک عامل خطر جدید برای ثبات رژیم سیاسی پکن تبدیل شده است.

درست در پایان قرن بیستم - آغاز قرن بیست و یکم، فعالیت جنبش استقلال سین کیانگ (یا ترکستان شرقی) افزایش یافت. در این شرایط، پکن باید راه دوستی با رژیم‌های سیاسی را در آسیای مرکزی در پیش می‌گرفت تا کانال‌های بالقوه حمایت از جنبش‌های جدایی طلب را مسدود کند. بر اساس داده‌های مختلف، تا یک میلیون اوغور قومی در این منطقه زندگی می‌کنند.



روسیه براساس یک شاخص دیگر نیز از چین جلوتر است: در ۳۰ سال گذشته، مسکو شش برابر بیشتر از پکن به آسیای مرکزی تسلیحات ارسال کرده است. توضیح آن واضح است: ارتش‌های کشورهای آسیای مرکزی تسلیحات را از اتحاد جماهیر شوروی به ارث برده‌اند. با این حال، برخی از کشورها به تدریج در حال تنوع بخشیدن به تأمین‌کنندگان تسلیحات هستند. به عنوان مثال، از سال ۲۰۱۴، ازبکستان شروع به خرید بیشتر تسلیحات از چین نسبت به روسیه کرده است (از نظر ارزش مالی). ترکمنستان نیز با دریافت تسلیحات از ترکیه از انحصار دوتایی روسیه - چین فاصله گرفته است.

علاوه بر همکاری مستقیم بین ارتش و نیروهای امنیتی، مسائل امنیتی به طور مرتب توسط سازمان‌های غیرنظامی جمهوری خلق چین و کشورهای آسیای مرکزی مورد بحث قرار می‌گیرد. چین به طور متوسط هر سال حدود ده نشست دوجانبه را در مورد مسائل امنیتی در چین قالبی برگزار می‌کند.

بازیگران غیردولتی نیز نقش خود را دارند: شرکت‌های امنیتی خصوصی چینی در منطقه فعالیت می‌کنند. حضور آنها به‌ویژه در قرقیزستان قابل توجه است و پس از حمله تروریستی ۲۰۱۶ به سفارت چین فعال‌تر نیز شده‌اند.

حضور جمهوری خلق چین در حوزه امنیتی کشورهای آسیای مرکزی به چند دلیل زیر افزایش یافته است:

اولاً، این امر با منافع خود چین مطابقت دارد. در دوران ریاست جمهوری «شی جین پینگ»، ثبات رژیم سیاسی به اولویت اصلی پکن تبدیل شده است. برای این منظور، جمهوری خلق چین آماده است تقریباً آشکارا علیه اقلیت‌های قومی و مذهبی در سین کیانگ تبعیض قائل شود و از بدتر شدن وجهه خود، هراسی ندارد.

ثانیاً، خود آسیای مرکزی مایل است با تغییر موازنه به سوی دیگر شرکا، سلطه روسیه را محدود کند. کشورهای منطقه زیر بار وابستگی شدید به روسیه هستند. با این حال، فعلاً سطح این وابستگی همچنان بالا است؛ بنابراین منطقه باید روابط خود را با دقت هر چه بیشتر متنوع سازد.

ثالثاً، در طول دو سال جنگ در اوکراین، نیروهای مسلح روسیه خود را بدنام کرده‌اند. حداقل، روسیه وجهه خود را به عنوان دومین ارتش قدرتمند جهان پس از ایالات متحده از دست داده است. انتقال سربازان و تجهیزات روسی از پایگاه‌های نظامی آسیای مرکزی به اوکراین و همچنین اعزام گسترده (گاهی اجباری) مهاجران و اسرا به جبهه - همه اینها بی‌قیدوشرط بودن تضمین‌های امنیتی روسیه را در کشورهای مرکزی زیر سوال برده است.

رقابت/همکاری

سومین فرضیه نادرستی که ایده تقسیم کار روسیه و چین در آسیای مرکزی بر آن استوار شده است، رقابت بین دو قدرت است. بر اساس این نظریه، تا زمانی که تقسیم کار وجود داشته باشد، رقابت به تعارض تبدیل نخواهد شد.

از زمان آغاز جنگ در اوکراین، صحبت‌های زیادی مبنی بر اینکه چین، روسیه را از آسیای مرکزی بیرون خواهد کرد، وجود داشته است. اولین سفری که شی جین پینگ، رئیس جمهور چین در سپتامبر ۲۰۲۲

خطرهای تروریسم و رادیکالیسم محلی، نسبتاً زیاد است. حمله تروریستی ۲۲ مارس در منطقه مسکو گواه این امر است.

به همین دلایل، تاجیکستان به مقصد اصلی صادرات خدمات امنیتی چین تبدیل شده است. سطح حضور نیروهای امنیتی چین در آنجا نه تنها از نظر استانداردهای منطقه‌ای، بلکه از نظر استانداردهای جهانی نیز بی‌سابقه است. در تاجیکستان (به طور دقیق‌تر، در کریدور واخان در مرز با افغانستان) دو پایگاه پلیس مسلح خلق چین - تنها پایگاه‌های چین در خارج - وجود دارند.

پلیس مسلح خلق به طور فعال با سایر کشورهای منطقه نیز همکاری می‌کند. نیروهای امنیتی چین به‌طور مداوم با همکاران خود در تماس هستند و رزمایش‌های دوجانبه را تحت عنوان «همکاری» برگزار می‌کنند. به عنوان مثال، در سال ۲۰۱۹، پلیس مسلح خلق چین رزمایش‌های جداگانه‌ای را با آژانس‌های امنیتی مربوطه هر یک از پنج کشور آسیای مرکزی برگزار کرد.

به طور کلی پکن در زمینه امنیت منطقه‌ای با تمام کشورهای آسیای مرکزی همکاری می‌کند. به عنوان مثال، نیروهای مسلح قرقیزستان اولین کسانی بودند که ارتش آزادی‌بخش خلق چین با آنها رزمایش‌های دوجانبه را برگزار کرد (در اکتبر ۲۰۰۲).

در مجموع، از سال ۲۰۰۲، جمهوری خلق چین ۱۲ رزمایش دوجانبه را با کشورهای منطقه برگزار کرده است. این در حالی است که روسیه ۲۱ رزمایش را برگزار کرده است. روسیه همچنین بیش از ۵۰ رزمایش را با آسیای مرکزی از طریق سازمان پیمان امنیت جمعی برگزار کرده است.



روسیه باقی مانده است: تجارت کالاهای غیر تحریمی را افزایش داده است و محصولات مشمول محدودیت‌ها را از طریق کشورهای ثالث (عمدتاً از طریق کشورهای عضو اتحادیه اقتصادی اوراسیا) به روسیه عرضه می‌کند.

به عنوان مثال، تردد کانتینری از چین از طریق قزاقستان افزایش یافته است. همچنین گزارش‌های خبری بسیاری از خبرگزاری‌ها ثابت کرده‌اند که کالاهای چینی از طریق قزاقستان، قرقیزستان و ازبکستان وارد روسیه می‌شوند؛ بنابراین، ایالات متحده تحریم‌های ثانویه‌ای را علیه برخی از شرکت‌های درگیر در این راستا وضع کرده است.

همکاری در زمینه لجستیک گاهی در جهت مخالف نیز رخ می‌دهد - از آسیای مرکزی به چین از طریق روسیه. به عنوان مثال، در اکتبر ۲۰۲۱ در طول بحران انرژی در چین، استان چیچانگ برای اولین بار زغال سنگ را از قزاقستان وارد کرد. منطقی این بود که زغال سنگ از طریق راه آهن مستقیم از قزاقستان به چین عرضه شود. اما مسیر "دریای خزر - روسیه - دریای سیاه - کانال سوئز - دریای چین جنوبی" سودآورتر بود.

ساختار ارزی تجارت روسیه با کشورهای آسیای مرکزی نیز تحت تأثیر تحریم‌ها، در حال تغییر است. به گفته تحلیل‌گران بانک بازاری و توسعه اروپا، از سال ۲۰۲۲، روسیه و تاجیکستان شروع به استفاده بیشتر از یوان چین در تجارت دوجانبه کرده‌اند.

در بخش‌های سنتی انرژی نیز نشانه‌هایی از همکاری وجود دارد. روسیه در سال جاری عرضه نفت خود را به چین از طریق قزاقستان تا

به قزاقستان پس از پاندمی کرونا انجام داد، سخنرانی رهبر چین مبنی بر اینکه کشورش «قاطعانه از قزاقستان در حفاظت از استقلال ملی، حاکمیت و تمامیت ارضی حمایت می‌کند» و همچنین اولین اجلاس سران "چین + آسیای مرکزی" که در ماه می ۲۰۲۳ در شیان برگزار شد، باعث شد چنین صحبت‌هایی آغاز شود.

با این حال، همان طور که قبلاً دیدیم، هیچ تقسیم کار روشنی بین روسیه و چین در آسیای مرکزی وجود ندارد. روسیه همچنان از نظر اقتصادی تأثیرگذار است و چین هم به عمد در حال گسترش حضور امنیتی خود است. همچنین هیچ نشانه‌ای از درگیری بین مسکو و پکن وجود ندارد. برعکس، هر سال این دو کشور بیشتر و بیشتر با یکدیگر همکاری می‌کنند؛ چرا که منافع سیاسی مشترکی در آسیای مرکزی دارند. ولادیمیر پوتین "کار در کشورهای ثالث" را حوزه مهمی از تعامل با چین می‌داند و اذعان می‌کند که پکن حق دارد چتر امنیتی خود را گسترش دهد.

اکنون دومین سال متوالی است که در بیانیه‌های نهایی مذاکرات دوجانبه روسیه و چین در بالاترین سطح، بر همکاری مسکو و پکن در آسیای مرکزی تأکید خاصی می‌شود.

در سال ۲۰۲۲، پس از دیدار شی جین پینگ و پوتین در پکن، تأکید شد: روسیه و چین با اقدام‌های نیروهای خارجی برای تضعیف امنیت و ثبات در مناطق مشترک مجاور مخالفتند؛ قصد دارند در برابر دخالت نیروهای خارجی تحت هر شرایطی مقاومت کنند؛ مخالف "انقلاب‌های رنگی" هستند و تعامل را در زمینه‌های فوق‌الذکر افزایش خواهند داد.

در سال ۲۰۲۳، در بیانیه پس از سفر رسمی شی جین پینگ به مسکو، هر دو رهبر اعلام کردند: «ما آماده تقویت هماهنگی متقابل برای حمایت از کشورهای آسیای مرکزی در تضمین حاکمیت و توسعه ملی آنها هستیم و تلاش برای واردات "انقلاب‌های رنگی" و مداخله خارجی در امور منطقه را نمی‌پذیریم».

اولویت برای هر دو قدرت حفظ ثبات رژیم‌های استبدادی در آسیای مرکزی و عدم نزدیک شدن بیش از حد آنها به کشورهای غربی (در درجه اول ایالات متحده) است. دو طرف همه مسائل مشکل‌زا را به محض بروز حل می‌کنند. حتی به نظر نمی‌رسد که افزایش فعالیت‌های امنیتی چین، مسکو را چندان نگران کند؛ زیرا منافع این کشور با چین منطبق است. به احتمال زیاد، مسکو آنچه را که اتفاق می‌افتد نه به عنوان یک چالش، بلکه به عنوان فرصتی برای تقسیم بار مسئولیت با پکن می‌بیند.

در عمل نیز همکاری قابل مشاهده است. در حوزه امنیتی، تعامل بین روسیه، چین و کشورهای آسیای مرکزی عمدتاً از طریق سازمان همکاری شانگهای صورت می‌گیرد. با این حال، خارج از این سازمان نیز قالب‌های سه جانبه همکاری وجود دارد - برای مثال، هیئت‌های نظامی چینی از تأسیسات نظامی روسیه در منطقه بازدید می‌کنند.

در حوزه اقتصادی، بارزترین نمونه تعامل غیرمستقیم چین با روسیه در منطقه آسیای مرکزی در دو سال گذشته، رشد انفجاری تجارت کشورهای آسیای مرکزی با هر دو همسایه بوده است. دلیل اصلی آن جنگ در اوکراین و تحریم‌های ضد روسیه بوده است. درست است که جمهوری خلق چین اقدام‌های محدودکننده را رعایت می‌کند، اما رسماً به آنها نپیوسته است و همچنان (با تمام اقدام‌های احتیاطی) در بازار



و بیشتر و بیشتر می‌تواند بدون در نظر گرفتن مسکو در منطقه عمل کند. با این حال، در حال حاضر، تبدیل روسیه به شریک جدید چین منجر به تقابل در آسیای مرکزی نمی‌شود، بلکه برعکس، منجر به همکاری بیشتر می‌شود. پکن از تلاش برای قرار گرفتن در سیستم روابط بین‌نخبگان آسیای مرکزی که بدون مشارکت روسیه امکان‌پذیر نیست، دست نمی‌کشد. اما چین تنها زمانی می‌تواند جایگزین مسکو شود که به طور کامل این سیستم را برای خود بازسازی کند. و این یک روند طولانی است. فعلاً پکن به نفوذ روسیه در آسیای مرکزی متکی است. نشست شیآن که بسیاری از کارشناسان و رسانه‌ها از آن به عنوان شاهدهی بر جاه‌طلبی‌های چین در منطقه یاد می‌کنند گویای این امر است. تمام نوشته‌ها، اسناد رسمی، موافقت‌نامه‌ها، معاهدات، یادداشت تفاهم‌ها در این اجلاس به دو زبان - چینی و روسی (و نه به زبان‌های "پنج" کشور) منتشر شده است. حتی در طول دیدارهای دوجانبه، همه رؤسای جمهور و مقام‌های عالی‌رتبه کشورهای آسیای مرکزی مجبورند با همکاران چینی خود به زبان روسی ارتباط برقرار کنند.

انکار استقلال کشورهای منطقه

دلیل اصلی اینکه نظریه‌های مربوط به مبارزه روسیه و چین یا تقسیم کار در آسیای مرکزی نادرست هستند، انکار استقلال کشورهای منطقه است. بسیاری از ناظران تصور می‌کنند که تمام تصمیم‌های مهم برای این کشورها توسط همسایگان بزرگ و با نفوذ اتخاذ می‌شود. اما در واقع، کشورهای آسیای مرکزی هرگز به اندازه امروز مستقل نبوده‌اند. اغلب، کشورهای آسیای مرکزی بر اساس منافع عمل‌گرایانه خود از چین یا روسیه حمایت می‌کنند.

به عنوان مثال، گمان می‌رود کشورهای آسیای مرکزی به دلیل فشار چین، از سیاست‌های تبعیض‌آمیز در سین کیانگ حمایت کرده‌اند؛ اما در واقع رژیم‌های استبدادی منطقه، به این دلیل از پکن انتقاد نمی‌کنند تا به طور غیر مستقیم این زمینه را فراهم نکنند که کشورهای غربی چگونگی اجرای سیاست‌های داخلی را به آنها هم تحمیل کنند.

نمونه دیگر، پایگاه‌های پلیس مسلح خلق چین در تاجیکستان است. آنها تحت فشار پکن در آنجا ظاهر نشده‌اند. دوشنبه می‌داند که باید چندین شریک داشته باشد و چین نامزد اصلی نقش دومین متحد است. ضمناً، هند، ایران و حتی برخی از اعضای ناتو نیز به نحوی با تاجیکستان در مسائل امنیتی همکاری می‌کنند.

البته نقش و جایگاه پکن در منطقه مهم‌تر است. و این نه تنها نشان‌دهنده رشد جاه‌طلبی‌ها و قدرت جمهوری خلق چین است، بلکه نشان می‌دهد که این امکان برای کشورهای آسیای مرکزی وجود دارد که بتوانند با موفقیت از وابستگی به روسیه رها شوند. البته به نفع کشورهای آسیای مرکزی که در اعماق قاره اوراسیا بدون دسترسی به دریا قرار گرفته‌اند، نیست که یک همسایه بانفوذ خود را از عرصه بیرون کنند. بنابراین، همه آنها تلاش می‌کنند تا حد امکان ارتباط‌های خود را با دنیای خارج متنوع سازند. روسیه و چین از این نظر برای آنها به یک اندازه مهم هستند. تا کنون، هر پنج کشور منطقه به خوبی با چین و روسیه و همچنین با شکاف عمیق بین این دو همسایه از یک سو و شکاف عمیق این دو با غرب از سوی دیگر، کنار آمده‌اند.

۴۰ درصد افزایش داده است. علاوه بر این، پکن به طور غیرمستقیم از قرارداد عرضه گاز اخیراً امضا شده بین روسیه، قزاقستان و ازبکستان سود می‌برد؛ زیرا آنها عرضه بی‌وقفه سوخت را از آسیای مرکزی به چین تضمین می‌کنند.

اگرچه چین و روسیه به طور فزاینده در آسیای مرکزی همکاری می‌کنند، اما نباید انتظار داشت که مسکو و پکن نوعی کمیسیون بین‌دولتی را برای هماهنگ کردن اقدام‌های خود ایجاد کنند.

ساختارهای موجود مانند سازمان همکاری شانگهای یا اتحادیه اقتصادی اوراسیا که با ابتکار کمربند و جاده چین مرتبط هستند نیز این نقش را بر عهده نخواهند گرفت. ایده جفت شدن و همکاری بیشتر از ملاحظات دیپلماتیک و نمادین ناشی می‌شود تا نیازهای عملی.

بنابراین، در آسیای مرکزی، روسیه و چین به طور فعال هم در زمینه مسائل امنیتی و حمایت از ثبات رژیم‌های محلی و هم در اقتصاد با یکدیگر همکاری می‌کنند. اگرچه در این زمینه هماهنگی چندان نزدیک و نهاده‌ای نیست. حتی اگر نوعی رقابت در منطقه بین پکن و مسکو وجود داشته باشد، این رقابت با توجه به اهمیت روابط دوجانبه روسیه و چین برای هر دو کشور، به ویژه در راستای مخالفت آشکار روسیه با "مجموعه کشورهای غربی" و ماهیت تقابلی تعامل ایالات متحده و چین، جبران می‌شود.

با توجه به وابستگی روزافزون روسیه به چین و همچنین وابستگی روزافزون نخبگان آسیای مرکزی به درآمدهای مالی جمهوری خلق چین، پکن سال به سال کمتر و کمتر به کمک روسیه نیاز خواهد داشت



نوع فعالیت: طراحی، ساخت و نامین انواع کمپرسورهای سانتریفیوژ و رفت و برگشتی جهت استفاده در صنایع نفت، گاز و پتروشیمی، فولاد، دارویی، شیشه سازی و خودرو
 نشانی: تهران، میدان ونک، خیابان ونک غربی، پلاک ۶۱
 تلفن: ۸۸۶۰۴۷۳۶-۸۸۶۰۴۷۳۵
 فاکس: ۸۸۶۰۴۷۳۹
 پست الکترونیک: office@otce-co.com



تجهیزات توربو کمپرسور نفت
 مدیر عامل: مر تقی کاظمی

نوع تولید: تولید رینگ سواری، سنگین و رام خودرو
 نشانی: مشهد، کیلومتر ۸ بزرگراه آسیایی، نبش پیامبر اعظم ۱۰۱، کد پستی: ۹۱۹۷۱۷۴۹۲۹
 تلفن: ۰۵۱۳۶۵۱۶۰۰۱-۴
 فاکس: ۰۵۱۳۶۵۱۶۰۲۱
 پست الکترونیک: info@mwmco.com
 وب سایت: www.Mwmco.com



رینگ سازی مشهد
 مدیر عامل: سهیل بزدا نبخش

نوع تولید: تولید محصولات شیمیایی
 نشانی: تهران، خیابان انقلاب، زبو پل کالج، نرسیده به چهارراه کالج، پلاک ۸۹۶، طبقه سوم
 کد پستی: ۱۱۳۳۹۳۵۹۱۸
 تلفن: ۶۶۷۰۱۷۴۱
 فاکس: ۶۶۷۰۲۴۳۷
 پست الکترونیک: Info@chemico.ir
 وب سایت: www.Chemico.ir



C.I.CO. Group
 شرکت کیمیا پالایش شکوه
 (شاس غلی)
 کیمیا پالایش شکوه
 مدیر عامل: فرامرز نرایی

نشانی (دفتر تهران): خیابان آزادی، روبروی وزارت تعاون و کار، کوی اشبان، پلاک ۲، طبقه اول
 واحد ۲
 کد پستی: ۱۳۴۵۶۹۷۶۷۱
 تلفن: دفتر تبریز: ۰۳۴۷۵۱۴۰۱ (۰۴۱) دفتر تهران: ۶۶۳۵۱۷۸۹
 فاکس: ۰۴۱ ۰۴۷۵۱۴۰۴
 پست الکترونیک: info@pouyapartow.com
 وب سایت: www.pouyapartow.com



پارسی فنی پویا پرتو
 مدیر عامل: احمد محمدنژاد

نوع فعالیت: برگزاری تورهای تجاری، آموزشی و توریستی کشورهای حوزه نسکن، چین، کره جنوبی، ژاپن
 خدمات ویژه نسکن، کانادا، انگلیس و آمریکا
 نشانی: تهران، خی مظهری، خی سرافراز، خی خبرنگار با دوم، پ ۱، ط ۳
 کد پستی: ۱۵۸۶۸۳۴۹۱۵
 تلفن: ۸۸۵۳۷۶۲۵ ۸۸۵۰۱۷۶۱ ۰۲۱۸۸۵۳۷۶۲۵
 پست الکترونیک: Parsa.mobln.parvaz@gmail.com



خدمات مسافرتی پارسا موبلن پرواز
 مدیر عامل:
 سیده فاطمه مهربخش بندری



EGHTESAD NOVIN LEASING CO.

نوع خدمت: تأمین منابع مالی تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان در صنایع مختلف جهت خرید تجهیزات و ماشین‌آلات صنعتی، خودروهای کار و سنگین، خودروهای سواری، ماشین‌آلات راهسازی، دفاتر اداری و تجهیزات پزشکی

نشانی: تهران، خیابان قائم مقام فراهانی، جنب تهران کلینیک، کوچه ازادگان، پلاک ۱۵۲

تلفاکنس: ۸۸۷۰۰۷۷۶

پست الکترونیک: info@enleasing.com

وب سایت: www.enleasing.com

لیزینگ بانک اقتصاد نوین

مدیرعامل: ایمان فرحام نیا



نوع فعالیت: کشاورزی و دامداری

نشانی: مشهد، بلوار شهید منتظری، نیش منتظری ۷، طبقه ۳، واحد ۷

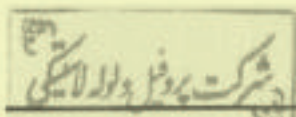
کد پستی: ۹۱۷۶۸۷۵۴۰۹

تلفن: ۰۵۱۳۸۴۵۰۹۸۶

فاکس: ۰۵۱۳۸۴۵۰۹۸۵

بهره وری انرژی باغ اورنگ

مدیرعامل: روشنک عباسی نینسایوری



نوع تولید: تولید پروفیل و لوله های لاستیکی

نشانی دفتر مرکزی: تهران، شهرداری، اول جاده شه، سه راه بهشتی، خیابان اول

پالایشگاه، خیابان انبار نفت، پلاک ۱۱۰۱

کد پستی: ۱۸۷۹۹۴۴۴۱۱

پروفیل و لوله های لاستیکی

مدیرعامل: نرجس خانون یزدانبخش



بانک کارآفرین

KARAFARIN BANK

بانک کارآفرین

مدیرعامل: احمد بهاروندی

نوع فعالیت: بانکداری

نشانی: تهران، خیابان ولیعصر روبروی پارک ملت خیابان ناهید غربی پلاک ۹۷

تلفن: ۲۶۲۱۵۰۰۰

فاکس: ۲۶۲۱۵۱۵۸

پست الکترونیک: info@karafarinbank.ir

وب سایت: www.karafarinbank.ir

نوع فعالیت: ارائه خدمات فنی مهندسی ماشین سازی، تجهیزات و کالیبراسیون -

طراحی انواع گنج و فیکسچرهای کنترلی و اندازه گیری

نشانی: شهرک صنعتی طوس، فاز ۲، اندیشه ۵، دانش ۴، قطعه ۶۶۶

کد پستی: ۹۱۸۵۱۸۴۵۹۶

تلفن: ۰۵۱ ۳۵۴۱۳۲۰۰

فاکس: ۰۵۱-۳۵۴۱۰۵۲۲



مؤسسه معیار آزمون پارت

مؤسسه معیار آزمون پارت

مدیر عامل: عبدالحسین ذاریبی

پست الکترونیک: Alizadeh۸۰۱۴@yahoo.com

وب سایت: partlaticgroup.com



انجمن مدیران صنایع به عنوان شکل کارفرمایی غیردولتی با نقش میانجیگری بین دولت و بخش خصوصی و جلب مشارکت فعالان بخش خصوصی به عضویت در انجمن و ارائه خدمات به اعضا در راستای تأثیرگذاری بر سیاستها از طریق طرح مشکلات، ضرورتها، موانع و وضعیت بنگاه ها در شاخه های مختلف کسب و کار در عرصه عمومی تلاش میکند.

بر این باوریم مادامی که نیازها و خواسته های ما در حوزه های مختلف در گستره عمومی در منظر سیاست گذاران قرار نگیرد و اهمیت آنها مورد پذیرش واقع نشود در دستور کار نیز نخواهد بود. انجمن تلاش میکند با تغییر قوانین، سیاستها و تصمیمات اتخاذ شده در راستای بهبود محیط کسب و کار و پیگیری حقوق اعضای خود قدم بردارد.

به جمع ما بپیوندید
۸۸۸۱۳۰۴۷-۸۸۳۰۴۰۷۰
۰۹۱۲۰۷۰۲۰۳۶
www.amsiran.com